

تلنگر

نویسنده:

علی حسین امیری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam۴۱۱.com

www.videofarsi.com

مقدمه

سلام و درود بر پیامبر اسلام و خاندان پاکش و اصحاب وفادارش. شکی نیست که زبان طنز یکی از روش‌های موثر در امر تبلیغ است و حتی در سخن بسیاری از بزرگان دینی نیز بکار رفته است.

در کتابی که پیش رو دارید از همین شیوه استفاده شده است و عقاید اشتباهی که در میان مسلمین وجود دارد با زبانی طنز بیان شده است.^۱ البته ما با تحقیق و رجوع به قرآن و احادیث صحیح متوجه اشتباه بودن این عقاید شده‌ایم و هر کس باید خودش تحقیق کند و ما کسی را مجبور به پذیرش عقاید خود نمی‌کنیم.

عقاید اشتباه به شیوه‌ای طنز بیان شده تا بلکه تلنگری به مغز بعضی‌ها وارد شود و از راه اشتباهی که در پیش گرفته‌اند بازگردند و به همین علت نیز نام کتاب تلنگر می‌باشد. ایرانیان معنای تلنگر را به خوبی می‌فهمند، تلنگر به معنای ضربه‌ای خفیف به مغز، روح و وجدان شخصی گمراه و ناآگاه است تا بلکه به خودآید و مسیرش را عوض کند، در این کتاب نیز در مقابل بعضی از جملات مهمی که می‌توانند باعث تلنگر به مغز افراد شوند کلمه تلنگر در داخل پرانتز آورده شده است. قبل از خواندن مطالب، لازم به تذکر است که در این مجموعه تمامی سخنان از زبان سه تن بیان شده است که در حال مناظره و گفتگو با یکدیگر هستند. این سه تن عبارتند از: شخصی رافضی و شخصی سنی مذهب و شخصی سلفی.

لازم به تذکر است که موحدین و مسلمین یکتاپرست اعم از شیعه و سنی، مورد احترام ما هستند و خطاب سخنان ما با غلات شیعه و روافض است که دین را نردبان سیاست کرده‌اند و آن را دکان کرده‌اند تا مردم ساده را فریب دهند و به همین خاطر نیز از نام رافضی استفاده شده تا توهینی به شیعیان درستکار و موحد نشود.

۱- البته مطالب ذکر شده به زبان طنز در واقع طنزی هستند که از هر جدی، جدی‌تر هستند و در واقع از روشن‌ترین حقایق می‌باشند.

اصلاً نام و نشان مهم نیست و میان شیعه و سنی، موحدین فراوانی وجود دارند و چه بسا شخصی سنی که عقایدی شرک‌آمیز دارد و تنها نام اهل سنت را یدک می‌کشد و یا شخصی شیعه که تنها دم از پیروی اهل بیت می‌زند و البته از زمین تا آسمان با عقاید اهل بیت بیگانه است. راه و روش ایده آل این است که همه مسلمین، مذاهب و عقاید تفرقه‌انگیز را به دور بیندازند و تنها به دین اسلام و تنها به قرآن و سنت پیامبر ﷺ چنگ بزنند.

در مورد نام سلفی نیز بر خلاف آنچه روحانیون گمراه صفوی تبلیغ می‌کنند و ایشان را جدا از اهل سنت معرفی می‌کنند، چنین نیست، بلکه ایشان از سنی‌ترین سنیان هستند و تنها به سلف صالح اقتدا نموده و در عقاید خویش به قرآن و احادیث صحیح چنگ می‌زنند و استفاده دائم آخوندها از واژه‌ی وهابی تنها بخاطر دور کردن مردم از ایشان و ایجاد تفرقه بیشتر میان مسلمین است.

اینکه مذاهبی به عنوان معبر، روش و مکتب وجود داشته باشند تا مسلمین از طرق آن‌ها به اجتهاد پردازند و مشکلات خود را حل کنند، موردی ندارد و اصلاً هرکسی آزاد است تا برای تحقیق در مسائل دینی خود به هر شخص (مجتهد، استاد دانشگاه، مفتی) مراجعه کند و امر دین را نمی‌توان به افرادی خاص منحصر کرد، ولی وجود این مذاهب نباید باعث تفرقه شوند و یا باعث تقلید کورانه از آن مذاهب؛ و ملاک اصلی قرآن و سنت هستند.^۱

در مطالبی که پیش رو دارید، معایب مختلفی بیان شده‌اند.

شاید اگر بطور عمیق‌تر نیز به مناظرات بین مذاهب گوناگون بنگریم خواهیم دید که این اختلافات همگی بی‌پایه و اساس هستند و این خود ما بوده‌ایم که در گسترش و بزرگ کردن آن‌ها کوشیده‌ایم، در صورتیکه چنانچه همه مسلمین تنها به قرآن و سنت

۱- همانطور که حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: افراد ملاک حق نیستند، بلکه حق را ملاکی است که افراد با آن سنجیده می‌شوند.

پیامبر ﷺ چنگ می‌زدند، حال و روزی بهتر از این داشتند و آیا در صدر اسلام اینگونه مباحث وجود داشته است؟ بطور حتم وجود نداشته و دلیل آن نیز روشن است، چونکه صحابه، حضرت علی رضی الله عنه و حضرت عمر رضی الله عنه، تنها قرآن و سنت پیامبر ﷺ را مد نظر داشته‌اند و بنابراین همگی یک دین داشته‌اند.^۱

مسلمین امروزی نیز باید همانگونه شوند و پیامبر ﷺ، صحابه و اهل بیت را الگوی خویش سازند و همگی در برابر دشمن واحد بایستند نه اینکه بر سر مسائل پوچ، مسخره و دروغ تاریخی به جان یکدیگر بیفتند. مسائلی که توسط دشمنان به ظاهر دوست و یهودیان به ظاهر مسلمان وارد اسلام شده است و متأسفانه عده‌ای احمق، شدیداً به آن‌ها وابسته شده‌اند.

پس امیدواریم هرکس اصلاح را از خود شروع کند، ان شاء الله.

پس از این مقدمه می‌رویم به سراغ مناظره و سخنانی که میان این سه تن رد و بدل می‌شود.

شخصی رافضی، سنی مذهب و سلفی، برای رفع اختلافات خود قراری می‌گذارند تا شبی را در کنار هم صبح کنند و در خلال آن به بحث و بررسی عقاید مختلف خود بپردازند تا شاید راه حلی برای اتحاد پیدا کنند.

جناب رافضی اصرار فراوان داشت که این مناظره در شب نیمه شعبان برگزار شود تا عنایات غیبی به صورتی تکوینی از سوی امام زمان به او رسیده و او در مناظره پیروز شود.

۱- صحابه در اصول دین با هم اختلافی نداشته‌اند و مانند زمان ما نبوده‌اند که همچون مدعیان تشیع معتقد به اصل امامت باشند و این اصل را از نبوت هم بالاتر بدانند، اصلی که در قرآن و سنت خبری از آن نیست.

البته شخص سلفی قبول نکرد و گفت همه شب‌ها برای مناظره یکسان هستند و اگر هم قرار باشد شبی را به عنوان مناظره انتخاب کنیم، شایسته است که شب قدر باشد نه شب نیمه شعبان.

شخص رافضی: آری، همان شب قدر نیز خوب است چون شهادت حضرت علی در آن شب بوده!!!

شخص سلفی: آری، به جای شور و نشاط و شادمانی از عنایات خداوند، باید در این شب تا صبح بر سر و مغز خودمان بگوییم!!

شخص سنی: الحق که شما رافضیان هر چیزی را خراب کرده‌اید و در هر امر از امور دینی بدعت‌های خود را وارد کرده‌اید.

رافضی: اصلاً حالا که اینطور است مکان مناظره را نیز باید مشخص شود و چنانچه مکانی غیر از کربلا یا نجف یا ته چاه جمکران باشد، من در مناظره حاضر نخواهم شد!!!
سلفی: بهتر است آرام شویم و بحث را کنار بگذاریم تا مناظره شروع شود.
(بالاخره پس از بحث فراوان، یک شب برای مناظره انتخاب می‌شود و هر سه تن برای بحث و گفتگو در مکانی مشخص حاضر می‌شوند).

(برای اینکه حمل بر طرفداری نشود زمان و مکان را بیان نمی‌کنیم، البته علت دیگرش نیز آن است که ممکن است در کشوری که آزادی و حق بیان و آزادی از سر به بالا بسیار بهتر و بیشتر از آمریکا برقرار است، اداره محترم اطلاعات یا انصار حزب الله یا بسیجیان مخلص امام زمان، بخواهند اندکی در مناظره دخالت کنند و سر سنی یا سلفی بدبخت بالای دار برود!! یا اینکه در کفشهای آنها از همان پودرهای سمی بریزند)

سنی: خوب است قبل از مناظره، آیاتی از قرآن تلاوت شود.

رافضی: نخیر، بهتر است قسمتی از مفاتیح الجنان^۱ را قرائت کنیم!!!
 سلفی: لطفاً از همین ابتدای امر با خواندن مفاتیح الجنون، کار را به جنون نکشانید!!
 سنی: درست است، همان قرآن را بخوانیم.
 رافضی: من اصلاً قرائت شما را قبول ندارم، اگر هم مفاتیح را قبول ندارید با بحارالانوار یا حق الیقین علامه مجلسی شروع می‌کنیم.
 سلفی خطاب به سنی: خوب ایشان پدربزرگ مکتبشان را معرفی کردند، پدربزرگ شما کیست؟
 سنی: قرآن و سنت.
 رافضی: بهتر است شروع کنیم، چون من قصد دارم هر طور شده ثابت کنم که این تنها مذهب من است که بر حق است.
 سلفی: بسیار خوب، مساله‌ای نیست، خود شما قرآن را بخوانید و ما هم قبول داریم، لااقل شما در اینجا با آیات قرآن آشنا می‌شوید.
 رافضی: بله، خواهم خواند و البته سوره انسان (الدهر، هل أتى) را می‌خوانم که در شان اهل بیت است.
 (پس از قرائت آیاتی از سوره انسان، مناظره شروع می‌شود).
 سلفی: ما در راستای ایجاد وحدت اسلامی در اینجا جمع شده‌ایم و قصد دشمنی با یکدیگر را نداریم، بنابراین در ابتدا نیز از همان مسئله وحدت اسلامی صحبت می‌کنیم، لطفاً بفرمائید در راستای ایجاد وحدت تا کنون چه کارهایی انجام شده است؟
 رافضی: ما خیلی کارها کرده‌ایم و حتی هفته وحدت ایجاد کرده‌ایم.
 سنی: بله، ایشان کارهای زیادی در راستای ایجاد وحدت انجام داده‌اند، همچون

۱- مفاتیح الجنان کتابی با جملاتی خرافی و ضدقرآنی و غیر مستند که بهتر است مفاتیح الجنون خوانده شود.

تخریب مساجد اهل سنت^۱ و یا ایجاد درگیری با سنیان سیستان و بلوچستان و کردستان و نقاط دیگر و همینطور قتل و شکنجه موحدین و سنیان، توسط اداره محترم و نجیب اطلاعات!! (تلنگر)

سلفی: باید لعن ابوبکر و عمر را نیز به این امور اضافه کرد، حتی روی دیوارها این لعن را می‌نویسند یا روی خودروهای سپاه و بسیج که در مناطق سنی‌نشین تردد دارند. اجازه ساختن مسجد برای اهل سنت در پایتخت را نیز باید به این موارد وحدت‌آمیز اضافه کنیم.

رافضی: نخیر، روحانیون ما بر این امر بسیار تاکید دارند که در مقابل اهل سنت، لعن و نفرین نکنید و چنانچه خیلی معذب بودید در دل و نیت خویش، ابوبکر و عمر را لعن کنید!!

سنی: ما نمی‌دانیم که این همه لطف شما را چگونه جبران کنیم!!؟
سلفی: روحانیون رافضی در ایجاد وحدت بسیار تبحر دارند و اینجاست که باید گفت: آفرین بر تو روحانی صفوی.

سنی: اصلاً چرا دولت رافضی شما در ایران اجازه ساخت مسجد در پایتخت را به اهل سنت نمی‌دهد؟

سلفی: راست می‌گویند و مگر شما رهبر خود را ولی امر مسلمین جهان نمی‌دانید، پس چرا این ولی امر نسبت به این توده عظیم مسلمین بی‌اعتناست؟
رافضی: ای بابا، مسجد مسجد است و مگر سنی و غیر سنی دارد؟ خوب اهل سنت هم بیایند و در همان مساجد ما نماز بخوانند و مگر امام جماعت ما یهودی است و مگر قبله ما رو به مکانی دیگر است؟^۲

۱- همچون مسجد شیخ فیض محمد مشهد یا مسجد بجنورد و مساجد دیگر.

۲- این‌ها عیناً دلایلی هستند که مدعیان تشیع می‌آورند.

سلفی: پس چرا اگر در کشوری یکی از مساجد شما پلمپ و بسته شود، شما اینقدر جار و جنجال به راه می‌اندازید؟ خوب شما نیز در آن کشورها به داخل مساجد اهل سنت بروید و نماز بخوانید؟ چون به قول خودتان، مسجد مسجد است و مگر امام جماعت اهل سنت، یهودی است؟ و مگر قبله اهل سنت رو به مکانی دیگر است؟

سنی: البته دلیل اینکه اجازه ساخت مسجد را به اهل سنت نمی‌دهند، این است که می‌ترسند عوام و مقلدین ایشان داخل این مساجد بروند و با برادران مسلمان خود انس بگیرند و به گفتگو و بحث بنشینند و در خلال بحث و گفتگو، ناگهان جرقه‌ای به ذهن این مقلدین بخورد و از خواب غفلت بیدار شوند و این بزرگ‌ترین کابوس روحانیون رافضی است.

سلفی: دقیقاً به همین علت نیز سایت‌های اهل سنت را در اینترنت مسدود و فیلتر می‌کنند تا مبادا کسی مطالعه کند و هدایت شود و حتی رد اشخاصی که در اینترنت فعالیت می‌کنند را می‌گیرند تا آن‌ها را دستگیر کنند ولی چنانچه به سایت‌های فاسد و ضد اخلاقی بروید کسی کاری با شما ندارد، شما با دیانت و سیاست ایشان (که عین یکدیگر هستند) کاری نداشته باش، دیگر هر کاری که خواستی بکن.

سنی: اصلاً بفرمائید منظور از ایجاد وحدت چیست؟

رافضی: منظور این است که تمامی سنیان بیایند و مانند ما مذهب اثنی‌عشری را قبول کنند، این از نظر ما یعنی وحدت واقعی و ایده‌آل و مگر نشیندی که دانشمند و محقق عالیقدر ما جناب ازغدی می‌گفت: ما در همین خراسان خودمان هم، سنی دوازده امامی داشته‌ایم!!

سنی: به جناب ازغدی بگو: هر وقت شما شیعه چهار خلیفه‌ای شدی، آنوقت ما هم سنی دوازده امامی می‌شویم!!

رافضی:

ما برای فصل کردن آمدیم نی برای وصل کردن آمدیم

ما درون را ننگریم و حال را ما برون را بنگریم و قال را
سلفی: راستی روافض خدمات دیگری نیز در راستای ایجاد وحدت اسلامی انجام
داده‌اند، همچون بازسازی قبر ابولولو تروریست در کاشان!!

سنی: ابولولو که در مدینه کشته شد، در کاشان چه غلطی می‌کند؟! (تلنگر)
سلفی: همانطور که امام زمان^۱ توانسته از سرداب سامرا به چاه جمکران بیاید،
همانطور نیز جناب ابولولو از مدینه به کاشان آمده است!! شما لطفاً دنبال دلیل و سند
نباشید و فقط تایید کنید!!

سنی: البته شاید جسد او را توسط یخچال به کاشان برده‌اند!!
رافضی: نخیر، به فرمان حضرت علی طی الارض نموده و در آنجا مرده است!!
سنی: شاید هم پس از مردن در مدینه، ناگهان در کاشان رجعت کرده است!! (تلنگر)
سلفی: بهتر است سوالات را به گونه‌ای دیگر مطرح کنیم تا شاید دشمنی‌ها پایان
پذیرد، شما روافض لطفاً بفرمائید که چه کسانی را دشمن خود و اهل بیت می‌دانید؟
رافضی: ما نواصب و خوارج را دشمن می‌دانیم.

سلفی: لطفاً خصوصیات این دشمنان را بیان کنید تا ما از آن‌ها دوری بجوییم.
رافضی: این دشمنان، خلافت بلافضل حضرت علی از جانب خداوند را قبول ندارند،
این‌ها ابوبکر و عمر را دوست دارند، این‌ها تنها الله را در دعای خود صدا می‌زنند و اهل
بیت و قبورشان را به عنوان واسطه قبول ندارند، این‌ها برای امام حسین عزاداری نمی‌کنند
و بر سر و مغز خود نمی‌کوبند و قبول ندارند که امام زمان ۱۲۰۰ سال است که درون
سرداب فرو رفته است!!!

۱- شخصی بنام محمد بن الحسن العسکری وجود ندارد و برای بررسی این موضوع به کتبی چون
بررسی علمی در احادیث مهدی نوشته علامه برقی (رحمته الله علیه)، از شوری تا ولایت فقیه نوشته احمد
کاتب و و مهدی موعود یا مهدی موهوم؟ نوشته دکتر عبدالرحیم ملازاده و عجیب‌ترین دروغ تاریخ
نوشته عثمان الخمیس و غائب همیشه غائب نوشته اینجانب مراجعه کنید.

سلفی: البته فکر می‌کنم که شما خصوصیات اهل سنت را بیان کردید نه خوارج و نواصب را؟!!!

رافضی: اهل سنت که وهابی هستند!!

سلفی خطاب به سنی: شما چه کسانی را غالی می‌دانید؟

سنی: کسانی که در حق اهل بیت غلو کنند و صفاتی که در آنها نبوده به ایشان نسبت دهند، مثل علم غیب، معجزات عجیب و

رافضی: ای بابا، این‌ها که غلو نیستند!!

سلفی: خوب لطفاً شما بفرمائید که غلو چیست؟

رافضی: غلو فقط و تنها یعنی اینکه شما بگوئید: حضرت علی خود الله است!!!

سلفی: ای بابا، اینکه دیگر غلو نیست، بلکه بالاترین درجه از کفر و شرک است.

رافضی: نخیر، غلو فقط یعنی همین که من گفتم، فقط اگر ائمه را الله بدانیم، غلو است، از این که بیایی پایین‌تر دیگر هر چه درباره آن‌ها بگویی درست است و توحیدی!! (تلنگر)
سنی: البته همین اعتقاد به خدایی نیز گاهی اوقات از زبان مداحان خارج می‌شود، همچون آن مداحی که گفته بود: لا إله إلا الزهراء!!

سلفی: همان که پس از مدتی به مرض سرطان حنجره به دوزخ واصل شد!

رافضی: نخیر، آن مداح از خود بی‌خود شده بود و تکلیفی بر او نبوده و از شدت حُب و علاقه‌اش این جمله را گفته است!!

سلفی: ابن ملجم نیز چون چهار هزار نفر از دوستانش در نهر روان به دست حضرت علی کشته شدند، از خود بیخود شد و حضرت علی را کشت!!!

سنی: مرا ببخش جناب رافضی که به آن مداح توهین کردم!!

رافضی: درباره تولد امام، جناب ثقه الاسلام کلینی از اسحاق بن جعفر روایت می‌کند که گفت: از پدرم شنیدم که می‌گفت: هنگامی که امام متولد می‌شود به صورت نشسته به دنیا می‌آید!! جلوی مادرش برای او باز می‌شود تا این که چهار زانو متولد شود!! سپس بعد

از افتادنش به زمین گرد می‌شود و با چهره‌اش رو به قبله می‌نماید و سه بار عطسه می‌کند!! و با انگشتش به حمد اشاره می‌نماید و شاد و ختنه شده متولد می‌شود!! دو دست و پایش از بالا و پایین او را می‌خندانند!! و دو پایش در میان دستانش مانند شمش طلا هستند!! و شب و روزش را می‌گذرانند در حالی که از میان دستانش طلا خارج می‌شود!! (اصول کافی/ج ۱/ص ۳۳۸) و از ابو جعفر نیز روایت است که گفت: امام ده علامت دارد.... و بوی مدفوعش مانند بوی مشک است و زمین عهده‌دار پوشیدن و خوردن آن است!! (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۸)

سلفی: جناب سنی لطفاً متوجه باش که این‌ها اصلاً غلو نیستند!!!

سنی: بله، کاملاً متوجه هستم، این‌ها تنها صفات ائمه هستند و کاملاً مشخص است که امامان نیز مصداق آیه ﴿إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ می‌باشند.^۱

سلفی: ما پیامبران را یک قدم جلوتر از مردم می‌دانیم (برای الگو بودن) ولی روافض ائمه خود را تنها یک پله پایین‌تر از خدا می‌دانند.

رافضی: اصلاً ائمه به عنوان واسطه هستند!!

سنی: من یکبار به هندوستان رفته بودم و اتفاقاً چند نفر بت پرست را دیدم و علت بت پرستی ایشان را جوینا شدم و آن‌ها نیز همین سخن جناب رافضی را گفتند که این بتها به عنوان واسطه بین ما و خدا بکار می‌روند!!!^۲ (تلنگر، اگر مغزی باشد)

رافضی: نخیر، این‌ها واسطه فیض الهی هستند.

سنی: خورشیدپرستان نیز خورشید را واسطه فیض الهی می‌دانند، وگرنه هر احمقی می‌داند که خورشید خدا نیست و حتی مشرکین مکه نیز خدا را جدا از بتها به عنوان

۱- ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ [الکَهِف: ۱۱۰] «ای پیامبر! بگو: من نیز انسان و بشری مانند شما هستم».

۲- در قرآن وجود واسطه نفی شده است، سوره زمر/۳، یونس/۱۸، احقاف/ ۲۸

خدایی قبول داشته‌اند. (سوره مومنون آیات ۸۹/۸۷/۸۵/۳۸ و سوره عنکبوت ۶۳/۶۱ و سوره لقمان ۲۵ و سوره زخرف ۸۷ و سوره زمر ۳۸)

سلفی: برویم سراغ موارد دیگر، مواردی همچون حج خانه خدا که در ایجاد وحدت موثر است.

رافضی: بهتر نیست برویم به سراغ کربلا و نجف؟! شما نمی‌دانید که حال و هوای کربلا چقدر بیشتر از مکه است؟! هر چند در مناسک حج نیز تنها شکاف کعبه که محل تولد حضرت علی است مورد توجه ماست!!

سنی: چرا شما اینقدر به شکاف و اختلاف علاقه‌مندید!؟

سلفی: البته می‌دانید که راوی تولد حضرت علی در کعبه فقط یزید بن قعب بوده که علمای علم رجال درباره او گفته‌اند: مشرک زندگی کرد و مشرک مرد!!

سنی خطاب به رافضی: اصلاً می‌خواهی به سراغ قبرستان بقیع برویم، چون اینطوری خیلی بهتر باب میل شما می‌شود.

سلفی خطاب به رافضی: لطفاً برداشت خود را از سفر حج بیان کنید؟

رافضی: سفر حج خیلی برای ما جالب نیست، چون موارد بسیار تاسف‌آوری را در آنجا مشاهده می‌کنیم.

سلفی: لطفاً یکی از آن‌ها را بگوئید؟

رافضی: این سنیان در نماز خود مهر نمی‌گذارند!! دست به سینه نماز می‌خوانند، پس از خواندن حمد آمین می‌گویند، وضوی خود را برعکس می‌گیرند و بعضی اوقات در حمد و سوره یک سوره کامل را نمی‌خوانند، بلکه چند آیه از یک سوره را می‌خوانند!!

سلفی: وای، پس خدا همه آن‌ها را به جهنم می‌برد!!

سنی: ما به سنت پیامبر ﷺ اقتدا می‌کنیم و پیامبر ﷺ مهر نمی‌گذاشته است.

سلفی: و چطور پیامبر اکرم ﷺ از تکنولوژی پیچیده تبدیل خاک به مهر بی‌اطلاع بوده‌اند؟! (تلنگر)

رافضی: نخیر، تمامی علوم گذشته، حال و آینده در سینه حضرت علی بوده است!!
مصلحت و مقتضیات زمان ایجاب می‌کرده که در آن زمان مهر نگذارند!!
سنی: حتماً بداء حاصل شده!!

رافضی: اصلاً محل سجده باید پاک باشد و جاهایی چون فرش ممکن است نجس باشند و برای همین ما پیشانی خود را بر مهر که از خاک است می‌گذاریم.^۱
سنی: البته به هنگام سجده، کف دستها و نوک انگشتان پا و زانو نیز بر زمین هستند و بنابراین می‌بایست زیر آنها نیز یک مهر بگذارید تا مبادا با فرش نجس تماس بگیرند و البته اینگونه کمی حفظ تعادل دشوار می‌شود و ممکن است روی این مهرها بلغزید و به زمین بخورید. (تلنگر برای دوستداران مهر)

رافضی: ما در سفر حج، مهر را در یک دست خود پنهان می‌کنیم و سپس به هنگام سجده آن را زیر پیشانی خود می‌گذاریم تا اهل سنت متوجه نشوند و با این نقشه بسیار هوشمندانه، تیر و هابیون به سنگ می‌خورد و در نتیجه ما به بهشت می‌رویم و آنها به جهنم!!

سنی: ای کاش این همه نبوغ و استعداد را در راهی بهتر مصرف می‌کردید.
سلفی: لطفاً یکی دیگر از موارد تاسف‌باری را که در خلال مراسم حج با آن برخورد کردید بیان کنید؟

رافضی: این سنیان در اذان خود اشهد أن علیاً ولی الله نمی‌گویند!!
سلفی: خوب این جمله جزء اذان نبوده و شیخ صدوق شیعی صاحب من لایحضره الفقیه در کتاب خود غالیان یعنی مخترعان این بدعت را لعن کرده است! (تلنگر، تلنگر و تلنگر)

رافضی: نخیر، این جمله از باب تبرک است و به نیت اذان نیست!^۱

۱- یکی از آخوندهای رافضی این دلیل را به عنوان یک دلیل عقلی ذکر می‌کرد تا شبهات و هابیون را دفع کند!!!

سنی: فکر می‌کنم جناب شیخ صدوق در آن زمان هنوز با این حقه‌بازها آشنا نبوده‌اند که غالیان از باب تیمن و تبرک خرافه‌سازی می‌کرده‌اند!! راستی خوب است ما هم امشب سه نفری کمی عقل‌هایمان را روی هم بریزیم و از باب تیمن و تبرک یک چیزی را وارد دین کنیم!!

رافضی: از موارد تاسف‌انگیز دیگری که به هنگام زیارت خانه خدا مشاهده می‌کنیم و واقعاً دل ما را به درد می‌آورد این است که در کنار کعبه منبری برای حضرت ولی عصر وجود ندارد تا وقتیکه ایشان به دیوار کعبه تکیه می‌زنند و آیه بقیه الله را می‌خوانند، بروند و بر روی این منبر بنشینند و البته ما تا آن زمان به این منبر متوسل می‌شدیم و به آن پارچه گره می‌زدیم تا مشکلاتمان حل شوند!!

سلفی: موارد دیگر را نیز بگو تا ما بیشتر با مشکلات جهان اسلام آشنا شویم.
رافضی: بله، می‌گفتم، مورد دیگر نیز نبودن هیچگونه قبر، ضریح و پنجره فولادی در کنار کعبه است، چون بطور حتم در آنجا پیامبرانی خفته‌اند و باید هر چه سریعتر روی قبور ایشان را گنبد و بارگاه ساخت و همچنین پنجره‌ای فولادی برای دریافت پولها و نذورات مردمی!!

سلفی: البته این بیشتر درد آخوندهاست تا درد شما.
سنی: آری، طبق نظر حضرات، از هر جایی که می‌توان باید پول در آورد. از هر آنچه روی زمین است و هر آنچه زیر زمین است.

۱- ما نمی‌دانیم این اذانی که صبح و شام از بلندگوها و رادیو تلویزیون در ایران پخش می‌شود به چه نیتی است؟! آیا اعلام اذان چیزی جز رفتن برای نماز است؟ و از کی تا به حال بدعت‌ها جزء نیت شده‌اند و یا حتی متبرک شده‌اند؟! (در ضمن اهل سنت نیز می‌توانند در مقابل انتقادات شما به همین طریق پاسخ دهند که چنانچه فلان عمل ما نزد شما بدعت و اجتهاد در برابر نص است، خوب ما نیز آن عمل را از باب تیمن و تبرک وارد دین کرده‌ایم).

سلفی: من بیشتر فکر می‌کنم مشکل شما رافضیان، وجود خود خانه کعبه است که در این میان نمایان است و البته با ساختن چندین گنبد و بارگاه و گذاشتن منبر و چیزهای دیگر در اطرافش و محو شدن کعبه در وسط خرافات و شرکیات، حتماً این مشکل شما حل خواهد شد!!

سنی: آفرین جناب سلفی، دقیقاً زدی به هدف.

رافضی: بقیع را بگو!! وا مصیبتا!! اصلاً قبرستان بقیع بزرگترین بدبختی مسلمین امروزی است و بزرگترین ظلم و ستم به امامان خفته در آنجا و همچنین خطری بسیار جدی برای نابودی اسلام!!

سنی: آری، مشکل اسلام فقط و فقط تزیین قبور است و لابد حضرت صادق در زیر قبر زنده است و نظاره‌گر وضع این قبور می‌باشد و از اینکه روی قبرش طلاکاری نشده، بسیار غمگین می‌باشد!!

سلفی: قبرسازی بدعت است و در زمان پیامبر ﷺ نبوده و حتی از این عمل نهی شده است. براستی برای یک بار هم که شده به مغز کوچک خود تلنگری زده‌ای که چرا پیامبر ﷺ یا حضرت علی در زمان خلافتشان برای خدیجه و یا حمزه گنبد و بارگاهی نساختند؟!!!!!

رافضی: تنها آرزوی ما ساختن یک گنبد بزرگ روی قبرستان بقیع است تا امت اسلامی آنجا جمع شوند و به قبور امامان متوسل شوند.^۲

سنی: آری، اصلاً روی کل ایران را هم باید یک گنبد بسیار بزرگ ساخت!! زیرا دوازده هزار امامزاده در ایران داریم!!

۱- یا برای شهدای جنگ احد یا شهدای بئرمعونه و شهدای دیگر یا برای ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ و ...
 ۲- البته بهتر بود جناب رافضی می‌گفت: مردم بجای مسجد به قبرستان بیابند تا مساجد کم‌رنگ شده و به مرور زمان از صحنه خارج شوند.

سلفی: یک چهارم خاک ایران کویر است، یک چهارم کوهستانی است، مقدار زیادی هم دریا می‌باشد، مقدار زیادی نیز وقف امامزاده‌ها شده یا صرف ساختن قبور و گنبد و بارگاه و آن مقدار کمی که باقی مانده است ظاهراً اینطور که برای هر مرجع، شیخ، عارف، رهبر، پیر، مراد، بابا، ولی فقیه و آخوندی که می‌میرد و به بهشت می‌رود!! حداقل یک محوطه صد متری یا بیشتر می‌خواهد و بنابراین چند سال دیگر جایی برای زندگی در ایران وجود ندارد و همه جا تبدیل به قبرستان شده است.

رافضی: ما روافض تقاضایی از اهل سنت داریم.

سنی: بفرمائید.

رافضی: می‌شود به ما اجازه دهید تا داخل قبرستان بقیع برویم و اطراف قبور چهار امام^۱ خود را خالی کنیم و هر چهار قبر را با خاک اطرافش به صورت قالبی در آوریم و با جرثقیل به هواپیما منتقل کنیم و سپس به ایران بیاوریم.^۲

سلفی: لطفاً اینکار را نکنید.

رافضی: چرا؟

سلفی: شما یک امام رضا در مشهد دارید و تمامی خراسان را وقف او کرده‌اید، حالا می‌خواهید چهار امام دیگر را نیز وارد ایران کنید، لابد باید تمامی ایران را وقف ایشان کنیم.

رافضی: دارم کم کم به این نتیجه می‌رسم که جناب سلفی، سلفی نیست، بلکه وهابی

است!!

۱- چهار امامی که مد نظر هستند عبارتند از: امام حسن علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام.

۲- شاید شما از خواندن این مطلب به خنده بیفتید، ولی لازم است بدانید من در سفری که به مدینه داشتم متوجه شدم که چند نفر از ایرانیان به ستاد امر به معروف و نهی از منکر بقیع این پیشنهاد را داده بودند.

سلفی: آفرین جناب رافضی، طبق فرمایش علمایان، به دشمنان خود افترا بزنید!!!^۱
 رافضی: اصلاً برویم سراغ مسائل دیگر.
 سنی خطاب به رافضی: شما که خود را پیرو واقعی مکتب اهل بیت می‌دانید، می‌شود کمی از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) برای ما بگوئید و اصولاً شما چه چیزهایی در مورد ایشان می‌دانید؟
 رافضی: ما خیلی چیزها در مورد حضرت فاطمه می‌دانیم، از جمله اینکه دربی به همراه میخ به پهلوی او زده‌اند و باعث شهادت جنین داخل شکم او شده‌اند که نامش هم محسن بوده و از مهمتر اینکه محل قبر حضرت فاطمه نامعلوم است!!^۲
 سنی: خوب دیگر چه چیزهایی می‌دانید؟
 رافضی: دیگر همین، این‌ها که گفتم یعنی تمام زندگانی حضرت فاطمه، دیگر چه چیز می‌خواهی بدانی؟! همین چیزها کافی است!! (تلنگر برای مقلدان بیسواد)

۱- در کتاب الأصول من الکافی جلد ۲ صفحه ۳۷۵ باب مجالسة أهل المعاصی چنین آمده: «محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن داود بن سرحان، عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): إذا رأيت أهل الریب والبدع من بعدي فأظهِروا البراءة منهم وأكثرُوا من سبهم والقول فيهم والوقیعة وباهتوهم كيلا يطمعوا في الفساد في الإسلام ويحذرهم الناس ولا يتعلموا من بدعهم، يكتب الله لكم بذلك الحسنات ويرفع لكم به الدرجات في الآخرة»، یعنی: از ابو عبدالله صادق روایت شده که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: پس از من هنگامی که اهل شک و بدعت را دیدید بیزاری خود را از آن‌ها آشکار کنید و دشنام بسیار بدانها دهید و در باره آنان بدگویی کنید و با منطقی قوی با آنها روبرو شوید، مبهوتشان کنید تا نتوانند به فساد در اسلام طمع بندند و در نتیجه، مردم از آنان دوری گزینند و بدعت‌های ایشان را نیاموزند (که اگر چنین کنید) خداوند برای شما در برابر اینکار، نیکی‌ها نویسد و درجات شما را در آخرت بالا برد!!

۲- نمی‌دانم محل دفن حضرت فاطمه و یا قبر او چه ربطی به خلافت بلا فصل و من عند الله حضرت علی دارد که پایه و اساس عقاید ایشان است؟! مدعیان تشیع سعی دارند از هر چیزی جهت اثبات خلافت الهی استفاده کنند.

سلفی: آری، همین چیزها برای برپایی چندین دهه عزا و لعن ابوبکر و عمر و ایجاد تفرقه کافی است، دیگر چه می‌خواهید؟!!

رافضی: یکی از هدف‌های بزرگ و معنوی زیارت خانه خدا، رفتن به زیارت خانه حضرت زهراست و برای همین است که می‌بینید هر ایرانی به هنگام بازگشت از خانه خدا، دائم در مورد خانه حضرت زهرا صحبت می‌کند، راستی مگر شما آن خانه و درب آن را ندیده‌اید؟ خانه و درب، خانه و درب، خانه و درب.....!!!! میخ و درب، میخ و درب، میخ و درب.....!!!! درب و درب و درب و درب.....!!!!

سنی: کدام درب؟! شما که می‌گوئید درب را آتش زده‌اند؟! (تلنگر، البته اگر مغزی باشد!!)

سلفی: آری، درب که چه عرض کنم، اصلاً یک آیفون تصویری با یک در برقی و خانه‌ای مجلل همراه با آشپزخانه و مهمانسرای جدا در آنجا می‌باشد!!!

سنی: شاید هم موریانه‌های مقیم عربستان خیلی نجیب بوده‌اند و می‌دانسته‌اند که نباید درب منزل حضرت فاطمه را بخورند و برای همین این درب هنوز باقی مانده است و یا تکنولوژی آن زمان خیلی پیشرفته بوده و دربی ساخته‌اند که هنوز پابرجاست!!!

سلفی: اصلاً شاید این درب چوبی حالتی داشته که خودش خودش را بازسازی می‌کرده است!! یعنی به نوعی درب هوشمند بوده است! البته جناب سنی زیاد از این شوخی‌ها نکنید، چون جناب رافضی باور می‌کند.

رافضی: اصلاً فدک را بگو، فدک، فدک، فدک....

سلفی: فدک خیلی مورد علاقه روافض است و از هر ۳ مغازه در شهرهای رافضی، ۴ عدد فدک نام دارد!!

۱- حجره‌های همسران پیامبر ﷺ و فاطمه زهرا اتاقکی بیش نبوده و حتی دربی نداشته است، بلکه پارچه آویزان می‌کرده‌اند، اثبات این موارد در کتاب آلفوس نوشته علیرضا حسینی موجود است و یا در جلد اول کتاب سرخاب و سفیدآب نوشته اینجانب.

سنی: چرا حضرت علی در دوران خلافت خویش فدک را پس نگرفت؟

سلفی: حتماً حضرت علی در حالت تقیه بوده!!!

سنی خطاب به رافضی: از حضرت فاطمه بگذریم، کمی درباره امام حسین برایمان

بگو؟

رافضی: امام حسین بخاطر تصاحب منصب خلافت، علیه یزید قیام کرد و همراه

یارانش در کربلا به شهادت رسید و شمر سر او را برید و البته او شافع ما در روز قیامت

است و همه ما را به وسط بهشت می برد!!

سنی: خوب دیگر چه چیزی از امام حسین می دانی؟

رافضی: دیگر هیچ، دیگر چه می خواهی بدانی؟! این ها که من گفتم تمامی زندگانی

امام حسین بود و همین شفاعت او برای ما بس است، ما دیگر با بقیه چیزها کاری

نداریم، ما فقط شفاعت را می خواهیم!!

سلفی: آری، برای روافض همین کافی است، همین که در کربلا شمر سر حسین را

بریده و دستان ابوالفضل هم قطع شده و حسین و ابوالفضل دارای چشم و ابرویی بسیار

زیبا و دلربا بوده اند برای ایشان کافیهست. (تلنگر)

رافضی: قربان چشم و ابروی آن ها بروم!!!

سلفی: اصلاً از کربلا برایمان بگو؟

رافضی: در کربلا دستان حضرت ابوالفضل را بریدند، سر امام حسین را بریدند، بدن

یاران امام حسین را بریدند، در کربلا بریدند و بریدند و بریدند....!!!

سنی: ای بابا، به جز بریدن چه چیز دیگری می دانی؟!

رافضی: به جز بریدن؟ خوب به جز بریدن تیری نیز به گلولی طفلی شیرخواره زدند!!!

سنی: آفرین به همین معلوماتی که داری!!

سلفی: در مورد امام زمان برایمان بگو؟

رافضی: در ابتدا چون نام امام زمان را بردی، باید به احترام حضرت ولی عصر از جا بلند شوم و دوباره با احترام بنشینم و اما در مورد آقا امام زمان این را می‌دانم که در کودکی به درون سردابی فرو رفته است و فعلاً در پس پرده غیبت است تا روزی که ظهور کند و خودش همه کارها را درست کند و از علائم ظهورش نیز این است که شمشیرش خود به خود از غلافش بیرون می‌آید!!

سلفی: البته من فکر می‌کنم که شمشیر امام زمان طی این سالهای طولانی، زنگ زده است و در غلاف خود گیر کرده است و بیرون نمی‌آید.

سنی: آری، درست است، برای همین است که روافض می‌بایست همینطور منتظر بمانند تا علف زیر پایشان سبز شود، اصلاً علت طولانی شدن غیبت، همین زنگ زدن شمشیر است.

سلفی: لطفاً بگو چگونه و به چه صورت، نامه اعمال مردم در روزهای دوشنبه نزد امام زمان می‌رود؟!

رافضی: این‌ها همگی طبق ولایت تکوینی هستند و ما به چگونگی آن کاری نداریم، ما فقط تقلید و تایید می‌کنیم!!

سنی: البته من فکر می‌کنم این نامه‌ها توسط اینترنت یا ایمیل یا بصورت سی دی برای امام زمان فرستاده می‌شوند، چون به هر حال علم پیشرفت کرده است و امام زمان نیز خود را با علم روز مطابقت می‌دهد و حتماً به همین صورت به تمامی پرونده‌ها رسیدگی می‌کند.

سلفی: فقط امیدوارم مثل ادارات داخل ایران به این پرونده‌ها رسیدگی نکند، چون اگر اینطور باشد برای هر پرونده سالها وقت صرف می‌شود.

سنی: مگر ازدواج جزء سنت پیامبر ﷺ نیست؟ (النکاح سنتی) پس این امام زمان شما در این سالیان دراز عمر خود، چه می‌کند؟ آیا همسری ندارد؟ و یا فرزند؟ اگر دارد،

پس چطور همه آن‌ها خوب هستند؟ آیا عمرشان دراز است و چرا هیچکدام مانند همسر امام حسن او را مسموم نمی‌کنند؟!

رافضی: خداوند حافظ امام زمان است تا مسموم نشود!!

سنی: پس چرا شما می‌گوئید: یکی از دلایل غیبت، ترس از قتل است؟! آیا نمی‌شود ظهور کند و خداوند همینگونه حافظ او باشد؟! (تلنگر برای منتظران ظهور)

سلفی: البته فکر می‌کنم جناب رافضی فراموش کرده بگوید: امام زمان، صیغه نیز می‌تواند بکنند!!!

رافضی: امام زمان وجود دارد و مگر نمی‌بینی که هر چند وقت یکبار جناب آیت‌ا... بهجت سخنانی می‌گویند، مثلاً: در قنوت خود از حال رفته و سپس گفته هم اکنون به من الهام شد که قاتل امام زمان به دنیا آمد و در نتیجه ظهور آقا نزدیک است! یا گفته: من دوستی دارم که با امام زمان در ارتباط است و امام زمان به او گفته وقت ظهور نزدیک است!!

سنی: اگر هیچوقت امام زمان شما ظهور نکرد چه دلیلی برای آن می‌آورید؟
سلفی: چقدر ساده هستی جناب سنی، اینقدر دلیل وجود دارد که مراجع رافضی از آن‌ها استفاده کنند، مثلاً براحتی خواهند گفت: در امر ظهور آقا بدهاء^۱ حاصل شده است و خداوند پشیمان شده و تغییر اراده داده است و فعلاً ظهور امام زمان را باطل کرده است!!! (تلنگر)

سنی: البته فکر می‌کنم جمهوری اسلامی برای آخرین لحظات سقوطش، فردی را به عنوان مهدی حاضر کند تا مردم گوسفند را دوباره به میدان بکشاند و البته شاید این مهدی ظهور آن چنانی نکند، بلکه برای لحظه‌ای جلوی دوربین (یا جایی دیگر) بیاید و حکم جهاد و کمک به جناب ولی فقیه را بدهد و بعد هم دوباره برود به ته چاه و البته

۱- بدهاء جزء لاینفک عقاید روافض است، بدهاء یعنی خدا ابتدا تصمیمی می‌گیرد ولی بعد پشیمان می‌شود و تصمیمی دیگر می‌گیرد!!! (برای اثبات آن آیه هم دارند!)

مراجع تقلید هم او را تایید می‌کنند تا مردم بیشتر باور کنند، در آن موقع دیگر چه می‌خواهی؟ مرگ می‌خواهی برو گیلان!!

سلفی: البته ممکن است در لحظات آخر یکی از این مراجع بروند بالای منبر تا برای گوسفندان سخنرانی کنند و ناگهان در خلال سخنرانی بگویند: ای وای، همین الان امام زمان را دیدم!! همین الان داخل جمعیت بود!! زود بگیریش تا دوباره غیب نشده!! بگیریش تا فرار نکرده!! بگیریش تا دوباره نرفته ته چاه!! ولی در انتها فایده‌ای ندارد و امام زمان دوباره ناپدید خواهد شد و همه مشتاقان و محبان خود را تنها می‌گذارد تا به گریه و زاری و خواندن دعای ندبه پردازند و باز جلسات انتظار بگذارند تا بلکه مهدی بیاید و خودش کارها را درست کند.

سنی: چاه جمکران دیگر چه صیغه ایست؟!

سلفی: روافض نامه‌های خود را درون این چاه می‌اندازند تا نایب مرده آن را نزد امام زنده ببرد!! (تلنگر)

سنی: آری در مذهبی که بین مردگان با زندگان تفاوتی نباشد اینگونه خرافات امری عادی است.

سلفی: می‌دانی چه شده؟ این چاه جمکران خیلی عمیق بوده و از آنطرف کره زمین بیرون آمده و سر از آمریکا در آورده و برای همین است که آمریکا خیلی پیشرفت کرده است!!

رافضی: امام زمان از ته همین چاه کل ایران و دنیا را مدیریت می‌کند!!^۱
سلفی: بنابراین، مقصر اصلی تمامی گرانی‌ها، تورم‌ها و فساد در ایران، جناب امام زمان است نه آخوندهای بیچاره.

سنی: ای کاش می‌فهمیدیم چه وقت می‌خواهد ظهور کند؟!

۱- آقای احمدی نژاد ریاست جمهوری ایران در یکی از مصاحبه‌های خود گفتند امام زمان کشور را مدیریت می‌کند.

سلفی: ای بابا، چقدر عجله داری، فقط چند میلیون سال صبر کن، بالاخره ظهور می‌کند، وقتی فساد همه جا را بگیرد و زیر پای همه علف سبز شود، آنگاه امام زمان از ته چاه بیرون می‌آید!!

سنی: ولی دجال که هنوز نیامده تا امام زمان بخواهد ظهور کند!!
سلفی: ای بابا مگر دجال را ندیدی؟ اینهمه آخوند که در جدال با کل دنیا هستند همان دجالند!

در جدال است با اهل سنت ذهن بیمار و دجال آخوند
رافضی: وقتی امام زمان ظهور کند سزای تمام این سخنان را به شما می‌دهد، چون او به هنگام ظهورش دو سوم از مردم جهان را از دم تیغ می‌گذراند، طبق روایات بسیار بسیار مستند از کتب بسیار بسیار معتبر!!

سلفی: قیام با شمشیر و اسب در عصر جدید بسیار جالب خواهد بود و امام زمان که طبق روایات هفت سال حکومت می‌کند، پس چگونه می‌خواهد دو سوم مردم جهان را با شمشیر بکشد؟! این مهدی شما می‌بایست چند میلیارد انسان را از صبح تا شام بکشد و فکر می‌کنم هفت سال زمان کمی برای او باشد و لابد قتل عام را از اهل سنت عربستان شروع می‌کند، چون محل ظهورش نیز همان جاست و فکر می‌کنم این امام زمان شما وحشت للعالمین است، بر خلاف پیامبر که رحمة للعالمین بودند.

سنی: آخوندها هر جا بروند یک چاه جمکران هم با خود می‌برند تا پول و نذورات مردم، هدر نرود!!

سلفی: در منابع فقه رافضی احادیث اندکی از امام زمان موجود است^۱، در قرآن هم اثری از او نیست، خود او را هم کسی ندیده و غائب است و در پس پرده است، حالا شما برو و اگر می‌توانی این امام را بشناس تا به مرگ جاهلیت از دنیا نروی!! (تلنگر)

۱- که با کمال تعجب بیشتر آن‌ها مربوط به خمس است!!!

رافضی: درست است که امام زمان ما غائب است ولی او در واقع غائب همیشه حاضر است!!

سلفی: ولی به نظر من غائب همیشه غائب است^۱.

رافضی: به نظر ما آنکه غائب است ما هستیم و مهدی همیشه حاضر بوده و هست و خواهد بود!! ما نیستیم، ولی او هست!! ما وجود نداریم و اوست که وجود دارد و دنیا را نگه داشته است!! ما باید ظهور کنیم، چون ما غائبیم و او حاضر است!!^۲ یعنی ما کی ظهور می‌کنیم??

سنی: فکر کنم باید سریعاً یک روانپزشک خبر کنیم و بهتر است تا دیوانه نشده‌ایم از اینجا برویم.

رافضی: شاعر انقلاب جناب حاج محمد رضا آقاسی برای امام زمان چنین سروده:

هر که به دیدار تو نائل شود یک شبه حلال مسائل شود

و می‌گفت: شاید این جمعه بیاید، شاید!!

سلفی: البته شاید بیاید و شاید هم نیاید، مانند چندین هزار جمعه که آمد و رفت و

خبری نشد. شاید، شاید، شاید!!!

و اینجاست که باید شعر زیر را سرود:

شد قیامت، امامت نیامد	در سرت جز خلافت نیامد
آفتابی ز دانش در آمد	عمر جهل و جهالت سر آمد
در پی جهل و تقلید و تکرار	رافضی شد در جهالت سر آمد
ای برادر خودت فکر خود باش	شد قیامت، امامت نیامد
گیرم آید اگرچه خیال است	باز سودی به حالت ندارد

۱- کتابی با همین نام در نقد مهدویت شیعه نوشته‌ام، غائب همیشه غائب.

۲- اینگونه شعارها حقیقت داشته و وجود دارند و نمی‌دانیم عاقبت این خرافه مالخولیایی به کجا می‌خواهد ختم شود??

هست قرآن امامی که زنده ست
 عاقبت جز ندامت نماند
 خوب باش و ز اوهام شو پاک
 عقل و ادراک داری به پاخیز
 نه امامی که افسانه آمد
 شد قیامت، امامت نیامد
 سوی دوزخ شود نیست بد
 قبل از آنی که عمرت سرآید
 شد قیامت، امامت نیامد

چون امام شما غائب آمد
 رفت نائب به جایش فقیهی
 از فقاہت ولایت در آمد
 مطلقه شد ولایت چو شاهی
 زد عقبگرد جای ترقی
 خشت اول که کج رفت این شد
 جای قرآن مفاتیح آمد
 چون که قرآن روایت زده شد
 اصل رفت و گرفتار فرعیم
 اصل توحید باشد، کجائی؟!
 این صفائی که دیدی دروغ است
 مثل تریاک تخدیر آنی است
 مثل گوساله سامری بود
 تو مشو ایمن از مکر آخوند
 بُرد آخر به دارالبوارت
 کرد آخوند گمراه و خوارت

در پی نفس دون چون دوییدی جای جنت به دوزخ رسیدی^۱
 سنی: اصلاً آیا شما حدیثی مفید از ائمه و اهل بیت می‌دانید؟
 رافضی: نخیر، ما فقط حب ایشان را داریم و بس، همین برای روز جزا کافی است،
 الهی من قربان ائمه بشوم!!!
 سلفی: آمین.

سنی: در مورد پیامبر ﷺ برایمان بگو؟
 رافضی: او که خاتم الانبیاء بوده و البته فقط و فقط با حضرت علی دوست بوده و با
 ابوبکر و عمر دشمن!! و تمامی اسرار و علوم را فقط برای حضرت علی توضیح
 داده‌است.

سلفی: از نظر شما تنها کار پیامبر ﷺ این بوده که از صبح تا شام مدح علی را بگوید
 یا اینکه عمر و ابوبکر را سرزنش کند. یک سوم آیات قرآن در مدح علی و بقیه هم در ذم
 مخالفان ایشان است.

سنی: من نمی‌دانم چرا عمر و ابوبکر با این همه سرزندی که می‌شده‌اند باز نزد
 پیامبر ﷺ می‌مانده‌اند و نزد ابوجهل و ابولهب نمی‌رفته‌اند؟! (تلنگر برای دشمنان ابوبکر
 و عمر)

رافضی: چون آن‌ها دارای هدفی خاص بوده‌اند و سوء نیت داشته‌اند!!
 سنی: چه هدفی داشته‌اند؟
 رافضی: غصب جانشینی، غصب خلافت، تصرف منصب امامت و ولایت و غصب
 فدک!! غصب و غصب و غصب.....!!!

۱- اشعار از علیرضا حسینی.

سلفی: واقعاً چقدر ابوبکر و عمر زیرک بوده‌اند که از ۲۳ سال قبل به فکر غصب خلافت بوده‌اند!! ولی با کمال تعجب در همان روز وفات پیامبر ﷺ از حضور انصار در سقیفه بی خبر بوده‌اند؟! (تلنگر بسیار شدید)

سنی: لابد ابوبکر هم علم غیب داشته است!! یا تقیه می‌کرده و یا...
سلفی خطاب به رافضی: می‌شود بفرمائید منظور از لعنی که در زیارتنامه عاشوراست چه کسانی هستند؟

رافضی: نخیر، نمی‌توانم بگویم، چون مجبورم تقیه کنم!!^۱
سنی: واقعاً که شما روافض چقدر به ما لطف دارید و از اهانت به مقدسات ما خودداری می‌کنید!!

سلفی: می‌دانید وقتی روزنامه‌ای در غرب، کاریکاتور پیامبر اسلام را می‌کشد یا هر کس دیگری که به پیامبر ﷺ توهین می‌کند، در اینجا مقصر واقعی کیست؟
رافضی: زود بگو کیست تا به خدمتش برسیم!!!
سلفی: مقصر خود شما هستی!!!
رافضی: چطور؟!!

سلفی: چون این شما بوده‌اید که این راه را جلوی پای غرب و مسیحیت گذاشته‌اید، این شما بوده‌اید که حرمت همسر پیامبر ﷺ را نگه نمی‌دارید و او را لعن می‌کنید، این شماست که نزدیکترین افراد به پیامبر ﷺ را لعن می‌کنید، عثمان داماد پیامبر ﷺ یا ابوبکر و عمر که پدر زن پیامبر ﷺ بوده‌اند، پس دیگر چه انتظاری از غرب و دشمنان اسلام و کافران هست؟! (تلنگر)

۱- به قول استاد علی‌رضا حسینی می‌بایست بیت زیر را از زبان روافض سرود:

خدعه کردم، متعه کردم!! با تقیه، صیغه کردم!!

سنی: جالب اینجاست که آخوندهای رافضی دائم اهل سنت را مسبب خرابی و انحراف در اسلام می‌دانند، در صورتیکه بیشترین ضربات مهلک توسط خود ایشان به اسلام وارد شده است.

رافضی: این عمر بوده که انواع بدعت‌ها را وارد دین کرد!! تحریم متعه، خدعه، تقیه ... سلفی: البته فراموش نکنید که مذهب رافضی جمله «أشهد أن علیاً ولی الله» را به اذان اضافه نکرده و دارای هیچگونه بدعتی نیست!!

رافضی: ابوبکر و عمر در برابر نص اجتهاد کرده‌اند!!!

سلفی: خوب شد گفتی اجتهاد در برابر نص و مرا بیاد مجمع تشخیص مصلحت نظام انداختی، می‌شود بفرمائید کار این مجمع در ایران چیست؟!

سنی: بگذارید من بگویم، چون ممکن است جناب رافضی باز بخواهند تقیه کنند. علت اصلی تشکیل این مجمع آن بود که شورای نگهبان قوانین مخالف شرع (قرآن یا سنت پیامبر) را که مجلس تصویب می‌کرد، رد یا اصلاح می‌کرد و به مجلس بر می‌گرداند، مجلس نیز در اکثر مواقع از نظر خود کوتاه نمی‌آید و به این ترتیب تمام امورات کشور معطل می‌ماند و کارها خراب می‌شد. خمینی با زیرکی خاص سیاسی خودش مجمع تشخیص مصلحت نظام را براه انداخت تا هرگاه قوانین بین مجلس و شورای نگهبان سرگردان ماند بنا به تشخیص خودش و ضروریات کشور و مصلحت و مقتضیات زمان، این قوانین خلاف شرع را تصویب کند.

سلفی: اصلاً خود ولی فقیه نیز می‌تواند در برابر نص اجتهاد کند و مثلاً حج واجب را به مدت سه سال ممنوع کند (همانطور که جناب خمینی اینکار را کرد) یا مسجدی را تخریب کند (همانطور که بارها و بارها مساجد اهل سنت تخریب شده‌اند) و غیره...

سنی: هرچه ظلم که به اهل بیت شده قبول است، ولی می‌شود در مورد سه مسئله زیر توضیح دهید که چرا این ظلم‌ها به اهل بیت می‌شده؟ چون این موارد به نفع خلفا بوده نه به ضررشان:

- خمس منافع سالیانه که باعث پر شدن کیسه هاشان می شده.
 - ساخت گنبد و بارگاه بر روی قبور پیامبر ﷺ و ائمه بخاطر ظاهرسازی و ریا در برابر مردم.
 - گذاشتن روحانیون درباری برای تقلید کردن مردم از ایشان.
- سلفی: یعنی می خواهی بگویی عقلشان کمتر از پادشاهان ترک صفوی بوده؟!!! (تلنگر)
- سنی: دقیقاً.
- سلفی: گفתי صفویه و من نمی دانم برآستی این صفویان پشت سر امپراطوری بزرگ عثمانی چه می کرده اند؟!
- سنی: هیچی، فقط مشغول انجام وظیفه خود بوده اند، وظیفه ای که مسیحیت بر عهده آن ها گذاشته بود، چون امپراطوری عثمانی داشته تمامی اروپا را تسخیر می کرده و مسیحیت در حال سقوط بوده و البته طبق نقشه ای زیرکانه، صفویه رافضی را بر پشت سر امپراطوری عثمانی سنی می گذارند تا با ایجاد جنگ و تفرقه در پشت جبهه باعث عقب نشینی عثمانی ها شوند^۱. (تلنگر برای دوستداران صفویه)
- سلفی: برای همین بوده که شاه عباس شرابخوار به آرامنه مسیحی ارادت خاصی داشته و محله جلفای اصفهان را به ایشان می دهد تا در آنجا براحتی زندگی کنند و حتی کلیسا بسازند، کلیسایی که هنوز محکم و پابرجاست. (تلنگر برای شیفتگان شاه عباس)
- سنی: البته از آن طرف به هرات لشکرکشی می کرده تا اهل سنت بیچاره آنجا را قتل عام کند و هم اکنون نیز مزدوران ولی فقیه نیز همان راه شاه عباس را ادامه می دهند و مساجد اهل سنت را تخریب می کنند ولی با کلیسا و کنیسه کاری ندارند، چون مشکل صفویه و حقوق بگیران غرب و صهیونیسم، فقط و فقط اهل سنت است، اهل سنت، اهل سنت، اهل سنت.....

۱- یا می توان گفت: با ایجاد دهه های فاطمیه، روضه خوانی، مجالس عزا و عمرکشان، باعث تفرقه میان شیعه و سنی می شوند تا دشمنان اسلام خیالشان راحت باشد.

سلفی: اسرائیل و دشمنان اسلام حاضرند چندین میلیون دلار پول بدهند تا دو اصل مورد نظرشان را وارد فروع دین کنند، ولی رافضیان خودشان اینکار را کرده‌اند و مشکل این دشمنان را حل کرده‌اند، دو اصل: تولی و تبری با اهل سنت!!

سنی: البته بهتر است بگوئیم: تولی با چین و روسیه کمونیست و تبری با اهل سنت مسلمان.

سلفی: آری، تشکیل دولت صفویه بخاطر نابودی اسلام بوده، اسلامی که داشته توسط امپراطوری عثمانی همه جا را تصرف می‌کرده و به قول دکتر شریعتی: ناگهان خنجری از پشت وارد می‌شود.

سنی: خنجری که هنوز نیز در منطقه وجود دارد.

سلفی: منظورت همان هلال شیعه است؟

سنی: هلال که چه عرض کنم، دیگر قرص شب چهارده است، مگر نمی‌دانی که تنها درد آخوندها صادر کردن ولایت به تمامی نقاط دنیاست. (هشدار برای مسلمین)^۱

سلفی: برویم سراغ موارد دیگر.

سنی: بهتر است بصورت ریشه‌ای عمل کنم و یک راست برویم سراغ غدیر خم تا بلکه ریشه اختلافات کنده شود.

رافضی: حضرت علی در غدیر خم به عنوان جانشین پیامبر ﷺ تعیین شده است و علت آن نیز کاملاً روشن است، چطور و به چه علت پیامبر ﷺ مردم را در آن گرمای شدید نگه می‌دارد؟ علتش فقط بیان امری مهم بوده که آن هم چیزی نبوده جز خلافت الهی حضرت علی علیه السلام، گرمای شدید، گرما گرما و گرما این گرمای هوا یکی از قویترین و مستندترین دلایل ماست!!

۱- تنها از جمله ولی امر مسلمین جهان که خطاب به ولی فقیه بکار می‌برند، بسیاری از چیزها مشخص می‌شود.

سلفی: شما روافض به چه نکات مهمی پی می‌برید و از آن نکات چه نکات دیگری را استخراج می‌کنید! و عجب کشفی کرده‌اید! خوب شد که شما گفتید گرمای شدید و ما تا به امروز فکر می‌کردیم در عربستان سرمای شدید حاکم است!!

سنی: در غدیر هیچگاه سرمای شدید حاکم نبوده و مثل این است که بگوئیم در آن سرمای شدید قطب جنوب مردم ایستاده بودند!! خوب مسلم است که هوا در قطب همیشه سرد است و این تعجب ندارد.

سلفی: موضوع جالب زمانی است که متوجه می‌شویم در غدیر خم آن گرمای شدیدی هم که مد نظر روافض است حکمفرما نبوده و در واقع دمای هوا درجه حرارتی معمولی داشته است.

رافضی: چطور؟!

سلفی: اصلاً شما می‌دانید روز غدیر خم در چه تاریخی بوده است؟

رافضی: نخیر، ما از غدیر خم فقط جانشینی حضرت علی را می‌دانیم!!

سلفی: واقعه غدیر خم یعنی ۱۸ ذی الحجه در روز ۲۹ اسفند ماه بوده است که خودتان نیز می‌توانید با نرم افزار رایانه‌ای آن را حساب کنید و من به مدت دو سال سایت هواشناسی عربستان سعودی^۱ را در این خصوص، بررسی کردم و متوجه شدم از فاصله زمانی ۲۵ اسفندماه تا ۱۰ فروردین ماه این دو سال (سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ شمسی) درجه هوای منطقه رابغ (که غدیر در آن واقع است) در گرمترین ساعات روز از ۳۰ درجه بیشتر نمی‌شود و با توجه به اینکه هوای زمین طی هزار سال گذشته دو درجه

۱- سایت هواشناسی عربستان: www.pme.gov.sa، البته از سربازان گمنام امام زمان در اداره اطلاعات خواهش می‌کنم این سایت را فیلتر نکنند تا مردم بروند و ببینند و دروغگویی ما برای آن‌ها فاش شود!!!!

گرمتر شده^۱ با اطمینان قریب به یقین، می‌توان گفت درجه هوای غدیر خم در ۲۹ اسفند سال ۱۰ هجری: ۲۸ درجه یا چیزی نزدیک به آن بوده است و چنین درجه حرارتی نه تنها گرمای شدید و حتی گرمای معمولی نیست بلکه بسیار فرح‌انگیز و روح‌بخش است.^۲

(تلنگر)

سنی: تازه ما باید شرایط را در همان زمان و بصورت واقعی آن مورد بررسی قرار دهیم و در آن زمان، گرمای هوا برای مردم بسیار عادی بوده است، ولی ظاهراً روافض در زیر کولرها و دستگاه‌های پیشرفته خنک‌کننده خوابیده‌اند و از اینکه در زمان پیامبر ﷺ مردم در گرمای هوا می‌ایستاده‌اند تعجب می‌کنند.

سلفی: چرا نام امامان در قرآن نیست؟ (تلنگر)

رافضی: چون ذکر نام ایشان، باعث ایجاد کینه، حسد و دشمنی دیگران می‌شده و با ذکر نام گذشتگان تفاوت دارد، افرادی چون ذوالقرنین، چون آن‌ها زنده نبوده‌اند و دیگر حسد و دشمنی نسبت به ایشان ایجاد نمی‌شده!!

سلفی: واقعاً که دلیلی خنده‌دار بود، چون با نبودن نام امامان می‌بینیم که باز هم آن دشمنی‌ها ایجاد شده و شما نیز بطور شدیدی آن‌ها را قبول دارید، مضروب شدن فاطمه زهرا، شهادت امام حسین در کربلا، شهادت و مسموم شدن امامان دیگر و حتی غایب شدن امام زمان نیز از ترس قتل و دشمنان بوده است.

سنی: من نمی‌دانم چرا در سوره الصف آیه ۶ حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام به بنی اسرائیل فرموده: ﴿وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾ «و به پیامبری که پس از من می‌آید

۱- به علل گوناگونی دمای فعلی کره زمین گرمتر شده است، دلایلی چون شکافته شدن جو و لایه بیرونی زمین.

۲- بررسی پیرامون دمای غدیر در کتاب آلفوس و همینطور در جلد اول کتاب سرخاب و سفیدآب موجود است.

و نامش احمد است بشارت می‌دهم»، چرا نام پیامبر ﷺ که ۶۰۰ سال بعد می‌آمده، بیان شده؟! نام پیامبر ﷺ هم نباید برده می‌شده، بخاطر کینه و حسد دیگران!! (تلنگر)

سلفی: لطفاً بیان کنید که مسجد ضرار چگونه مسجدی است؟

رافضی: مسجدی است که صبح‌های جمعه در آن دعای پر فیض ندبه خوانده نشود، مسجدی که در ماه محرم عزاداری نداشته باشد، مسجدی که در آن کتب مفاتیح الجنان و سلیم بن قیس هلالی نباشد و مسجدی که امامش بر بالای منبر از صحابه بدگویی نکند. سنی: فکر کنم منظور تان مساجد ما باشد.

رافضی: دوباره مجبورم تقیه کنم!! امروز خیلی تقیه کردم!!

سلفی: به نظر من مسجد جمکران حکم مسجد ضرار را دارد، همینطور مساجدی که قبور و امامزاده دارند و مردم در آنجا بجای یکتاپرستی به سمت واسطه‌ها می‌روند و غیر الله را صدا می‌کنند.

رافضی: گفتم که شما وهابی هستید، از وقتی متوجه شدم که تنها الله را صدا می‌زنید دیگر به وهابی بودن شما شک ندارم!! چطور می‌توانی تنها الله را صدا کنی؟ پس یعنی توسل، واسطه و شفیع را قبول نداری؟ پس در نتیجه وهابی هستی، وهابی وهابی وهابی.....!!!!

سلفی: من صیغه (متعّه) را قبول ندارم و روافض مدعی هستند که عمر، صیغه را حرام کرده و به همین خاطر با عمر دشمن هستند، ولی نمی‌دانم چرا زنان رافضی با عمر دشمن هستند؟! آن‌ها که باید او را دوست بدانند که چنین حکم ننگینی را از گردن ایشان برداشته است.

سنی: لابد زنانی این حکم را خیلی دوست دارند که زنی هستند، بله!!!

رافضی: نخیر، صیغه خوب است و شاید کسی توانایی ازدواج را نداشته باشد و به همین خاطر به گناه بیفتد، پس صیغه جلوی زنا و فحشا را می‌گیرد و ثواب هم دارد و

اصلاً نبودن صیغه باعث عمل زنا می‌شود و مگر نمی‌دانی که امامان گفته‌اند: با بودن صیغه دیگر کسی زنا نمی‌کند مگر شقی‌ترین انسانها!!

سلفی: برای همین است که می‌بینیم در ایران اصلاً عمل زنا وجود ندارد و چقدر این عمل کم شده و هیچکس گرد آن نمی‌رود!!

رافضی: این طعنه‌ها به ما نمی‌چسبد، همانطور که قبلاً نیز گفتم صیغه بسیار خوب است و ثواب هم دارد!!

سلفی: پس اگر ممکن است من از جناب رافضی می‌خواهم که خواهر خودش را به صیغه برادر سنی ما درآورد، زیرا به هر حال ایشان در شهر ما غریب و مسافرنند.^۱ (تلنگر)

رافضی:؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟!!!!!!!!!!!!!!^۲

سلفی:

شیعه ^۳ یعنی فرقه ^۴	فرقه یعنی حقه
حقه یعنی خدعه	خدعه یعنی بقعه
بقعه یعنی رجعه	رجعه یعنی بنده
بنده یعنی متعه	متعه یعنی صیغه

صیغه یعنی.....!!!

سنی: اصلاً صیغه را رها کنید و برویم سراغ خمس مال مردم بیچاره که مراجع رافضی آن را تصاحب می‌کنند.

۱- در سوره نور آیه ۳۳ آمده: ﴿وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ «و آنانکه وسیله نکاح نیابند باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آن‌ها را به لطف خود بی‌نیاز گرداند» پس طبق این آیه نمی‌توان به بهانه زناکاری به دنبال صیغه رفت، بلکه باید عفت پیشه کرد.

۲- سعی شده فحش‌هایی را که در این مناظره بکار رفته است حذف نمائیم.

۳- منظور شیعیان غالی و رافضی و صفوی هستند نه شیعیان واقعی و یکتاپرست.

۴- فتحه کلمات به خاطر لهجه علمای عظام است که این واژه‌ها را با همین تلفظ به کار می‌برند!!

سلفی: خمس مختص به غنائم جنگی بوده و آن هم از کافران و ظاهراً مراجع رافضی، مقلدین خود را نوعی غنیمت جنگی می‌دانند و یا آن‌ها را کافر حربی می‌دانند که یک پنجم از دارایی ایشان را دریافت می‌کنند.

سنی: اصلاً مگر خمس متعلق به امام نیست، پس چرا آن را به آخوندها می‌دهید؟ باید خود امام زمان برای دریافتش ظهور کند، اصلاً شما طبق کدام سند و مدرک خمس می‌دهید؟!

رافضی: طبق کتب و احادیث بسیار معتبر همچون کتاب الخمس و الزکات رد کن بیاد!!

سلفی: البته شما با زکات خیلی میانه خوبی ندارید، زکاتی که هم‌ردیف با نماز (صله) بارها در قرآن به آن تصریح شده است.

سنی: شما روافض چه کاری برای اسلام کرده‌اید؟! یا چه حقی را به اهل بیت باز گردانیده‌اید؟!

رافضی: ما کارهای مختلفی در راستای حقوق اهل بیت انجام داده‌ایم.

سنی: لابد منظورتان گرفتن خمس مال مردم بدبخت است.

رافضی: نخیر، ما نامه‌ای به حاکم مدینه نوشته‌ایم و علیه ابوبکر بن ابی قحافه شکایت کرده‌ایم و فوری خواستار آن شده‌ایم که پول فدک را به سوی ما ارسال کند تا ما در ایران بین سادات تقسیم کنیم!!^۱

سلفی: لابد پول را هم به نرخ روز می‌خواهید؟!

رافضی: پس چی فکر کردی؟!

سلفی: مگر حضرت علی علیه السلام فرموده: مستلزم شوید به سواد اعظم مسلمین؟

۱- این کار واقعاً اتفاق افتاده است! رجوع کنید به کتاب تشیع علوی و تشیع صفوی نوشته دکتر شریعتی.

رافضی: نخیر، منظور حضرت علی این بوده که سواد اعظم مسلمین مستلزم شوند به ما که کمتر هستیم!!

سلفی: در کتاب کافی اثر شیخ کلینی که مهمترین کتاب ایشان پس از قرآن است، عدد امامان سیزده تن ثبت شده و چنین آمده که امامان از بطن فاطمه زهرا دوازده نفرند!!! این موضوع را چگونه توجیه (یا ماست مالی) می کنید؟ (تلنگر)

رافضی: منظور شیخ کلینی از امام سیزدهم، جناب ولی فقیه ما یعنی امام خمینی بوده است و بخاطر اینکه نسبت به آیندگان، کینه و حسد ایجاد می شود بنابر این کلینی نامی از خمینی نبرده است و تقیه کرده است، همانطور که در قرآن نیز نامی از امامان نیست!!!

سلفی: آه، مرا ببخشید، حواس من به جناب خمینی نبود... راستی چرا خداوند در انجیل از پیامبر بعدی به نام احمد یاد کرده است و تقیه نکرده و یا از کینه و حسادت دیگران نترسیده و...

سنی: از این موضوع بگذریم، مگر خمینی در ابتدای انقلاب در بهشت زهرا نگفت که ما آب و برق و اتوبوس را مجانی می کنیم؟ پس چرا اینطور نشد؟! و تازه صد پله گرانی و تورم بیشتر شد؟^۱

۱- ولی فقیه، نایب بر حق امام زمان نزد مدعیان تشیع است و همینطور رهبر شیعیان جهان و حتی خود را ولی امر مسلمین جهان می داند، بنابراین سخنان او می تواند مورد استناد قرار گیرد، ولی می بینیم که برخی محققین رافضی که از عهده پاسخگویی بر نمی آیند، خود را راحت کرده و فوراً می گویند که این ها مربوط به سیاست است و ما را با آن کاری نیست و ظاهراً این محققین، شعار دیانت ما عین سیاست ماست را فراموش کرده اند و مگر ادعای خلافت الهی و منصوص حضرت علی، چیزی جز دخالت دین در سیاست است؟ که همین ادعا پایه و اساس عقاید ایشان است و از همان ابتدا مذهب ایشان را بصورت حزبی سیاسی درآورده است.

رافضی: خمینی تا آن لحظه، خدعه یا تقیه کرده است تا حکومت را برای امام زمان تصاحب کند!!

سلفی: البته من فکر می‌کنم جناب خمینی فراموش کرده بود که ان‌شاءالله بگوید و بخاطر همین، وعده‌هایش تحقق نیافت، البته مرا ببخشید که ایشان را با پیامبر اسلام مقایسه کردم، شان و منزلت ایشان خیلی بیشتر از این حرفهاست، چون مقلدان برای ایشان سه صلوات می‌فرستند ولی برای پیامبر یک صلوات^۱.

سنی: می‌ترسم در آینده نیز باز از اینگونه تقیه‌ها و خدعه‌ها مشاهده شود، مثلاً بمب اتمی بسازید و بعد بگویید: ما طی این سالها در حال خدعه و تقیه بودیم و برای همین می‌گفتیم ایران به دنبال ساخت سلاح اتمی نیست، ولی اکنون دیگر بمب را ساخته‌ایم و احتیاجی به تقیه نداریم و پرده تقیه را می‌دریم، این‌ها دروسی است که از استادمان خمینی یاد گرفته‌ایم و او هم از استادش علامه مجلسی و او هم از فلان بن فلان بن فلان تا برسد به جناب آقای ابن سبأ که ما هر چه داریم از او داریم.

رافضی: برای اثبات عظمت و حقانیت ولایت و مذهب می‌بایست به برخی از سخنان امام هدایتگر و راستین خودمان، امام انقلابمان، نایب بر حق امام زمان، امام خمینی اشاره کنم:

۱- خمینی در وصیتنامه خود می‌گوید: من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه وآله- و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین و حسین بن علی صلوات الله وسلامه علیهما می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند که خداوند تعالی در سوره توبه با آیاتی آن‌ها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است. و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل در منبر به آنان نفرین فرمود... (صحیفه انقلاب، وصیتنامه سیاسی الهی رهبر کبیر... آیه الله العظمی خمینی صفحه ۱۲، چاپ هشتم، بهار ۱۳۷۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایران).

امام خمینی سرتاسر معجزه بود و به عنوان مثال وقتی اطرافیان ایشان نگران امنیت جانی او بودند به آنها فرمود: نگران من نباشید، چون من به مرگ طبیعی خواهم مرد!! و این یکی از معجزات غیبی امام بوده است!! چون به مرگ طبیعی نیز از دنیا رفت!!

سلفی: آری، وقتی جوانان بدبخت را به خط مقدم جبهه می فرستاده و خودش داخل چهار دیواری می مانده، پس انتظار داشتی به چه مرگی بمیرد؟!

رافضی: امام خمینی از همه بیشتر به فکر اسلام و قرآن بود و می فرمود: سی میلیون جمعیت همه علم را بلند کرده اند و می گویند قرآن می خواهیم!

سنی: البته فکر کنم می خواسته بگوید مفاتیح الجنان می خواهیم و احتمالاً در حالت تقیه بوده که گفته قرآن.

رافضی: امام خمینی می فرمود: روابط ما با جامعه غرب یک روابط عادلانه است، نه زیر فشار ظلم آنها خواهیم رفت و نه ظلمی بر آنها روا خواهیم داشت و اما با کمونیست‌ها چون سوء قصد آنها را نسبت به مملکت خودمان تا کنون احراز کرده ایم، نمی توانیم یک روابطی داشته باشیم.^۲

سلفی: البته جناب سنی متوجه باشید که منظور جناب خمینی از کشورهای کمونیست کشورهایی چون شوروی، چین، کوبا و کره شمالی نبوده است، چون ایران با این کشورها بهترین روابط را داشته و دارد. (تلنگر برای فریب خوردگان نظام ولایت)

سنی: شاید هم منظورش کشورهای وهابی بوده، کشورهایی چون عربستان و دیگر کشورهای عربی و برای همین نیز فوراً می خواستند که انقلاب خود را به عربستان صادر کنند و البته اینکار را در خلال مراسم حج و بدون احترام به قوانین آنجا انجام دادند.

رافضی: امام خمینی می فرمود: برنامه ما در حکومت اسلامی مبنی بر توحید است.^۳

۱- سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج ۱۳۵۷/۸/۴ - صحیفه امام ج ۴ ص ۱۷۰.

۲- خمینی ۱۳۵۷/۷/۲۰ - مصاحبه با خبرنگاران درباره آینده حکومت اسلامی - صحیفه امام ج ۳ ص ۵۱۵.

۳- تاریخ ۱۳۵۷/۹/۵ مصاحبه با روزنامه دانمارکی درباره مسائل ایران - صحیفه امام ج ۵ ص ۱۲۱.

سلفی: البته توحیدی همراه با شرک و نه توحیدی راستین، توحیدی همراه با قبرپرستی و پرستش امامان و پرستش مراجع و آقا.

رافضی: امام خمینی می فرمود: در اسلام جناح‌های مختلف وجود ندارد، وقتی حکومت اسلامی تشکیل شود همه تابع قانون اسلامند و اسلام یک جناح یکپارچه و واحد است.^۱

سنی: آری، همه فقط باید شیعه اثنی عشری باشند و همه باید تنها زیر ولایت و رهبری نائب بر حق امام زمان و ولی امر مسلمین جهان باشند، آنوقت است که دیگر جناح‌های مختلفی در میان نخواهد بود، سنی و اهل سنت یعنی چه؟ همه شیعه شوید، غلط کرده‌اید که جناح درست کرده‌اید، بیجا کرده‌اید که مسجد ساخته‌اید، بیخود کرده‌اید که سایت اینترنتی درست کرده‌اید!! بیخود کرده‌اید که مولوی و عالم و نویسنده دارید!! همه این‌ها باید مسموم یا ترور و اعدام شوند تا جناحی باقی نماند!!

سلفی: اصلاً در میان خود انقلابیون نیز سالی وجود ندارد که از هر جناح چند شاخه دیگر بیرون نزنند.

رافضی: امام خمینی می فرمود: در ایران سی و پنج میلیون مسلمان هستند که همه در خیابانها اسلام را داد می‌زنند.^۲

سلفی: منظورش سی و پنج میلیونی بوده که همه حسین را صدا می‌زنند و سینه‌زنی می‌کنند و اسلام رافضی را صدا می‌زنند نه اسلام واقعی را، چون اسلام ایشان را پس از گذشت سی سال^۳ از انقلاب مشاهده کردیم، فساد و بی‌بند و باری، اعتیاد جوانان و افزایش جرائم مختلف خود شاهدهی زنده است.

۱- تاریخ ۱۳۵۷/۹/۲۱ مصاحبه با روزنامه صدای لوکزامبورگ- صحیفه امام ج ۵ ص ۲۲۳.

۲- تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۷ مصاحبه با رادیو تلویزیون ژاپن درباره دولت نظامی و دولت آینده- صحیفه امام ج ۴ ص ۳۸۱.

۳- این مطالب در سال ۱۳۸۷ هجری شمسی نوشته شده که از انقلاب ایران سی سال گذشته است.

رافضی: امام خمینی فرمودند: در ایران اسلامی علما خودشان حکومت نخواهند کرد و فقط ناظر و هادی امور خواهند بود. خود من نیز هیچ مقام رهبری نخواهم داشت و از همان ابتدا به حجره تدریس خود در قم برخوادم گشت^۱.

سنی و سلفی: به به به به!!

رافضی: همچنین فرمودند: در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها هم در بیان عقیده خود آزاد خواهند بود^۲.

سنی: البته فراموش کردند اهل سنت را استثناء کنند.

رافضی: در حکومت اسلامی رادیو، تلویزیون، و مطبوعات مطلقاً آزاد خواهند بود و دولت حق نظارت بر آنها را نخواهد داشت^۳.

(در این لحظه سنی و سلفی، خنده‌ای انفجارآمیز کردند).

رافضی: امام خمینی فرمودند: در منطق این‌ها آزادی یعنی به زندان کشیدن مخالفان، سانسور مطبوعات و اداره دستگاه‌های تبلیغاتی. در این منطق تمدن و ترقی یعنی تبعیت تمام شریان‌های مملکت از فرهنگ و اقتصاد و ارتش و دستگاه‌های قانونگذاری و قضایی و اجرایی از یک مرکز واحد. ما همه این‌ها را از بین خواهیم برد^۴.

سلفی: آخ بمیرم اداره اطلاعاتی‌ها و بسیجی‌ها این حرف‌ها را نشنوند، در روحیه لطیف آن‌ها تاثیر منفی می‌گذارد!!

رافضی: ایشان همچنین فرمودند: ما همه مظاهر تمدن را با آغوش باز قبول داریم^۵.

۱- مصاحبه با خبرگزاری رویتر، نوفل لوشاتو، ۵ آبان ۱۳۵۷.

۲- مصاحبه با سازمان عفو بین الملل، نوفل لوشاتو، ۱۰ نوامبر ۱۹۷۸.

۳- مصاحبه با روزنامه پیزا سره، نوفل لوشاتو، ۲ نوامبر ۱۹۷۸.

۴- سخنرانی برای گروهی از دانشجویان ایرانی در اروپا، نوفل لوشاتو، ۸ آبان ۱۳۵۷.

۵- سخنرانی برای گروهی از ایرانیان، نوفل لوشاتو، ۱۹ مهر ۱۳۵۷هـ.

سلفی: بله، از قبیل بمب اتم و دستکاری در خلقت خدا (موسسه رویان) حتی در غرب هم مردم و کلیسا چنین اجازه‌ای به موسسات علمی نداده‌اند.

رافضی: امام فرمودند: برای همه اقلیت‌های مذهبی آزادی بطور کامل خواهد بود و هر کس خواهد توانست اظهار عقیده خودش را بکند.^۱

سنی: البته به جز چاپ روزنامه و کتاب و ایراد سخنرانی و داشتن یک کانال رادیویی یا تلویزیونی و چند مورد بی‌اهمیت دیگر... .

رافضی: ایشان در جایی دیگر فرمودند: نه رغبت شخصی من و نه وضع مزاجی من اجازه نمی‌دهند که بعد از سقوط رژیم فعلی شخصاً نقشی در اداره امور مملکت داشته باشم.^۲

سلفی: مگر آقای رفسنجانی می‌گذارد؟!

رافضی: ایشان در نوفل لوشاتو گفتند: دولت اسلامی ما یک دولت دموکراتیک به معنی واقعی خواهد بود. من در داخل این حکومت هیچ فعالیتی برای خودم نخواهم داشت.^۳

سلفی: از این حرفها نزنید، آقای رفسنجانی افسردگی می‌گیرند!

رافضی: ایشان همچنین در مقام تقیه گفتند: من نمی‌خواهم رهبر جمهوری اسلامی آینده باشم. نمی‌خواهم حکومت یا قدرت را بدست بگیرم.^۴

سلفی: مادر رفسنجانی می‌گفت: من می‌دونستم که بالاخره این اکبروی^۵ من شاه

میشه!!!

۱- کنفرانس مطبوعاتی، نوفل لوشاتو، ۹ نوامبر ۱۹۷۸م.

۲- مصاحبه با خبرگزاری اسوشیتد پرس، نوفل لوشاتو، ۱۷ نوامبر ۱۹۷۵م.

۳- مصاحبه با تلوزیون NBC، نوفل لوشاتو، ۱۱ نوامبر ۱۹۷۸م.

۴- مصاحبه با تلوزیون اتریش، نوفل لوشاتو، ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸م.

۵- اکبر نام کوچک جناب رفسنجانی، روباه پیر انقلاب ایران

رافضی: و همچنین در مقام خدعه گفتند: پس از رفتن شاه من نه رییس جمهور خواهم شد، نه هیچ مقام رهبری دیگری را به عهده خواهم گرفت.^۱

سنی: البته مقام ولایت جدای از زعامت و رهبری است، امری است خدادادی و... .

رافضی: امام خمینی می فرمود: از نظر آزادی عقاید بنابر آن است که اشخاص منحرف همیشه حرف‌های خود را می زده‌اند، اگر آن‌ها از اصل اسلام خبردار شده باشند این حرف‌ها را نمی‌زنند، این‌ها اگر به همه مسائل آشنا شوند اختلافات از بین می‌رود. در عین حال ما از اظهار عقیده جلوگیری نکرده و نمی‌کنیم، لکن از کارهایی که منحرفین گاهی می‌کنند می‌خواهند شلوغ کاری کنند... ما آزادی به همه مسالک و عقاید می‌دهیم.^۲

سنی: اجازه بدهید من کمی آهسته بخندم، چون دیگر نمی‌توانم حرفی بزنم.

سلفی: اگر این اشخاص منحرف از اصل رافضی‌گری با خبر می‌شدند این حرف‌ها را نمی‌زدند و آزادی برای همه مسالک وجود دارد، فقط گاهی اوقات مساجد اهل سنت تخریب می‌شوند و کتب شریعتی از داخل سپاه جمع‌آوری می‌شود تا فرد سپاهی در دام افراد منحرف نیفتد و همواره با اصل رافضی‌گری آشنا باشد و آزادی عقیده نیز در بالاترین درجه خود به معرض نمایش در آید، البته با فیلتر شدن سایت‌های اهل سنت و عدم اجازه چاپ کتاب به آن‌ها و ترور و زندانی کردن شخصیت‌های موحدی همچون علامه برقی (رحمته‌الله) و... همه این‌ها بخاطر اصل رافضی‌گری است!!

سنی: این‌ها سخنان خود خمینی را نیز سانسور می‌کنند و شما هیچ وقت در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران نمی‌بینید که سخنان خمینی در بهشت زهرا بطور کامل پخش شود و تنها قسمتی از آن نشان داده می‌شود که مرتب می‌گوید: من فلان می‌کنم، من توی

۱- مصاحبه با روزنامه لموند، نوفل لوشاتو، ۹ ژانویه ۱۹۷۹م.

۲- تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۶ گفتگو با سه تن از شخصیت‌های آمریکایی - صحیفه امام ج ۵، ص ۵۳۳-۵۳۴.

دهن این دولت می‌زنم، من، من، من.....(تلنگر برای دوستان تلویزیون جمهوری ضد اسلامی ایران)

سلفی: بعضی قسمت‌های این سخنرانی برای ولایت‌داران جالب نیست، چون وعده‌های پوچ رهبر انقلابشان را نشان می‌دهد که تحقق نیافته است، همچون آن قسمتی که می‌گفت: این دارایی از غنائم اسلام است، من امر کردم به مستضعفین بدهند و خواهند داد و می‌گفت: به این نغمه‌های باطل گوش ندهید، آن‌ها حرف می‌زنند ولی ما عمل می‌کنیم!! و می‌گفت: ما یک مملکت محمدی ایجاد می‌کنیم!! و می‌گفت: آب و برق را مجانی می‌کنیم، اتوبوس را مجانی می‌کنیم!! و این ارتشی‌ها فکر می‌کنند ما می‌خواهیم آن‌ها را دار بزیم (که همه جمعیت خندیدند و فقط ۱۰ روز، آری فقط ۱۰ روز بعد، تعداد زیادی از فرماندهان ارتش را - البته دار نزدند - تیرباران کردند، حتی گرگ‌ترین حکومت‌های دنیا نیز وقتی عفو عمومی می‌دهند دیگر زیر حرف خودشان نمی‌زنند).

سنی: دارایی و غنائم که به جیب مفت‌خوران رفت و لابد منظورش از نغمه‌های باطل سخنان خودش بوده و مملکت محمدی ایشان را نیز با پیشرفت جرائم و افزایش تعداد معتادین مشاهده کردیم و چیزی هم که مجانی نشد، به جز جان و شخصیت انسانها.

سلفی: جناب خمینی در سخنرانی خود می‌گفت: ما شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم!! و یک نفر نبود بگوید مگر ما حیوان هستیم که تو می‌خواهی ما را به مقام انسانیت برسانی؟!!

سنی: بارها پس از انقلاب این مقام انسانیت و پرداختن به معنویات را مشاهده کرده‌ایم، البته با افزایش تعداد معتادین و مجرمان.

سلفی: چنانچه می‌خواهید فرزند شما از نظر اخلاقی سالم بماند فوراً او را به دیگر کشورهای اسلامی بفرستید و یا هرجایی به غیر از داخل ایران، آن موقع است که فرزندتان فاسد نمی‌شود.^۱

سنی: نمونه آشکار این آزادی که جناب خمینی از آن صحبت می‌کرد در تلویزیون حکومتی ایران مشاهده می‌شود و هرگونه اخباری که به ضرر دولت باشد سانسور می‌شود و اصلاً تلویزیون یک تلویزیون دولتی است نه مردمی و مردم حق داشتن یک شبکه برای خود را ندارند تا مشکلات خود را بیان کنند^۲ و همینطور اهل سنت که یک پنجم جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند نیز چنین حقی را ندارند و هرکس بخواهد اعتراضی بکند از طریق تلویزیون‌های خارجی و ماهواره اینکار را انجام می‌دهد.

سلفی: ای بابا، چقدر ساده هستی جناب سنی، سایت‌های اینترنتی شما در ایران مسدود می‌شوند و اصلاً همین که اجازه نفس کشیدن را به شما می‌دهند باید از ایشان متشکر باشید و شبکه تلویزیونی پیشکش خودشان.

سنی: در این انقلاب مردم حق هرگونه صحبتی را دارند و در همان اوایل انقلاب بود که خبرنگاری با یک خانم مصاحبه کرد و از او پرسید: الگوی شما در زندگی چه کسی است؟ و آن خانم در پاسخ گفته بود: الگوی من اوشین است^۳، همان موقع جنجالی برپا شد چون جناب خمینی از این سخن بسیار خشمگین شده بودند که چرا این زن گفته

۱- درست است که فساد در غرب آشکار است، ولی فسادى که در ایران در خفا صورت می‌گیرد به مراتب بدتر از غرب است، در ضمن فراموش نکنید که این فساد در جمهوری اسلامی و امام زمانی صورت می‌گیرد و آن فساد در غرب بی‌دین و ایمان.

۲- آقای میر حسین موسوی شرط خود برای کاندید شدن در ریاست جمهوری را داشتن یک کانال تلویزیونی اعلام کردند ولی موفق نشدند، یعنی نماینده ۷۵ میلیون نفر نمی‌تواند یک شبکه داشته باشد.

۳- اوشین نام زنی بود که در سریالی ژاپنی ایفای نقش می‌کرد.

الگوی من اوشین است؟ و چرا نگفته فاطمه زهرا الگوی من است؟ (و حکم قتلش هم صادر شد).

رافضی: امام خمینی می فرمود: امروز روزی است که کلمه وحدت برای ما فایده ندارد، عمل وحدت لازم است، من هم می گویم وحدت، اما اگر بنا باشد که من مخالفت کنم با دیگران، یک کلمه ای است، یک ریایی است و بیشتر نیست!^۱

سلفی: ای بابا، بیچاره راست می گوید، برای ایجاد وحدت عمل وحدت انگیز لازم است، تخریب مساجد اهل سنت یکی از این اعمال وحدت انگیز بوده که پس از انقلاب بارها رخ داده است، من هم می گویم وحدت ولی از آنطرف زیارت عاشورا می خوانم و ابوبکر و عمر را لعن می کنم، این که فایده ای ندارد، این یک ریایی است و بیشتر نیست، من هم می گویم وحدت اما با بقیه مسلمین مخالفت می کنم و صحابه را مرتد می دانم، اینکه وحدت نیست، این کلمه ای بیش نیست، عمل کنید، عمل، عمل، عمل....

رافضی: امام خمینی می فرمود: اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه، بر خلاف اسلام و تفرقه اندازی در این موقع از بزرگترین گناهان است!^۲

سلفی: البته فراموش کرده بگوید: اگر سنی باشد این طوری نیست. (تلنگر)

سنی: از نظر این ها لعن ابوبکر و عمر هیچ اهانتی محسوب نمی شود.

رافضی: نخیر، امام ما به وحدت خیلی اهمیت می داد و می فرمود: نماز خواندن پشت سر اهل سنت همچون نماز خواندن پشت سر پیغامبر است.

سلفی: ولی باید دید این نماز جماعت اهل سنت در کدام مسجد قرار است برپا شود تا پشت سر ایشان برویم و ثواب ببریم و لابد چون خمینی می دانسته قرار است مساجد اهل سنت تخریب شوند این سخنان قشنگ را می زده یا مطمئن بوده که اجازه ساخت

۱- تاریخ ۱۳۵۸/۴/۳۱ سخنرانی در جمع اعضای نهضت رادیکال ایران- صحیفه امام ج ۹ ص ۲۰۹.

۲- تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۶۶- خمینی در پاسخ به انحلال حزب جمهوری.

مسجد در تهران، قم، کاشان، اصفهان و شهرهای بزرگ به اهل سنت داده نمی‌شود، بنابراین خیالش کاملاً راحت بوده.

سنی: من نمی‌دانم با وجود این سخنان چرا برخی از روافض در خلال سفر حج نمازهای خود را که پشت سر اهل سنت خوانده‌اند اعاده می‌کنند و البته اینکار را به دستور مرجع تقلیدشان انجام می‌دهند، ما نمی‌دانیم آیا نمازی که همچون نماز با پیامبر است باید اعاده شود؟!^۱

رافضی: امام خمینی می‌فرمود: شمایی که قولتان غیر عملتان است، حرفتان غیر واقعیت تان است، شما مسلم نیستید، شما منافق هستید، شما می‌خواهید مردم را گول بزنید!!^۱

سنی: من باز هم باید کمی بخندم و نمی‌توانم صحبتی بکنم.

سلفی: شمایی که آب، برق و اتوبوس را مجانی نکردید، شمایی که اسلام را برپا نکردید، شمایی که آزادی ندادید، شمایی که تفرقه‌اندازی کردید، شمایی که فساد را بیشتر کردید، شمایی که تورم و گرانی را بیشتر کردید، شما مسلم نیستید، شما منافق هستید، شما می‌خواهید مردم را گول بزنید. (تلنگر)

رافضی: امام خمینی می‌فرمود: در زمان ما هیچ خرابی حاصل نشده، زمان ما همه کوشش برای درست کردن وضع ملت است. درست کردن وضع کشاورزی و سایر کارخانه‌ها و امثال ذلک. شما توقع دارید ما بتوانیم در همین چند ماه یا چند سال برویم به آن حدی که همه مان، ملتمان در رفاه باشد، همه کارها هم درست شده باشد.^۲

سلفی: البته جناب خامنه‌ای نیز پس از گذشت سی سال از این انقلاب باز همین سخنان را می‌گوید که هنوز تا درست شدن وضع ملت وقت لازم است، آری تا ظهور آقا

۱- تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲ سخنرانی در جمع اقشار مردم- صحیفه امام ج ۹ ص ۳۳۶-۳۳۸.

۲- تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲ مصاحبه با اوریانا فالاجی- صحیفه امام ج ۱۰ ص ۹۶-۹۷.

امام زمان وقت دارید که به وضع مردم رسیدگی کنید!! شاید فقط تا چند میلیون سال دیگر!!

سنی: اوایل انقلاب مرتب می‌گفتند خرابی‌های رژیم خائن شاهنشاهی زیاد بوده و ما هنوز در حال برطرف کردن آن دزدیها و خیانت‌ها هستیم، چندین سال بعد هم که حزب اصلاح‌طلب، خاتمی و حزب‌های دیگر مانع کار ایشان می‌شدند، تحریم‌های غرب، آمریکا و انرژی هسته‌ای هم که بازی جدید ایشان شده، پس ما نمی‌دانیم چه موقع می‌توانند به وضع مملکت رسیدگی کنند!!!

رافضی: امام خمینی می‌فرمود: آنان که به ادعای واهی کوس طرفداری از خلق را می‌زنند و با خلق خدا آن می‌کنند که همه می‌دانند در این جنایت عظیم چه توجیهی دارند؟ و با به شهادت رساندن عالمی خدمتگزار و پیرمرد بزرگوار هشتاد ساله چه قدرتی کسب می‌کنند و چه طرفی می‌بندند؟^۱

سلفی: حضرت عیسی علیه السلام فرموده: از کسانی مباش که درخت را در چشم خود نمی‌بینند ولی خار را در چشم دیگری می‌بینند، چرا در همان زمان، کمیته چی‌های شما به سر علامه برقی این پیرمرد هشتاد ساله در حال نماز خواندن، شلیک کردند؟ سنی: لابد می‌خواستند بدینگونه تشابه خود را با ابن ملجم به اثبات برسانند که در حالت نماز اقدام به ترور حضرت علی می‌کند.

سلفی: آری، من بارها گفته‌ام که خوارج زمان ما ایشان هستند و این‌ها خوارج حزب‌اللهی نام دارند، البته از خوارج فعلی که نسبت به گذشته نیز بسیار معتدل شده‌اند، عذرخواهی می‌کنم.

رافضی: امام خمینی در بهشت زهرا با بی‌باکی خاص خودش به طریقه حکومت و جانشینی شاه که به صورت جانشینی پسر به جای پدر است اعتراض می‌کند و گفت این عمل ایشان عقلی نمی‌باشد!!

۱- تاریخ ۱۳۶۱/۷/۲۳ صحیفه امام ج ۱۷ ص ۵۰.

سلفی: واقعاً که این سخنان خیلی خنده‌دار است و از رهبر شیعیان جهان این سخنان بعید است.

رافضی: چطور؟!

سلفی: تنها در مذهب ایشان است که این سخنان می‌تواند عقلی باشد، چون همه می‌دانید که امامت و جانشینی امامان در فرزندان امام حسین که خود فرزند حضرت علی است تحقق می‌یابد. پس چطور این امر در مذهب خودتان عقلی است ولی برای رژیم شاه و پهلوی امری غیر عقلی می‌شود؟ فراموش نکنید در اینجا تنها صحبت در مورد عقلی بودن این مورد است نه چیزی دیگر. شما طبق احادیث می‌گوئید هر آنچه دین حکم کند عقل نیز همان را حکم می‌کند و عقاید مذهب خود را عقلی می‌دانید. پس نمی‌توانید بگوئید امر امامت دستور خدا بوده و ربطی به عقل ندارد. مگر اینکه اعتراف کنید مذهب شما و نصوص آن با عقل سازگاری ندارند. (تلنگر)

سنی: تازه متوجه شده‌اید که عقاید ایشان با عقل سازگاری ندارد؟! البته چون ایشان عقلی ندارند خیلی با این مشکل مواجه نمی‌شوند.

سلفی: در ضمن از خدمات دیگر جناب خمینی تبلیغ بسیار موثر ایشان برای کتاب آیات شیطانی بود که با دادن حکم قتل سلمان رشدی تمامی مردم جهان را با آیات شیطانی آشنا نمود!

سنی: آری، تمامی این حکم‌ها با نقشه قبلی و آگاهانه صادر می‌شود، چون هیچ وقت نشنیده‌اید که خمینی درباره یکی از موحدین یا یکی از علمای اهل سنت سخنی بگوید تا مردم او را بشناسند و بخواهند در موردش تحقیق کنند.

رافضی: شاه باید می‌رفت، چون نوکر آمریکا بود و خونخوار بود، مگر نشنیدی که امام خمینی می‌گفت: این شاه قبرستان‌ها را آباد کرده است!!!

سلفی: البته جناب خمینی قبرستانی را آباد نکرد، فقط هشت سال جنگی براه انداخت که چهار سال آن نیز بخاطر لجاجت خودش ادامه یافت و البته بجای قبرستان، شهدا درست کرد.

رافضی: نخیر شاه بی‌لیاقت بود و به مردم آزادی نمی‌داد و هر اعتراضی را توسط اداره ساواک در نطفه خفه می‌کرد!!
سنی: فکر می‌کنم این اداره ساواک همین اداره اطلاعات فعلی است که فقط نامش عوض شده است!

سلفی: خر همان است، پالانش عوض شده. (تلنگر برای سربازان گمنام)
سنی: همانطور که اسرائیل با قدرتمند شدن و به روی کار آمدنش به همه ثابت کرد که کشته شدن یهودیان بنی‌قریظه به حق بوده و ایشان به محض برتری یافتن، کاری جز قتل عام مسلمین و تجاوز به آن‌ها ندارند، همینطور نیز مراجع رافضی با قدرتمند شدن و گرفتن حکومت، به همه نشان دادند که چه خصوصیتی دارند و البته اثبات این خصوصیات برای ما راحت‌تر شد.

سلفی: فکر کنم به اندازه کافی از بیانات مقام معظم رهبری فیض بردیم و دیگر بهتر است برویم سراغ موارد دیگر.

سنی: من هم موافقم، بیان بقیه خدمات و سخنان ارزنده جناب خمینی باشد برای بعد، لطفاً بگوئید شما چه کتابی را بیشتر از هر کتاب دیگری دوست دارید؟
سلفی: قرآن.

سنی: من هم قرآن.

رافضی: من مفاتیح الجنان و منتهی‌الآمال را خیلی دوست دارم.

سنی: چرا این دو را؟!!

سلفی: چون نهایت جنون ایشان در مفاتیح‌الجنون است و منتهای آمال ایشان در منتهی‌الآمال است.

سلفی: رابطه شما با کدامیک از کشورهای جهان بهتر است؟

رافضی: روسیه، چین، کره، کوبا.

سنی: ای بابا، خودت را راحت کن و بگو با کشورهای کمونیست و بی‌دین.

سلفی: و با کدامیک از کشورها بیشتر دشمن هستید؟

رافضی: با عربستان، اردن، مصر و کشورهای عربی (البته به جز عرب‌هایی چون

حزب الله لبنان و روافض در عربستان و بحرین و یمن و در یک کلام با عرب

سنی دشمن هستند نه با عرب رافضی)

سنی: ای بابا، خودت را راحت کن و بگو با کشورهای مسلمان. (تلنگر)

سلفی: چرا با این‌ها دشمن هستید؟

رافضی: چون روی قبور را گنبد و بارگاه نمی‌سازند و ابوبکر و عمر را دوست دارند

و در واقع وهابی هستند، ولی چین و روسیه که با قبور کاری ندارند، همینطور با ابوبکر و

عمر، همینطور با فدک!!

سلفی: آری، حواسم نبود که مشکل تزئین قبور از بزرگترین مشکلات شماست!!

رافضی: سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست!!^۱

سلفی: نخیر، دیانت شما نردبانی است برای سیاست شما.

سنی: در حکومت روافض حتی شهادت نیز سیاسی شده و مثلاً دکتر شریعتی یا دکتر

فاطمی مرحومند و بعضاً منفور، ولی آقای مصطفی خمینی که مانند آن‌ها به طرز

مشکوک رحلت کرد، شهید است!!

سلفی: اگر یک نفر روحانی مقامی را اشغال کند حزب اللهیان خوشحال می‌شوند که

دین از سیاست جدا نشد و ملاک دین برای این‌ها لباس روحانیت است و اگر یک نفر

۱- این جمله شعار اصلی نظام ولایت مطلقه فقیه و جمهوری به اصطلاح اسلامی ایران است و پس از انقلاب نیز آن را روی اسکناس‌های ده تومانی چاپ کردند.

کت و شلواری مقامی بگیرد و افسوس و واویلا بر می آورند که دین از سیاست جدا شد. حتی در مورد حضرت عمر می گویند: او معتقد به جدایی دین از سیاست بوده و یا جنبه سیاسی حکومت در نزد او بر جنبه مذهبی آن غلبه داشته، چرا؟ چون از نظر ژنتیکی رابطه خویشاوندی با پیامبر اکرم نداشته است!!! (چند سال دیگر می گویند چون لباس روحانیت پوشیده بود) پس برای همین معتقد به جدایی دین از سیاست بوده است!!!

رافضی: سوالی از جناب سنی دارم.

سنی: بفرمائید.

رافضی: این چه حدیثی است که شما دارید که پیامبر ﷺ همراه ابوبکر و عمر و عثمان روی کوه بودند و کوه شروع کرد به لرزیدن و پیامبر ﷺ فرمود: ای کوه، نلرز که بر تو نبی، صدیق و دو شهید است. ما رافضی ها می گوییم که مگر کوه هم می لرزد؟ و مگر آن کوه روی خط زلزله بوده است؟!

سلفی: جناب سنی بگذارید من جوابش را بدهم.

سنی: خواهش می کنم.

سلفی: چطور شد دیوار کعبه برای تولد کودکی (حضرت علی) از هم شکافته می شود و دوباره نیز بسته می شود و پس از سه روز دوباره باز می شود! ولی کوه نباید زیر پای پیامبر اسلام کمی بلرزد؟ (تلنگر)

سنی: این ها خودشان مسخره ترین احادیث را دارند، ولی به هنگام مواجه شدن با احادیث دیگران از سخت گیرترین افراد می شوند.

سلفی: مثلاً جناب کلینی امام باقر را متهم می کند که او بدون لباس و برهنه به حمام می رفت و صابون را بر جسمش می مالید و مردم عورت او را می دیدند!! (الفروع/ج ۶/ص ۵۰۳-۵۹۷).

سنی: عجب!!!

سلفی: جناب شیخ صدوق نیز در «من لایحضره الفقیه» جلد ۱ صفحه ۵۴۲ و ۵۴۳ از قول امام صادق علیه السلام آورده که: همانا خدای تبارک و تعالی زمین را آفرید و به فرمان وی آن ماهی بزرگ (یعنی نهنگ) زمین را حمل کرد. پس نهنگ پیش خود گفت که من زمین را به نیروی خویشتن حمل کردم!! آنگاه خداوند عزوجل ماهی کوچکی را به اندازه فاصله شست و سیابه بسویش فرستاد که در بینی وی داخل شد، پس از چهل روز آن نهنگ سرگشته و پریشان بود و هرگاه که خدای عزوجل بخواهد در سرزمینی زلزله‌ای پدید آورد آن ماهی کوچک بر نهنگ نمایان می‌شود و نهنگ از ترس وی (می‌لرزد و) زمین را می‌لرزاند!^۱

سنی: به زمین شناسان توصیه می‌کنم که هر چه زودتر این نهنگ را پیدا کنند و با کمک ماهیگیران جلوی ترسیدن وی را بگیرند تا بیش از این زلزله رخ ندهد!

سلفی: شما روافض تا چه اندازه پیرو مراجع دینی خود هستید؟

رافضی: ما مطیع چشم و گوش بسته نائبان امام زمان هستیم، چونکه امام زمان بصورت تکوینی بر مرجع شدن ایشان نظارت داشته و همیشه ایشان را از خطر گمراهی حفظ می‌کند بنابراین هرچه مراجع تقلید بگویند ما انجام می‌دهیم.

سنی: آری، هر چه گفتند انجام دهید، مثلاً چنانچه مراجع تقلید روز عید فطر را تا یکماه پس از رمضان هم اعلام نکردند، تمامی شما همینطور روزه بگیرید یا چنانچه در وسط روز بگویند شب شده، همه شما به رختخواب بروید و بخوابید!!

رافضی: بله، همین کارها را می‌کنیم، چون ممکن است در این امور مصلحتی باشد که ما از آن‌ها بی‌خبریم و تنها امام زمان به آن‌ها آگاهی داشته و برای همین به مراجع ما گفته است و آن‌ها نیز به ما گفته‌اند و چون سخن معصوم ما یَنطِقُ عَنِ الْهَوَى می‌باشد پس باید فوراً اجرا شود.

۱- ضمن شبیه به همین روایت را جناب کلینی نیز نقل می‌کند (الروضه من الکافی جلد ۲ صفحه ۶۷ و

سلفی: بله، فوراً اجرا کنید، حتی اگر دستور تخریب مساجد اهل سنت باشد.
 رافضی: آخوندهای ما بیشتر برای رفتن به کربلا تبلیغ می کنند و خیلی دوست ندارند
 مردم به مکه و مدینه بروند و اگر هم به آنجا بروند به مردم می گویند با این سنی ها
 صحبت نکنید و کتابی نیز از ایشان نگیرید!!

سنی: چه شباهت جالبی، من به یاد ابوجهل افتادم که به مردم می گفت: به سخنان
 محمد گوش نکنید. (تلنگر برای شیفتگان آخوندها)

رافضی: ما در مورد مراجع خود تحقیق می کنیم.

سلفی: جدی می گویی؟ شما تحقیق هم دارید؟ چه تحقیقی دارید؟!

رافضی: تحقیق می کنیم تا بفهمیم کدامیک از ایشان دارای رساله ای آسان تر و راحت تر

هستند؟ و ما مقلد همان مرجع می شویم تا در امور دینی سختی نبینیم!!

سلفی: آهان، حالا منظورتان را از تحقیق فهمیدم!!

رافضی: مثلاً من مرجعی را می شناسم که سیگار کشیدن در ماه رمضان را جایز می داند
 و روزه را با کشیدن سیگار باطل نمی داند!! اینجور مراجع هستند که مورد نظر ما
 می باشند!!

سلفی: خوب است کمی بیشتر تحقیق کنی تا بفهمی آیا مرجعی هم وجود دارد که

غذا خوردن در رمضان را نیز جایز بداند!!!

سنی: شاید هم باشد و بستگی به مرجع مورد نظر دارد، شاید تا چند لقمه را جایز

بداند!!!

سلفی: چرا مراجع تقلید شما سینه زنی مردان برهنه در مقابل زنان را جایز می دانند،

ولی از آنطرف به برهنه بودن مردان ورزشکار در تلویزیون ایراد می گیرند؟!!

رافضی: آن برهنگی با این برهنگی تفاوت دارد!! برهنگی در مقابل زنان چون بخاطر

امام حسین صورت گرفته، بلا اشکال است!!!

سنی: شرابخواری و انجام گناهان کبیره چطور؟! آن‌ها را هم می‌توان انجام داد و بعد از امام حسین طلب شفاعت کرد؟!!!

سلفی: معلوم است که می‌شود، تو فقط ولایت داشته باش و سپس هرکاری خواستی بکن!!!

رافضی: مراجع ما کرامات فراوانی دارند که حقانیت مذهب ما را ثابت می‌کند، مثلاً آیت ا... بهجت چهره برزخی افراد را می‌بیند و برای همین خیلی به چهره افراد خیره نمی‌شود و همیشه سر به زیر است!!

سلفی: پس قربانت شوم لطفاً مراقب باش که جناب بهجت خیلی چهره خمینی یا خامنه‌ای یا مراجع تقلید را نبیند، چون ممکن است از ترس بیهوش شود.

سنی: اصلاً اگر در آینه هم نگاه کند ممکن است این اتفاق بیفتد، چون ممکن است چهره برزخی خودش را ببیند.

رافضی: ما از مراجع خود تبرک می‌جوئیم و دست آن‌ها را بوس می‌کنیم و به لباس ایشان دست می‌مالیم.

سلفی: خوب است به این مراجع یک تکه پارچه گره بزیند تا حاجت شما برآورده شود.

سنی: بله، خیلی خوب می‌شود، یک تکه پارچه به قسمت گردن ایشان گره بزیند و کمی هم فشار دهید تا بلکه فرجی حاصل شود.

سلفی: اصلاً این‌ها در قسمت گردن یک تکه پارچه آماده دارند که اسمش چفیه است و به گردن آقا آویزان است و چون به گردن آقا بوده، بنابراین متبرک است و تنها آرزوی یک مقلد بسیجی، داشتن این چفیه است. (تلنگر برای گوسفندان)

سنی: خوب است یک پنجره فولادی هم روی آقا نصب کنیم تا نذورات خود را درون آن بریزیم!!

رافضی: شما کرامات مراجع ما را دست کم گرفته‌اید، مگر ندیدی که چند میلیون نفر مردم تهران و نقاط دیگر، عکس ملکوتی آقا امام خمینی را در ماه دیدند و البته این عین تواتر است، همچون بسیاری دیگر از روایات متواتر و صحیح و معتبر و مستند ما.

سنی: ماه که همیشه به همین شکل بوده و عکسی در آن نیست.

رافضی: چون تو ولایت نداری بنابراین چشم بصیرت هم نداری، این چیزها چشم بصیرت می‌خواهد عزیز من!!

سلفی: چشم بصیرت نمی‌خواهد، تنها کمی حماقت و مغز پوک می‌خواهد که خوشبختانه به وفور یافت می‌شود.

سنی: عده‌ای به مسئله تقلید و داشتن رساله و مرجع تقلید، بسیار معتقدند و حتی در چگونه آب خوردن و یا چگونه به دستشویی رفتن و ادرار کردن و یا چگونگی روابط زناشویی، بر طبق نظرات مراجع تقلیدشان عمل می‌کنند تا مطمئن باشند که گمراه نمی‌شوند!!! بنابراین نظر من این است که وقتی یکی از این افراد می‌میرد به همراهش یک مرجع تقلید یا حداقل یک آخوند دفن کنیم تا در برزخ به دنبال او باشد و کمکش کند، چون مسائل در آنجا نیز بسیار مهم هستند و ممکن است این فرد بیچاره در آن جهان به هنگام پاسخگویی و به کار گرفتن عقل خود، دچار مشکل شود و بنابراین حتماً به یک روحانی نیاز دارد تا او را همراهی و کمک نماید!!!

سلفی: در ضمن با نبودن آخوندها در این جهان، مشکلات مردم نیز خود به خود حل خواهد شد.

رافضی: هر مریضی که به کربلا، نجف یا مشهد برود شفا می‌گیرد.

سلفی: پس چرا دائم مشاهده می‌شود که هرکس از این سفرها برمی‌گردد مریض شده‌است و نوعی ویروس با خود به ارمغان آورده‌است.

سنی: علتش بوسیدن ضریح امامان است که هر کس از راه می‌رسد دهان خود را به این پنجره‌های متبرک می‌گذارد و چنانچه ناقل ویروسی باشد آن ویروس را به بقیه هدیه

می‌کند تا بقیه نیز ببرند و همه را از این فیض بهره‌مند کنند.

سلفی: بسیاری نیز در رفتن به این زیارتها در جاده‌ها تصادف می‌کنند و می‌میرند.

رافضی: بله، چون این سرنوشت ایشان بوده است!!

سنی: آری، سرنوشت ایشان این بوده که بروند زیر چرخ‌های اتمبیل!!

رافضی: این‌ها شهید هستند، چون در راه کربلا و مشهد مرده‌اند و حشر ایشان بدون

شک با اهل بیت خواهد بود!!

سلفی: البته من فکر می‌کنم که علمای شما به احتمال بسیار قوی با جناب مجلسی و

کلینی محشور می‌شوند(ان شاء الله).

رافضی: رفتن به زیارت توفیق می‌خواهد و نصیب هر کسی نمی‌شود و باید امامان ما

را بطلبند، هر کسی را که امامان بطلبند به مشهد یا کربلا خواهد رفت.

سلفی: ما یک همسایه بسیار پولدار و ثروتمند داشتیم که هر سال به مشهد و کربلا

می‌رفت، فکر می‌کنم امامان خیلی به این شخص علاقه‌مند شده‌اند که هر سال او را

می‌طلبند!!(تلنگر برای خرافیون)

سنی: لطفاً باز هم از کرامات خودتان بگو تا شاید حق بودن شما ثابت گردد.

رافضی: از کرامات دیگر ما این است که چنانچه کسی را که ولایت دارد نزد درنده‌ای

بیندازی، آن درنده به او آسیبی نمی‌رساند چون حیوانات وحشی به امر امام زمان و امامان

قبله و بصورت تکوینی به پیروان ائمه ارادت خاصی دارند و البته این در احادیث و

روایات ما نیز موجود است و ضامن آهو بودن امام رضا تنها یکی از این روایات است که

نشان می‌دهد حیوانات به امر معصومین هستند.

سنی: اگر اینطور است لطفی بکن و جناب ولی فقیه و مراجع تقلید خودتان را جلوی

این درندگان بینداز تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد!!؟

سلفی: یا برای پایان بخشیدن به این مناظره، خود جناب رافضی داخل قفس یکی از

این حیوانات وحشی بروند.

رافضی: نخیر، نمی‌شود!!

سلفی: چرا نمی‌شود؟

رافضی: ممکن است آن درنده از نواصب یا وهابیون باشد یا سنی باشد و ولایت نداشته باشد و به من یا به آقا آسیب برساند!! و لازم است بدانید حتی آب‌هایی که ولایت علی را قبول کرده‌اند شیرین شده‌اند و آب‌هایی که قبول نکرده‌اند شور شده‌اند!!

سلفی: لابد باتلاقها و مردابها هم سنی هستند؟!

سنی: اصلاً حیوانات هم سنی و غیر سنی دارند!!

رافضی: مگر نمی‌دانی جناب آقای دانشمند^۱ که از آخوندهای طرفدار است چه می‌گفت؟

سنی: نه، چه می‌گفت؟

رافضی: جناب دانشمند می‌گفت: ما چند نوع گرگ داریم، گرگ اول، دوم و سوم و سپس به شرح آن‌ها پرداخت و گفت: که یکی از این گرگها بهائیان هستند و همچنین گرگ سنی و غیره...

سنی: پس لابد پرندگان زیبا، دلفین‌ها و حیوانات اهلی، مذهب رافضی دارند؟!!

سلفی: گفתי حیوانات اهلی، اتفاقاً من هم فکر می‌کنم روافض جزء حیوانات اهلی باشند، همچون گوسفند^۲ یا بهتر بگویم همچون الاغ و مگر در کتاب اصول کافی نخوانده‌ای که الاغی به نام عفیر با پیغمبر سخن گفته^۳ و حتماً آن الاغ رافضی بوده و گرنه جناب کلینی در کتاب خود نامی از او نمی‌برد.

۱- جناب دانشمند که فردی بی‌دانش است و آخوندی بسیار متعصب و گمراه است بر بالای منبر خود این سخنان را می‌گفت و البته از این نمونه سخنان زیاد دارد و در واقع آخوندی سنی‌ستیز و تفرقه‌جو و یک روحانی صفوی به تمام معناست.

۲- براستی که اطاعت کورکورانه از مراجع تقلید چیزی جز گوسفند صفتی است؟ چنانچه مراجع بگویند هم اکنون امام زمان ته چاه جمکران نشسته، همه مردم به ته چاه هجوم می‌برند تا مهدی را ببینند.

۳- در کتاب الاصول من الکافی ج ۱ ص ۲۳۷

سنی: می‌گویند کلاغها سیصد سال عمر دارند و بنابراین بسیاری از کلاغهای زمان ما، دوران صفویه را درک کرده‌اند و نظر من این است که تحقیق کنیم تا بفهمیم کدامیک از این کلاغها روی سر علامه مجلسی خرابکاری کرده است؟! تا به او مدال افتخار بدهیم.

سلفی: البته چندی پیش نیز یک سگ به داخل حرم امام رضا رفته بود و گریه می‌کرد و فیلم آن همه جا پخش شد!!

رافضی: یکی از دلایل حقانیت ما احادیثی است که در کتب خود سنیان است و به نفع ما می‌باشند!!

سلفی: توی کتب شما که هیچگونه حدیثی به نفع سنیان نیست؟ حدیث وجود ۱۳ امام، تحریف قرآن، منع قبر سازی و غیره... (تلنگر)

سنی: همچنین احادیثی در مدح ابوبکر و عمر در کتب ایشان موجود است.

رافضی: نخیر، امامان ما تقیه می‌کرده‌اند. بسیاری از احادیث را هم باید تاویل و تفسیر کرد!!

سلفی: آیات قرآن را که تاویل و تفسیر (یا همان توجیه) می‌کنید، لااقل دست از سر احادیث بردارید.

سنی: نمی‌شود دست بردارند، چون هیچ چیز در مذهب ایشان بدون تاویل و بدون روایت جعلی و بدون استناد به روایات تاریخی قابل اثبات نیست.

سلفی: عجیب است که حتی یکی از آیات مورد نظر ایشان با آیات قبل و بعدش قابل توضیح نیست!!

رافضی: خلفاء آیات را جابه جا کرده‌اند! و اصلاً این موضوع را رها کنید، برویم سراغ بانوی اول اسلام و من می‌خواهم بدانم از نظر شما بانوی اول اسلام چه کسی است؟

سلفی: حضرت مریم که بهترین زن در تمام جهانیان است و البته پس از بعثت پیامبر ﷺ می‌توان گفت: حضرت خدیجه و سمیه بانوی اول اسلام هستند.

رافضی: نخیر، فقط حضرت فاطمه زهرا، اصلاً پنج تن آل عبا به خاطر ایشان و حتی تمام جهان بخاطر وجود او آفریده شده است و چنانچه او نبود نه اسلامی بود نه هیچ چیز دیگری!!!

سلفی: حضرت خدیجه خدمات بسیار زیادی به اسلام نموده، می شود لطفاً شما خدمات حضرت فاطمه را بگوئید تا ببینیم چگونه مقام حضرت خدیجه کمتر از اوست؟
رافضی: فاطمه مادر حسن و حسین بوده، درب چوبی با میخ به پهلو فاطمه خورده!! عمر درب منزل را آتش زده!! ابوبکر فدک را از فاطمه گرفته!! عمر به گوش فاطمه سیلی زده!! فاطمه جواب سلام عمر و ابوبکر را نمی داده!! فاطمه مخفیانه دفن شده و نمی خواسته عمر و ابوبکر بر سر جنازه او بیایند!! فاطمه از عمر و ابوبکر متنفر بوده!! فاطمه با عمر و ابوبکر قهر کرده!! عمر و ابوبکر، عمر و ابوبکر....!!!

سلفی: این ها را که صد دفعه گفته ای، یک چیز دیگر بگو، آیا شما چیز دیگری از حضرت فاطمه نمی دانید؟!!

رافضی: نخیر، این ها که گفتم یعنی همه شخصیت و زندگانی حضرت فاطمه!!
سنی: آری، همین قدر معلومات ناب و دقیق و مستند برای ایجاد تفرقه میان مسلمین کافی است، دیگر چه می خواهید؟!!
رافضی: قهر کردن حضرت فاطمه با ابوبکر یکی از نشانه های خلافت بلافصل حضرت علی از جانب خداست!!

سلفی: اصلاً هر چیزی نشانه خلافت حضرت علی است!! و اصلاً فراموش کردید سیصد آیه قرآن که در حق حضرت علی نازل شده است را بگویید^۱.

۱- شیخ شرف الدین در کتاب المراجعات، نامه دوازدهم این ادعا را می کند و همچنین از قول ابن عباس می گوید: درباره علی ۳۰۰ آیه قرآن نازل شده است و در ادامه نیز آورده که و دیگری می گوید: ربع قرآن در باره اهل بیت است.

رافضی: حتی الان یادم آمد که آخوند سر محله دیشب از قول علمای رافضی می‌گفت: هر آیه‌ای که اول آن با «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع شده مصداق اتم و اکمل آن حضرت علی است!!

سلفی: دوست عزیز از شما عاجزانه تقاضا می‌کنم هر گاه آخوند محله افاضه فیض فرمودند کمی به مغز خودتان تلنگر بزنید، من حالا کمی به شما کمک می‌کنم. اگر زیارت‌خوانی و مفاتیح‌خوانی به شما اجازه داده باشد و قرآن خوانده باشی متوجه می‌شوی بسیاری از آیاتی که با «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع شده سرشار از تویخ است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدایتان را جلوی پیامبر بلند نکنید . . . ربا نخورید . . . در حالت مستی به نماز نزدیک نشوید . . . چرا می‌گویید آنچه را که به آن عمل نمی‌کنید...

سنی: اصلاً می‌بایست از هر چیزی برای اثبات خلافت حضرت علی استفاده کرد!!
سلفی: ما نمی‌دانیم قهر کردن حضرت فاطمه (به فرض صحت) چه ربطی به خلافت بلافصل و من عندالله حضرت علی دارد؟! شما این امامت را از مهمترین اصول مذهب خود می‌دانید و باید آن را از کتاب و سنت اثبات کنید نه از دعوای فلان با فلان و قهر کردن یک نفر با یک نفر دیگر، این چیزها که اصول مهم را ثابت نمی‌کنند. (تلنگر)
رافضی: نخیر، نزد ما امامت حضرت علی از همین قصه‌ها ثابت می‌شود نه از قرآن و سنت.

سلفی: به نظر شما صحابی چه کسی است؟ و چه خصوصیتی دارد؟
رافضی: صحابه یعنی بدترین موجود روی زمین^۱، صحابه یعنی مرتد و غاصب خلافت حضرت علی، صحابه یعنی سقیفه بنی ساعده، صحابه یعنی هجوم به خانه فاطمه، صحابه یعنی دشمن اهل بیت، صحابه یعنی منافق، صحابه یعنی فرار از جنگ احد،

۱- البته این نظر شیعیان احمق و خوارج حزب‌اللهی است و شیعیان واقعی از چنین عقاید سخیفی به دورند.

صحابه یعنی نقشه برای قتل پیامبر، صحابه یعنی بیعت شکن روز غدیر، صحابه یعنی کینه توزی نسبت به علی، صحابه یعنی کسانی که باید لعن شوند!!

سلفی: بله کافی است، خیر بینی، دیگر معنای صحابه را فهمیدیم!! پس این همه آیات متعدد در قرآن که در مدح مهاجرین و انصار آمده برای چه کسانی است؟! لابد فقط برای علی، ابوذر، سلمان و تعدادی اندک و انگشت شمار نازل شده؟! سنی: تازه سلمان و ابوذر هم جزء مهاجرین و انصار نیستند.

رافضی: این آیات را باید تفسیر و تاویل کرد، همه آنها در مورد علی و اهل بیت هستند!!!

سلفی: لطفا پیرامون مسئله اجماع کمی توضیح دهید.

رافضی: در اجماع علمای ما، امام زمان بصورت تکوینی حضور پیدا می کند و بنابراین اجماعی صحیح می شود، چون اجماعی از نظر ما صحیح است که معصوم در آن حضور داشته باشد و چنانچه معصومی همچون امام زمان به یک طرف برود و تمامی مردم جهان به طرفی دیگر بروند، آنگاه حق با امام زمان است و البته در آنجا دیگر نمی توان کلمه اجماع را بکار برد، بلکه بهتر است چیزی دیگر بگوئیم!!

سنی: شما هم با اجماع مسلمین مشکل دارید و هم با اجماع خودتان و اصلا با اجماع مشکل دارید و بیشتر به دنبال تفرقه و جدایی هستید تا اتحاد و اجماع و یکپارچگی.

سلفی: یکی از راه های ایجاد وحدت، فراموشی کینه ها و حوادث گذشته است و گذشتگان هر کاری کرده اند برای خودشان بوده و اعمال آنها ربطی به ما ندارد و ما بخاطر آنها بازخواست نمی شویم.

رافضی: نخیر، باید مشخص شود مقصر اصلی در به انحراف رفتن اسلام چه کسانی بوده اند؟! و مهمترین کار ما نیز پرداختن به کار گذشتگان است!! ما باید از صبح تا شام به لعن این افراد پردازیم تا اسلام نجات پیدا کند!! زود باشید هرچه زودتر بروید به سراغ روایات و قصه های بحار الانوار تا ببینیم خطاکار اصلی کیست?!!!

سلفی: منظورتان از انحراف چیست؟ حتماً غضب خلافت الهی حضرت علی؟!
 رافضی: بله، دقیقاً منظورم همین است!! خوب فهمیدی!!
 سنی: به نظر شما مقصر واقعی به انحطاط رفتن مسلمین چه کسی است؟
 رافضی: خوب معلوم است، کسی نیست جز ابوبکر و عمر و مخصوصاً عمر!!!
 سنی: اصلاً تمامی انحرافات و فساد از ابتدای خلقت آدم تا روز قیامت زیر سر عمر است!! اصلاً این عمر بوده که قابیل را فریب داد تا هابیل را بکشد و این عمر بوده که شیطان را فریب داد تا به آدم سجده نکند!!
 رافضی: تمامی این‌ها که می‌گویی احتمال دارد اتفاق افتاده باشد و برای تحقیق در این مورد باید به کتب معتبری چون بحارالانوار و کافی مراجعه کنیم!!
 سلفی: آری، حق الیقین، سلیم بن قیس هلالی، منتهی الامال را هم فراموش نکنید!!
 رافضی: برای اینکه متوجه مهم بودن خلافت و جانشینی حضرت علی بشوید مثالی را برایتان می‌زنم.
 سنی و سلفی: بله، لطفاً ما را روشن و آگاه کن.
 رافضی: روزی یکی از روحانیون ما بر بالای منبر داستان بسیار جالبی تعریف کرد از این قرار که: من در ایران در داخل مغازه‌ای نشسته بودم و ناگهان دیدم که صاحب دکان می‌خواهد از مغازه خود بیرون برود و به همین خاطر یک نفر از دوستانش را برای مراقبت از دکان بجای خود می‌گذارد و سپس دکان را ترک می‌کند، این حادثه در ذهن من ایجاد جرقه‌ای کرد و با خود گفتم، یک دکاندار ساده، مغازه خود را بدون جانشین نمی‌گذارد، آنوقت آیا ممکن است پیامبر اسلام امت خود را بدون سرپرست و جانشین رها کند و برود؟ آنجا بود که به حقانیت مذهب رافضی پی بردم و سرسخت‌تر از همیشه به راه خودم ادامه دادم و همچنان علیه وهابیت مبارزه می‌کنم تا جانشینی و خلافت بلافصل حضرت علی را ثابت کنم!!

سلفی: آفرین بر تو، الحق که مثال جالبی زدی و من هم با تو موافقم و همین مثال تو دلیل محکمی بر نبودن جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است.

رافضی: چطور؟

سلفی: آری، شما چنانچه در ایران مغازه داشته باشید به علت وجود تعداد زیادی دزد در جامعه، مجبور هستید برای خود علاوه بر یک جانشین بلکه چندین جانشین و یا حتی پلیس بگذارید تا مبادا دکان شما مورد دزدی واقع شود، که نهایتاً هم می شود! ولی چنانچه در عربستان باشید به هنگام اذان، مغازه خود را رها می کنید و به مسجد می روید و کسی هم به اجناس شما کاری ندارد و نیازی به گذاشتن جانشین ندارید، همچون زمان پیامبر صلی الله علیه و آله که اصحاب وفادار حضرت وجود داشته اند و با اتحاد خود جلوی دشمنان را می گرفته اند و روی پای خویش می ایستاده اند و برای خود رهبری انتخاب می کرده اند و البته همه اینها نتیجه بیست و سه سال تعلیم و تربیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده است که چنین شاگردانی را بوجود آورده است. (تلنگر)

سنی: البته من فکر می کنم آن مغازه دار بیشتر از ترس خود آن آخوند بوده که مغازه را بدون جانشین نگذاشته است!!

رافضی: باید علیه شما وهابیون شعری بگویم تا بلکه براه آئید:

آنچه خداوند جهان طالب است حب علی بن ابی طالب است

سلفی:

آنچه خداوند جهان طالب است مکتب بی حجت و بی نایب است

رافضی: بهتر است از خدمات دیگر پیروان مذهب ما صحبت کنیم، مثلاً از جناب شاه

عباس که خدمات زیادی را انجام داده اند!! و ما خیلی او را دوست داریم!!

سنی: آری، یکی از خدمات بسیار ارزنده ایشان لشکرکشی به هرات و کشتار اهل

سنت آنجا بوده و همینطور ساختن گنبد طلا برای امام رضا.

سلفی: البته گنبدی طلا با اموال غارتی و غصبی مردم بیچاره هرات تا روافض به زیر این گنبد غصبی بروند و زیارت جعلی بخوانند تا امام رضا در سه جای قیامت به کمکشان بیاید و آنها را یک راست روانه بهشت کند، تا کور شود هر آنکه نتواند دید!!

سنی: شما در روایات خود اشاره به جزیره‌ای دارید بنام جزیره خضرا که امام زمان آنجاست، ولی اکنون می‌دانیم چنین جزیره‌ای روی کره زمین وجود ندارد، لطفاً توضیح دهید.

رافضی: این روایت، جزء روایات ضعیف است و چون ثابت شده چنین جزیره‌ای وجود ندارد بنابراین ما نیز مجبور شده‌ایم در مناظرات خود این روایت را مردود اعلام کنیم.

سلفی: بحث بر سر مردود بودن این روایت نیست بلکه مسئله مهم اینجاست که عده‌ای از علمای شما در گذشته، که شما معتقدید با امام زمان در ارتباط بوده‌اند در مورد این جزیره سخنانی گفته‌اند، (همچون مقدس اردبیلی) سوال ما این است که وقتی این علما در مورد جزیره‌ای ساختگی سخن گفته‌اند پس آیا همان دیدن مهدی نیز توسط ایشان دروغ نمی‌باشد؟! (تلنگر) و چطور این علما از امام زمان در مورد این جزیره سوالی نکرده‌اند?!!

رافضی: من نمی‌دانم، باید از خود جناب مقدس اردبیلی پرسیم!!!

سنی: عجب مذهبی دارید، دروغ اندر دروغ.

سلفی: اشکال شما روافض در اینجاست که بطور کامل، پیرو سخنان مراجع خود هستید و برای مثال یک روز آخوندی بر بالای منبر شروع به مصیبت‌خوانی برای امام حسین می‌کند و برای اینکه به میزان حماقت مردم پی ببرد در خلال گریه و زاری خود ناگهان می‌گوید: قربان حسین بشوم که وقتی شترش روی یخها لغزید، او بر زمین افتاد و تا زانویش درون برف فرو رفت و پاهایش یخ زد و همه مردم هم گریه‌کنان می‌گفتند: قربان پاهای یخ زده حسین بشویم!!!

سنی: شاید هم آن آخوند قصد بدی نداشته و شاید طبق روایتی از کتاب بحارالانوار مجلسی متوجه بارش برف در صحرای کربلا شده است!!

سلفی: بله، شاید، اصولاً هرچیزی در این مذهب امکان پذیر است، از رفتن عکس مراجع در ماه گرفته تا رفتن امام زمان به ته چاه و غیره

سنی: جناب رافضی، آیا می دانی که دو دختر از دختران پیامبر ﷺ همسران حضرت عثمان بوده اند؟ منظورم ام کلثوم و رقیه هستند.

رافضی: عثمان دختران پیامبر را کتک می زده و باعث مرگ ایشان می شده!!!

سنی: مگر پیامبر ﷺ نفرموده که انسان مومن و عاقل از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود؟ پس چرا وقتی دختر اولش توسط عثمان کشته شده باز هم دختر دیگرش را به او داده است؟!!! (تلنگر)

رافضی: نمی دانم، شاید مصلحتی بوده، یا تقیه، یا خدعه!!!

سنی: این پنجره فولادی در حرم امام رضا دیگر چه صیغه ایست؟! پر از گره های گوناگون است!!

سلفی: جالب است شخصی دیگر باید بیاید و گره ای که شما زده اید باز کند تا مشکل شما حل شود و بعضی اوقات، گره های را مشاهده می کنید که به هیچ عنوان قابل باز شدن نیستند و صاحب آن گره چنان گره ای زده که تا ابد هم مشکلش حل نمی شود و لابد نمی خواسته مشکلش حل شود و گرنه گره کوری نمی زد!!!

رافضی: برای اثبات خلافت حضرت علی موارد بسیار در تاریخ ثبت شده از جمله اینکه ابوبکر و عمر و طرفدارانشان پس از رحلت نبی اکرم ﷺ در مدینه خفقان شدیدی ایجاد کردند تا کسی جرات مخالفت با ایشان را نداشته باشد!!!

سلفی: واقعاً که عجب خفقانی بوده که زنها (خطبه جعلی فدکیه) داخل مسجد می رفته اند و علیه خلیفه وقت خطبه می خوانده اند (تلنگر)

سنی: بله، به راستی عجب خفقانی بوده که حضرت فاطمه به درب منازل انصار می‌رفته تا از ایشان برای خلافت حضرت علی بیعت بگیرد. (تلنگر)

سلفی: و عجب خفقانی بوده که کودکی ۱۰ ساله (امام حسن) به ابوبکر می‌گفته از منبر جدم پائین بیا^(۱). (تلنگر)

سنی: عجب خفقانی بوده که یک عرب ساده علیه خلیفه (عمر بن خطاب) اعتراض می‌کرده که چرا سهم پارچه و لباس تو بیشتر از ماست؟ و خلیفه هم برای اثبات بی‌گناهی خود مجبور می‌شده پسرش را احضار کند. (تلنگر)

سلفی: فراموش نکنید در حکومت فعلی نظام مطلقه فقیه هیچگونه خفقانی وجود ندارد! و هرکس هرچه بخواهد می‌گوید!! و هرگونه مخالفتی علیه دولت صورت بگیرد وزارت محترم و نجیب اطلاعات هیچگونه حرکتی انجام نمی‌دهد و کاملاً با روشی دوستانه و انسانی با این مخالفین برخورد می‌کند!! و اصلاً در ایران چیزی به نام زندان سیاسی وجود ندارد!! و هیچگاه روزنامه‌ها بسته و تعطیل نمی‌شوند!! و هرچه خواستند انتشار می‌دهند و تلویزیون نیز کاملاً در اختیار مردم است نه در اختیار دولت و مردم هرگونه اعتراضی داشتند براحتی پشت دوربین می‌آیند و آن را به رهبر خود اعلام می‌کنند تا در اسرع وقت به مشکلشان رسیدگی شود!!

سنی: فکر می‌کنم امام زمان ایشان نیز به هنگام ظهور خود به همین صورت دمکراسی را پیاده می‌کند چون در روایاتی که از او می‌خوانیم می‌بینیم که کاری جز کشتن ندارد و

۱- مولف محترم این روایات را از باب استدلال از دلایل جانب مقابل ذکر کرده‌است که در مناظره همچون استدلالاتی خیلی ضروری است. و این روایات را روافض جعل کرده‌اند تا حقانیت مذهب دروغین خود را به اثبات برسانند و الا مقام حضرت فاطمه علیها السلام بالاتر از این است که به درب خانه‌های انصار برود و برای شوهرش علی علیه السلام خلافت بطلبد... و همچنان از منزلت و مقام حضرت حسن مجتبی علیه السلام خیلی بدور است که به دوست همیشگی پدر بزرگش و بهترین اصحابش چنین سخنی بگوید بلکه بنابر روایات صحیحی زیادی ایشان مانند پدر بزرگوارش به ابوبکر رضی الله عنه احترام می‌گذاشت و ابوبکر رضی الله عنه هم ایشان را بیشتر از فرزندان خود دوست داشت. (مصحح)

اینقدر می‌کشد که خون تا زین اسبش بالا می‌آید و همه را به زور شمشیر مطیع خود می‌کند.

سلفی: می‌دانی وقتی که افغانها در زمان صفویه به ایران حمله کردند و به سمت اصفهان نزدیک شدند چرا شاه سلطان حسین اعتنایی نمی‌کرد و راحت بر جای خود نشسته بود؟

رافضی: بله، می‌دانم، چون شاه سلطان حسین تریاکی بود و پای منقل خود راحت نشسته بود و می‌گفت همین جا برای من کافی است.

سنی: یعنی اینقدر احمق بوده؟!

سلفی: نخیر، علتش این بوده که احمقی بنام علامه مجلسی در کتب خودش روایاتی ثبت کرده، مبنی بر اینکه دولت صفویه متصل است به قیام قائم و امکان ندارد که سقوط کند و به همین خاطر، شاه سلطان حسین راحت بر جای خودش نشسته بود و به یاری امام زمان دلخوش کرده بود تا از ته چاه با ولایتش افغانها را شکست دهد!!

سنی: این طرز تفکر در ذهن روافض امروزی نیز وجود دارد و خمینی نیز همین سخنان را می‌گفت که امام زمان بر روی ایران ولایت تکوینی دارد و آخوندها نیز دائم می‌گویند: امکان ندارد که این حکومت سقوط کند و حکومت ما می‌رود تا وصل شود به حکومت امام زمان!!!^۱

سلفی: ان‌شاءالله که به سرنوشت شاه سلطان حسین دچار خواهند شد.

سنی: شاید هم می‌رود تا برسد به جهنم!!

سلفی:

جمهوری قلابکی، دارد سقوط می‌کند	این اقتدار آبکی، دارد سقوط کند
مهدی موهوم شما، آخر نمی‌آید ولی	بنیادهای آهکی، دارد سقوط می‌کند
این بچه شیطان ریا افتاده از مرگ و عزا	مانند کاهی طفلکی، دارد سقوط می‌کند

۱- از افاضات آقای جنتی در خطبه‌های نماز جمعه تهران.

کار بسیجی مظلومه باتوم و اشک آور قمه
 سهم امام و روضه‌ها، بیکاره‌های حوزه‌ها
 از امر منکرهایتان، از نهی معروف شما
 از بوق تبلیغ شما، شد مثل طوطی فکرما
 ساز مخالف شد هدف، آمد فساد از هر طرف
 حق آید و باطل رود، پای شما در گل رود
 اندیشه‌های آبکی، تحلیل‌های یخمکی
 باد هوا شد وعده‌ها، خاموش شد آن نعره‌ها
 آخوند با هر مسلکی، دارد سقوط می‌کند
 خمس و زکات قلکی، دارد سقوط می‌کند
 این امر و نهی سیخکی، دارد سقوط می‌کند
 این خط دهی زورکی، دارد سقوط می‌کند
 آری نظام جلبکی، دارد سقوط می‌کند
 اندیشه شیطانکی، دارد سقوط می‌کند
 آن شیخ ریش و پشمکی، دارد سقوط می‌کند
 جمهوری قلابکی، دارد سقوط می‌کند^۱

رافضی: مذهب ما در امور فقهی قویتر از مذاهب دیگر اسلامی است!!

سلفی: آری، یکی از این امور فقهی بسیار جالب و قوی، حرام بودن ماهی بدون فلس است.

رافضی: معلوم است که حرام است، پس چی فکر کردی؟!

سلفی: می‌دانید طبق کدام حدیث حرام شده؟ چون در قرآن گوشت ماهیان دریایی حلال است و بنابراین طبق معمول باید برویم سراغ احادیث جعلی تا بتوانیم حقانیت ایشان را ثابت کنیم و در مورد ماهی بی فلس نیز حدیثی بسیار معتبر از کتاب کافی وجود دارد مبنی بر اینکه خداوند، یهودیانی را که سبیل خود را تاب می‌دادند مسخ کرد به مارماهی و ماهی بی فلس!!

سنی: چرا مراجع رافضی، ماهی خاویار را که بی فلس است و حرام می‌دانستند، ناگهان حلال کردند؟

سلفی: چقدر ساده‌ای، پیچ هر چیزی در دست خود این آخوندها است، چون ماهی خاویار بسیار بسیار گران است بنابراین تدبیری اندیشیدند و گفتند بعد از انقلاب، مقداری فلس، نزدیک دم این ماهی پیدا شده و بنابراین حلال است تا پول آن حرام نشود!!

۱- اشعار از علیرضا حسینی.

سنی: ای بابا، آخوندها اصلاً به فکر پول و مادیات نیستند و چون خیلی سر به زیر و نجیب هستند دم این ماهی را ندیده‌اند!!

سلفی: از قوی بودن فقه گفتم، پس بگو بدانیم چرا مراجع شما بطور علنی و بطور جدی با قمه‌زنی برخورد نمی‌کنند و آن را حرام نمی‌کنند و مثل جناب خمینی می‌گویند: این عمل جایز نیست!!!

رافضی: مگر نشنیدی که جناب آیت الله مظاهری در اصفهان چه گفتند؟!!
سلفی: نخیر.

رافضی: ایشان در مورد قمه‌زنی فرمودند: کار عشق، کاری دگر است و کار فقه کاری دگر، یعنی منظورشان این است که اشخاص قمه‌زن، عاشق هستند و به عشق اهل بیت و به عشق مولا حسین قمه می‌زنند!!!

سنی: البته نظر من این است که موضوع عشق را از موضوع حماقت و جهالت جدا کنیم.

سلفی: آری، کله‌ای که پوک باشد فقط به درد همان قمه‌زنی می‌خورد، اینقدر بزنی تا شاید فرجی بشود.

رافضی خطاب به سنی: چرا اصلاً شما اینقدر خشک، سطحی و ظاهری هستید؟!
سلفی: البته شما نیز زیادی مرطوب شده‌اید و برای همین در حال غرق شدن در خرافات هستید.

سنی: ما همچون شما به بطن آیات نمی‌رویم و اهل تاویل نیستیم که مثلاً از بقیه الله، امام زمان بیرون بکشیم و از پشه، حضرت علی!!
رافضی: همه دین یعنی حضرت علی و مگر نشنیدی که شاعر انقلاب جناب آقاسی چه می‌گفت، او چنین سروده:

چرا سنی نمی‌خواهد بفهمد وضوی بی‌ولایت آب بازیست!!!

سنی: نمی‌دانم چرا در آیه مربوط به وضو صحبتی از این ولایت نشده تا وضوی ما
 آب بازی نشود؟!
 سلفی:

نماز جاهلانیه مثل بازیست نیاز از واسطه یک حقه بازیست
 چرا شیعه نمی‌خواهد بفهمد وضوی با جهالت آب بازیست!!!

ناگهان جناب رافضی مشاهده کرد که جناب سلفی و جناب سنی کفش‌های خود را به
 سختی و با مراقبتی شدید در دست گرفته‌اند و به همین خاطر از آن‌ها می‌پرسد: درست
 است که اینجا دزد زیاد وجود دارد ولی نه تا این حد، این کارها یعنی چه؟
 سلفی: اشتباه نکنید جناب رافضی ما به خاطر وجود دزد اینکار را نکرده‌ایم.
 رافضی: پس بخاطر چه اینکار را کرده‌اید؟

سلفی: چون ما شنیده‌ایم که وزارت محترم اطلاعات در کفش برخی از دوستان خود
 (همچون جناب حاج احمد آقا پسر خمینی) مقداری سم بسیار مهلک می‌ریزد (سمی زرد
 رنگ)^۱ تا این دوست محترم، به محض پوشیدن کفشهایش، روانه قبرستان شود تا خطری
 برای نظام مطلقه فقیه و نایب بر حق امام زمان به وجود نیاید.

در اینجا بود که ناگهان، جناب سنی دوربینی را در آورد و گفت این دوربین تازه
 اختراع شده و توانایی آن را دارد که از گذشته فیلمبرداری کند و ما فیلم روز غدیر خم و
 روزهای دیگر در صدر اسلام را گرفته‌ایم تا به جناب رافضی نشان دهیم که پیامبر صلی الله علیه و آله
 در آنجا صحبتی از خلافت و جانشینی حضرت علی نمی‌کند و حتی از ابوبکر و عمر،
 تعریف و تمجید می‌کند، دوست داریم نظر جناب رافضی را بدانیم؟

۱- چنانچه کسی دست خود را به این سم بزند راهی قبرستان خواهد شد چون سمی بسیار مهلک است
 و چنانچه از شاهکارهای اطلاعات نباشد به احتمال قوی از شرکت‌ها و موسسات پژوهشی محترم
 آمریکایی یا اسرائیلی دریافت کرده‌اند، برای همین هر سال بگوئید: مرگ بر اسرائیل!!

رافضی: این موارد به هیچ عنوان مورد قبول نیست!!

سلفی: چرا؟!

رافضی: پیامبر ﷺ تقیه کرده‌اند! و بنا بر مصلحتی که ما نمی‌دانیم از ابوبکر و عمر تعریف شده‌است!! تا باب هر گونه بهانه‌ای در قیامت بر آن‌ها بسته شود!! امیدوارم که توجیه شده باشید و این شبهه نیز بر طرف شده باشد!! در مورد خلافت نیز شاید در آن لحظه، بداء حاصل شده باشد و البته روزی که پیامبر تقاضای قلم و دوات کردند بداء بر طرف شده است!!

سنی: به به!! از شما بسیار متشکریم، این شبهه نیز از ذهن ما دور شد.
سلفی: شما روافض خیال داشته‌اید بهترین و مطمئن‌ترین روش و مکتب را برای رسیدن به بهشت انتخاب کنید که بسیار ایده آل باشد ولی ظاهراً یک راست داخل جهنم می‌روید.

رافضی: نخیر، تنها راه رسیدن به بهشت همین راهی است که ما می‌رویم!! یعنی داشتن ولایت و امامت.

سلفی: و زیارت عاشورا، مهدویت، مفاتیح، قبر و گنبدسازی، توسل، صیغه، تقیه و.....
سنی: فکر می‌کنم منظورتان راه مجلسی و شاه سلطان حسین باشد که البته این راه به محمود افغان ختم می‌شود.

سلفی: اصلاً می‌دانید چی شده؟ فکر کنم نظر جناب رافضی مبنی بر جانشینی و خلافت حضرت علی درست است، ولی نکته‌ای که حائز اهمیت است و متأسفانه ایشان به آن توجهی ندارند این است که در سقیفه بنی ساعده بداء حاصل شده!! و قضیه خلافت حضرت علی منتفی شده است!!

سنی: آری، جناب رافضی بین چه راحت می‌توان با عقاید دینی بازی کرد.

رافضی: گفتم سقیفه بنی ساعده و مرا به یاد ابوبکر انداختی، می‌شود بفرماید چرا ابوبکر مرتدین را کشت؟! وای بر آن‌ها مگر از رسول خدا نشنیده بودند که گویند لا اله الا الله را نکشید؟!!

سلفی: می‌شود بفرماید چرا حضرت علی چهار هزار تن را در جنگ نهروان کشت؟! مگر آن‌ها لا اله الا الله نگفته بودند؟! آن‌ها که شب زنده‌دار و حافظ قرآن بودند و در امور دینی بسیار متعصب‌تر از همه بودند^۱.

سنی: لابد روافض وجوه مشترکی بین خود و مرتدین دیده‌اند که از آن‌ها دفاع می‌کنند.

سلفی: در برخی از روایات آمده که حضرت ابراهیم به هنگام پرتاب شدن در آتش با جبرئیل روبه رو شده و جبرئیل می‌خواسته به او کمک کند ولی حضرت ابراهیم قبول نمی‌کند، چونکه قائل به واسطه، شفیع، حجت و باب نبوده است و می‌خواسته بطور مستقیم از خداوند مدد بجوید، نظر شما در اینباره چیست جناب رافضی؟

رافضی: به نظر من، حضرت ابراهیم ولایت داشته و حتماً و صد در صد به ائمه متوسل شده ولی تقیه کرده و این موضوع را بیان نکرده تا جبرئیل ناراحت نشود و در واقع به نوعی خدعه کرده یا مقتضیات زمان و مصلحت و راضی بودن به قضا و قدر را در نظر گرفته!!

سنی: سیدالشهدا کیست؟

رافضی: ای وای بر تو، اینکه کاملاً مشخص است، کسی نیست جز امام حسین علیه السلام.
سنی: پس حضرت حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله چه می‌شود؟ این لقب را پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت حمزه داده است ولی اینقدر بالای منبرها از او صحبت می‌شود که همه این مسائل را می‌دانند!!

۱- اینجانب مقاله‌ای نوشته‌ام بنام شورش اهل رده و در آنجا به شبهات مدعیان تشیع پاسخ داده‌ام.

سلفی: به نظر من حضرت حمزه توفیق داشته که در جنگ احد شهید شده است چون عربها به عموی هر شخص بهای فراوانی می دهند و چنانچه حضرت حمزه زنده می ماند ممکن بود جانشین پیامبر ﷺ بشود و هم اکنون، روافض بجای اینکه عمر کشان بگیرند حمزه کشان می گرفتند. (تلنگر)

رافضی: چرا اهل سنت اینقدر خشک هستند و اینقدر از رنگهای تیره استفاده می کنند، چون قالیچه هایی که در مناطق سنی نشین استفاده می شود به رنگ تیره هستند. سلفی: جناب سنی لطفاً متوجه باشید که روافض اصلاً از رنگ مشکی استفاده نمی کنند و کاملاً با این رنگ بیگانه هستند، نه چادر، نه در مساجد، نه در تکیه ها، نه در ماه محرم، نه در عزاداری ها، نه در مرگ خویشان خود و نه در هیچ جای دیگر از رنگ مشکی استفاده ای نمی شود و فقط قالی های مناطق سنی نشین مشکی هستند!!

رافضی: رهبر ما آقا، در مورد برقراری اسلام و مکتب اهل بیت سخنان بسیار ارزنده ای بیان داشتند و فرمودند هنوز تا برقراری اسلام واقعی در ایران راه درازی در پیش است و نباید انتظار داشت که با گذشت سی سال از انقلاب جامعه ایده آل واقعی بر پا شود^۱ و ما هنوز در حال تلاش و کوشش هستیم تا به آن مرحله برسیم!!

سلفی: واقعاً که سخنان ارزنده ایشان ما را به خنده می اندازد.

رافضی: به آقا می خندی، مرگ بر ضد ولایت فقیه!!

سلفی: چطور شد شما از صبح تا شام به خلفا و صحابه در صدر اسلام ایراد می گیرید که چرا فلان اشتباه را کردند؟! و دائماً انتظار دارید اسلام نو پایی که در آن زمان به دست ایشان رسیده بی هیچ عیب و ایرادی پیاده شود و هیچ کس حق هیچگونه خطایی را نداشته باشد؟! ولی هم اکنون پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از اسلام که مدعیان تشیع بطور

۱- استاد علیرضا حسینی کتابی تهیه کرده اند بنام تیر خلاص (جامعه شناسی شرک به روایت تصویر) و در آن تصاویر بسیار جالبی از خرافات مردمی تهیه کرده اند، همراه با نوشته هایی جالب که باعث شده این کتاب در نوع خود بی نظیر شود، مطالعه این کتاب را اکیداً توصیه می کنم.

آکادمیک در حوزه‌های خود کار می‌کرده‌اند و حتی حکومت‌هایی چون آل بویه و صفویه در اختیار ایشان بوده است و الان نیز سی سال است که نائب امام زمان بر کرسی قدرت نشسته است و همه امور در دست خودتان است ولی باز رهبرتان می‌گوید تا برقراری اسلام وقت و فرصت بیشتری لازم است و در واقع خودتان معترف هستید که هنوز نتوانسته‌اید مکتب اهل بیت را پیاده کنید. (البته بهتر است بگوئیم مکتب صفویه و علامه مجلسی)

سنی: مگر نمی‌دانی جناب سلفی که هر ایرادی که هم اینک در جهان اسلام است همگی متعلق به زمان صحابه است و تنها مقصری که وجود دارد اصحاب پیامبر ﷺ می‌باشند!!

سلفی: سیاست ایشان بر این منوال است که ذهن مردم را به گذشته سرگرم کنند تا مبدا کسی به خود ایشان ایرادی بگیرد.

سنی خطاب به رافضی: در کتاب کافی حدیثی می‌باشد مبنی بر اینکه امامان از زمان مرگ خویش باخبرند و حتی به اختیار خویش می‌میرند، آیا شما این حدیث را قبول دارید؟

رافضی: آری، پس چه خیال کرده‌ای؟! امامان تمامی علوم گذشته، حال و آینده را می‌دانند!!

سنی: پس لطفاً بفرمائید تقیه دیگر چیست؟ اگر امامان از زمان مرگ خویش باخبرند و حتی به اختیار خویش می‌میرند، پس به چه علت در هر جایی تقیه می‌کرده‌اند؟! چون تقیه برای حفظ جان است. (تلنگر)

رافضی: پاسخ این سوال را اینگونه می‌دهم که اصولاً در جاهای مختلفی امامان تقیه می‌کرده‌اند همچون روایاتی که ایشان از ابوبکر و عمر تعریف کرده‌اند یا نام فرزندان خود را عمر و ابوبکر گذاشته‌اند بطور حتم تقیه یا خدعه‌ای در کار بوده!! چون این موارد کاملاً

با عقاید ما در تضاد است، پس باید بگوئیم: یا مصلحتی بوده یا مقتضیات زمان ایجاب کرده یا مماشات بوده یا خدعه بوده یا علم غیبی در کار بوده و یا
سنی: از توضیحاتی که دادید بسیار متشکرم، من دیگر کاملاً روشن شدم!
رافضی: یکی از دلایل حقانیت ما، وجود عارفان، زاهدان و علمای بسیاری است که عقاید ما را قبول داشته‌اند!

سلفی: البته می‌دانید که منظور ایشان از عرفا، علما و فضلا چه کسانی هستند؟ منظورشان کسانی چون جناب علامه مجلسی، امام خمینی، آقا خامنه‌ای، آیت ... بهجت، حجه الاسلام پناهیان، جناب دولابی^۱ و آیت ... مکارم شیرازی است نه علما و مجتهدینی چون علامه برقی (رحمته)، علامه زنگنه (رحمته)، علامه سنگلجی (رحمته)، علامه غروی (رحمته) و حجه الاسلام رادمهر (رحمته).

رافضی: این‌ها که مورد نظر شماست همه وهابی هستند و پیرو ابن تیمیه، ولی ما پیرو اهل بیت هستیم!!

سلفی: شاعران و عارفانی چون مولانا و سعدی و عطار نیشابوری و جامی و غزالی و خیام و نظامی نیز از اهل سنت بوده‌اند، پس چرا عارف بودن و زاهد بودن ایشان برای شما ملاک و دلیل محسوب نمی‌شود؟

۱- حجه الاسلام پناهیان که حتی جناب خامنه‌ای نیز پای منبرش می‌نشیند روزی در جزیره کیش منبری داشت و می‌گفت: دیده‌اید وقتی اذان می‌گویند همه ناراحت می‌شوند و می‌گویند: ای بابا، دوباره اذان شد، ولی وقتی می‌گویند: یا حسین، شقی‌ترین دلها نیز نرم می‌شود!!!

۲- جناب دولابی نیز جزء عرفای ایشان بوده که عقایدی خرافی داشته و صحبت‌های او از تلویزیون پخش می‌شود و یکبار می‌گفت: روز قیامت دو فرشته شخصی را به سمت جهنم می‌بردند که ناگهان آن شخص امام حسین را دید که در جایی با چند تن ایستاده و به نزد او رفت و حسین نامه اعمال او را گرفت و فقط به آن نگاه کرد و بعد دوباره نامه را پس داد و سپس آن شخص به راه خود ادامه داد ولی ناگهان دید که بجای جهنم به سمت بهشت در حال حرکت است!!!!

رافضی: چون این شاعران و عارفان سنی، همگی تقیه می کرده‌اند و در حقیقت مذهب ما را داشته‌اند!!

سنی: لطفاً می‌شود به ما بگویید آیا اهل بیت در کفش و یا در غذای مخالفان خودشان سم می‌ریختند یا مخالفان ایشان چنین اعمالی داشته‌اند؟
سلفی: صد رحمت به دشمنان اهل بیت، چون لااقل با اطرافیانش خودشان خوب بوده‌اند، شما که به منتظری و شریعتی و دکتر فاطمی و بازرگان و موسوی و کروبسی هم رحم نکردید.

سنی: خوب است از سیاست خارج شویم . . . نمی‌دانم همان سخن معروف که: سیاست پدر و مادر ندارد یا: بی‌پدر و مادرها خیلی به سیاست و قدرت علاقه دارند یا یک چیزی در همین مایه‌ها . . .

سلفی: دلیل شما رافضیان مبنی بر خوردن خاک کربلا چیست؟!
رافضی: این خاک به گفته مراجع باسواد و عالقدر، مایه شفاست و همچون غسل می‌باشد که خداوند در قرآن کریم فرموده است شفاست.

سنی: شما نمی‌توانید برای اثبات خرافات خود به آیات قرآنی استناد کنید، عمر طولانی امام زمان را با عمر حضرت نوح قیاس می‌کنید و لعن ابولهب در قرآن را مجوزی می‌دانید برای لعن خلفا و همچنین موارد دیگر.

سلفی: می‌دانی جناب رافضی دیشب یک اتفاق خیلی جالب برای من افتاد! دیشب عصای پدر بزرگ من اژدها شد! آیا این را قبول داری؟
رافضی: نخیر، قبول ندارم.

سلفی: کافر، مشرک، مگر در قرآن نخوانده‌ای که عصای حضرت موسی اژدها شد؟ پس چرا سخن مرا باور نمی‌کنی؟ این هم مانند همان قیاس خاک کربلا با غسل است و عمر مهدی با نوح و سایر قیاسات شیطانی!!

سنی: تنها زمانیکه علم ثابت کند در خاک کربلا خاصیت شفا بخش موجود است می توان از این خاک تناول کرد، البته آنوقت هم تنها به عنوان دارو نه از باب عبادت و پرستش.

سلفی: آری، در آن زمان ما خودمان اول از همه خاک می خوریم نه هم اکنون که علاوه بر مداوا نشدن بیماریها، تازه هزاران میکروب دیگر را نیز وارد بدن خود می کنید، البته طبق فرمایشات حضرات و مراجع عالیقدر رافضی!! و اینجاست که باید گفت:

خدایا، آن را که عقل دادی چه ندادی؟ و آن را که عقل ندادی چه دادی؟

سنی: می دانید خطرناک ترین حادثه در دوران های مختلف چیست؟ این است که انسان های نادان، احمق و خوب هوس کنند باخدا شده و دیگران را هم به بهشت ببرند. خدایا، ما را از شر طرفدارانت نجات بده!

سلفی: جناب خمینی می گفت: اسلام منهای روحانیت، اسلام نیست! ولی به نظر من بهتر بود که می گفت: ما اسلام منهای خرافات، منهای حماقت، منهای تفرقه، منهای دشمنی با اهل سنت، منهای تخریب مساجد اهل سنت، منهای اداره اطلاعات و سپاه را اسلام نمی دانیم، ما اسلام منهای کتب شریعتی را می خواهیم، همانطور که دستور داد این کتب را از داخل سپاه جمع کنند تا مبادا فرد سپاهی روشنفکر شود، چون هر دستوری که به او دادند باید به سرعت اجرا کند.

سنی: اسلام منهای مداح، روضه خوان، زنجیر زن و قمه زن و روحانی صفوی می شود اسلام واقعی، چون روحانی صفوی زیباترین واژه ها را به لجن کشیده: اشک، شهید، مظلوم، دعا و

رافضی: پیامبر ﷺ روزی حضرت علی را دیدند و فرمودند: او و یارانش در بهشتند.

سلفی: آیا منظور این حدیث، یاران و اطرافیان حضرت علی در همان زمان نبوده اند؟ رافضی: نخیر، نخیر، منظور پیامبر اکرم دوستداران و طرفداران حضرت علی در همه زمانهاست.

سلفی: شما دائم نیز می گوید که نبی اکرم ﷺ در خواب دیدند که میمون‌هایی بر منبر ایشان بالا می‌روند (در تفسیر آیه الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ) و بنی امیه را مصداق آن می‌دانید؟ من می‌گویم آیا این آیه مشمول کسانی هم می‌شود که هم اینک میمون‌وار از منبرها بالا می‌روند و هر چرندی که خواستند به دین می‌بندند؟! و هر خرافاتی که خواستند بنام اهل بیت به خورد مردم می‌دهند؟

رافضی: اصلاً برویم سراغ همان درب و آتش زدن منزل و هجوم به خانه فاطمه و شهادت محسن و مظلومیت حضرت علی و سیلی زدن عمر به گوش فاطمه و ظلم ابوبکر به فاطمه و غصب فدک و غصب خلافت و غصب و غصب و غصب و غصب و ظلم و ظلم و ظلم و.....

سلفی: فکر می‌کنم برادر رافضی دچار بیماری سازوخیسم شده است.

سنی: این دیگر چه بیماری است؟

سلفی: این یک بیماری جدید است که هنوز کشف نشده و از ترکیب سادیسم (دیگر آزاری) و مازوخیسم (خود آزاری) به وجود می‌آید. زیرا برادران رافضی من خیلی ناراحت می‌شوند وقتی می‌فهمند آزار و اذیتی به حضرت فاطمه یا حضرت علی وارد نشده، در صورتیکه آدم سالم باید خوشحال شود، حتی درباره دشمن خودش. برای همین از اینکه به افراد مورد علاقه اش آزاری وارد نشده خودش رنج می‌کشد و این می‌شود سازوخیسم!! (تلنگر برای بیماران سازوخیسمی)

سنی: راست گفتی، برای اثبات سادیسمی بودن رافضی یا مازوخیسمی بودن ایشان، همین بس که من خوشحال می‌شوم وقتی می‌فهمم اذیت و آزاری به حضرت فاطمه وارد نشده است، ولی ظاهراً این‌ها ناراحت می‌شوند!!

سلفی: در مورد تحقیقی بودن دین صحبت کنید.

رافضی: ببخشید متوجه نشدم... گفتی تحقیق یا تقلید؟

سلفی: تحقیق.

رافضی: تحقیق که مال دانشگاه است چه ربطی به دین دارد؟

سلفی: پس چرا خداوند به انسانها عقل داده و چرا اینهمه در قرآن کریم دعوت به تعقل و تدبر کرده است؟ در صورتیکه می توانست براحتی بگوید: تقلید کنید.

سنی: برای اینکه در کنار دم ماهی خاویار، فلس پیدا شود و این ماهی حلال شود!!

سلفی: کسی که شک نکند تحقیق نیز نمی کند.

سنی خطاب به رافضی: شکی در بر حق بودن مذهب شما نیست، پس نیازی به تحقیق نیست، راحت برو پای منبر و پس از اینکه مراسم چایی خوردن تمام شد، مراسم چُرت زنون را هم اجرا کن و سپس مراسم گریه کنان و بر سر زنان و بعد هم برو خانهات بگیر بخواب تا فردا صبح!!

سلفی: البته چنانچه محققى بخواهد تحقیق کند، تحقیق را در مسیر خودش قرار می دهد نه خودش را در مسیر تحقیق!!

سنی: در مورد صدا زدن غیر الله چه می گوئید؟

رافضی: بسیار خوب است، اهل بیت واسطه و وسیله هستند و می توان آنها را در دعا صدا کرد!!

سنی: در ایران برای هر کار نیاز به پارتی و واسطه است، از ادارات دولتی گرفته تا دعا کردن مردم به درگاه خدا.

رافضی: نخیر، اینطور نیست، مگر ندیدی جناب حجة الاسلام پناهیان بر بالای منبر (در جزیره کیش) چه می گفت؟ ایشان به مردم می گفت: دیده اید وقتی اذان می گویند انسان ناراحت می شود و با خود می گوید: ای بابا، دوباره اذان شد! ولی وقتی می گویند: یا

حسین، شقی‌ترین انسان‌ها نیز دلش نرم می‌شود!!^۱ (تلنگر برای کسانی که به پناهیان پناه برده‌اند)

سلفی: اصلاً مثلی میان ایرانیان هست که هر وقت شنیدی در جایی می‌گویند: یا علی، زود فرار کن، ولی هر جا شنیدی می‌گویند: یا حسین، فوری به آن سمت برو!!
سنی: علت این امر چیست؟

سلفی: علتش این است که هر جا می‌گویند: یا علی، حتماً در حال بلند کردن چیزی هستند، ولی هر جا می‌گویند: یا حسین، حتماً در حال خوردن غذا و نذری هستند، بنابراین با سرعت برو به سمت بخور بخور!!
سنی: اصلاً این‌ها در مدح علی شعر سروده‌اند که: گمانم ابن ملجم هم یا علی گفت!!!

سلفی: اینکه در مدح ابن ملجم شد!!
سنی: لابد شمر نیز به هنگام بریدن سر امام حسین، یا حسین گفته است!!

۱- واقعاً جای تاسف است که حجة الاسلام مملکتی سخنان شرک‌آمیز بگوید، این رافضی می‌خواهد بگوید حسین به صورت فطری در سینه بدترین انسان‌ها نیز وجود دارد و مانند خداشناسی فطری می‌باشد و حتی بالاتر از آن است، چونکه با شنیدن اذان ناراحت می‌شوند ولی با شنیدن نام حسین دل رحم می‌شوند.

و البته مشرکین مکه هم همینطور بودند، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾ [الزمر: ۴۵]

«و هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می‌شود دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، نفرت پیدا می‌کند (یعنی سخت ملول و دلتنگ می‌شوند) و چون یادی از معبودان دیگر به میان می‌آید، ناگاه مسرور و شاد می‌گردند!!».

سلفی: البته می‌دانید که: علی را معاویه نکشت بلکه یکی از شیعیان متعصب کوفی کشت، حسین را یزید و سپاه شام نکشت بلکه همان شیعیان کوفه که از او دعوت کرده بودند کشتند.

سنی: علت عقب افتادگی روافض در این است که فقط گوش می‌کنند و فقط احساساتی هستند و چنانچه ایشان مرکز احساساتشان را به مرکز تعقلشان پیوند بزنند، تمامی مشکلاتشان حل می‌شود.

سلفی: علت دیگر عقب افتادگی ایشان در این است که سخنان مخالف را سانسور می‌کنند و من مرتباً حرف خنده‌داری را از زبان زعمای قوم و مسئولین در ایران می‌شنوم که: آزادی در غرب یا در دوران شاه از سر به پایین بوده و هست ولی در ایران از سر به بالاست، ولی تعجب‌آور است که چرا حتی علمایی چون: علامه برقعی، علامه زنگنه، علامه سنگلجی، حجه الاسلام رادمهر، استاد مصطفی حسینی طباطبایی، استاد حیدر علی قلمداران و . . .، اجازه چاپ کتابهایشان را نداشته‌اند؟! و حتی اجازه سخنرانی! آری من، کتاب این افراد را خوانده‌ام نه به کسی توهین کرده‌اند و نه خلاف اصول دین مبین اسلام سخنی گفته‌اند، بلکه آن‌ها فقط و فقط، خرافات موجود در تشیع را توضیح داده‌اند، تنها علت عدم مجوز چاپ به آن‌ها نیز آن است که روحانیون برای مطالب این کتاب‌ها پاسخ و توجیهی نداشته‌اند و سزای این افراد تبعید بوده است و ترور و زندانی شدن!! برآستی آیا این است آزادی از گردن به بالای شما؟! درباره شما باید گفت که: شما هیچ آزادی به مردم نمی‌دهید نه آزادی از گردن به پایین و نه آزادی از گردن به بالا، البته مردم در خفا و پشت پرده و دور از دیدگان شما: هم آزادی از گردن به پایین دارند (متاسفانه) و هم آزادی از گردن به بالا (خوشبختانه).

رافضی: ما با هرکس که بخواهد واقعیات انکار ناپذیر مذهب ما را زیر سوال ببرد به سختی برخورد می‌کنیم، ما حافظ ولایت و امامت هستیم!!

سلفی: این یعنی هولوکاست شیعی، همانطور که در غرب هیچکس حق ندارد تحقیقی یا سخنی پیرامون دروغ بودن یهود سوزان هیتلر و دروغ بودن آزار و اذیت‌های اضافی وارد بر یهودیان انجام دهد در ایران نیز کسی حق ندارد در مورد دروغ بودن آزار و اذیت‌های افسانه‌ای وارد شده بر افراد مورد علاقه روافض، تحقیق کرده یا سخنی بگوید. (تلنگر شدید)

سنی: می‌دانی اگر خوارج در دوران حضرت عمر قیام می‌کردند و حضرت عمر با آن‌ها می‌جنگید و آن‌ها را می‌کشت. اکنون مداحان رافضی بالای منبر چکار می‌کردند؟ مداحان و آخوندها فریاد می‌زدند: ای مسلمین، ای وای، هیهات، نمی‌دانید در یک روز، چهار هزار عارف عابد شب زنده‌دار را شهید کردند!! می‌دانید چه ضربه سنگینی به اسلام وارد شد؟! فقط برای اینکه خلیفه نخواست از یک کلمه توبه کند^۱ ... ای وای ... و بعد با ضجه، فریاد، فحش و ناسزا اشک عوام را در می‌آوردند.

سلفی: لابد حالا چقدر غصه می‌خورند که ایکاش این اتفاق، در زمانی غیر از زمان حضرت علی می‌افتاد، چون سوژه بسیاری مناسبی را برای گرم کردن دکانشان از دست داده‌اند و البته خود این‌ها خوارج زمان ما هستند، بلکه بدتر!!

سنی: به چه علت بدتر از خوارجند؟!

سلفی: خوارج ادعای دوستداری علی و ادعای شیعه بودن نداشته‌اند، آن‌ها منافق نبوده‌اند و به فرموده حضرت علی لا اقل نیتشان صاف بوده ولی راه را اشتباه رفته‌اند، ولی برخی از اینها، همکاسه انگلیس و همدست اسرائیل و در پی کسب ثروت، جلب شهرت، سلب اتحاد و قلب واقعیاتند.

سنی: اگر حضرت علی خلیفه بلافصل الهی بود، لا اقل در این مورد سکوت نمی‌کرد، پاسخ شما چیست جناب رافضی؟

۱- خوارج می‌گفتند اگر علی از قبول حکمیت توبه کند ما به سپاه او باز می‌گردیم.

رافضی: حضرت علی برای مصلحت اسلام سکوت کردند و این عمر و ابوبکر بودند که باعث انحراف اسلام شدند تا اسلام، مسیر دیگری را طی کند!!

سلفی: پس نتیجه می‌گیریم که حضرت علی برای حفظ مصلحت اسلام، سکوت کردند تا در آینده، مسیر اسلام منحرف شود!! (تلنگر آن هم چه تلنگری!)

سنی: جای تعجب است که چرا حضرت علی برای حفظ تفکر واقعی اسلام از خطر افکار انحرافی خوارج و با سه گروه که مسلمان هم بودند نبرد کرد و اولین جنگ داخلی را براه انداخت؟ و حتی از خطر تجزیه مملکت اسلامی در راه بیان حق و حقیقت نترسید؟ چرا آنجا رعایت مصلحت را نکرد؟^۱

رافضی: اصلاً حضرت علی اولین مسلمان بوده و در ۱۰ سالگی ایمان آورده. (پارازیت)

سلفی: آخر وقتی بقیه مسلمین، مرتد و بیعت‌شکن باشند دیگر اولین مسلمان بودن چه مزیت و برتری خواهد داشت؟! از همه گذشته، ایمان حضرت ابوبکر نیز با ارزش است به این علت که شما کجا دیده‌اید که شخصی از اعتقادات چهل ساله خود دست بکشد، ما باید از صبح تا شام با شما روافض به بحث بنشینیم تا حرمت قمه‌زنی را ثابت کنیم^۲ و

۱- فراموش نکنید حضرت علی با کسانی چون ام المومنین عایشه، حضرت طلحه و حضرت زبیر جنگیده، پس مصلحت‌اندیشی در برابر غضب خلافت الهی چیزی جز سخنان پوچ آخوندی نیست.

۲- وعاظ و نویسندگان باهوش ما ۴۰۰ سال گذشت تا متوجه شدند قمه‌زنی اشتباه است (گرچه عده بسیاری هنوز هم متوجه نشده‌اند! و جالب اینجاست که نمی‌گویند حرام است چون موجب تخریب وجهه ما در برابر خارجی‌هاست فقط اشتباه است و انجام ندهید و جایز نیست!!) ۴۰۰ سال دیگر می‌فهمند زنجیر زنی و هر آنچه به جسم و روح آسیب وارد می‌کند اشتباه است، ۸۰۰ سال دیگر می‌فهمند اصولاً حضرت عمر قاتل محسن نبوده و ۱۲۰۰ سال دیگر، می‌فهمند اصلاً غضب خلافتی در کار نبوده است و ۲۰۰۰ سال دیگر می‌فهمند که امام زمانی در ته چاه نخوایده است.

آخر هم موفق نمی‌شویم، آنوقت خنده‌دار است که شما ایمان اصحاب پیامبر ﷺ را بی‌ارزش می‌دانید.

رافضی: نخیر، عمر بیسواد بوده و روزی بالای منبر از او سوالی می‌شود و او می‌گوید: نمی‌دانم.

سلفی: خدا او را بیامرزد که گفته نمی‌دانم و پاسخ اشتباه نداده است و خدا او را بیامرزد که به مشورت‌های حضرت علی گوش می‌داده و خدا او را بیامرزد که همیشه به اشتباهاتش اعتراف می‌کرده، بر خلاف حضراتی که خود را معصوم می‌دانند و حتی برای یک لحظه در طول زندگی خود مشورت‌پذیر نبوده، بلکه به هیچ وجه حاضر نیستند به اشتباهات خود اعتراف کنند. شما از گوشه امن خانه خود کباب را می‌خورید و بعد سوار اتومبیل شده و تشریف می‌آورید اینجا و به حضرت عمر گیر می‌دهید که در عصر او نه کتابی بوده و نه مدرسه‌ای و نه امکاناتی و نه اوقات فراغتی و هرچه بوده جنگ بوده و کار و تلاش و زحمت فراوان.

سنی: در سیره ابن هشام آمده که پس از شکست مسلمین در احد، پیامبر ﷺ به بالای یک بلندی رفته و حضرت علی و حضرت عمر و حضرت ابوبکر و . . . اطراف او جمع می‌شوند، پیامبر ﷺ تقاضای آب می‌کنند حضرت علی می‌رود و سپر خود را از آب پر می‌کند و می‌آورد، پیامبر ﷺ از آشامیدن آب اظهار کراهت کرده و می‌فرمایند آن آب را به روی سر مبارکشان بریزند. حال سوال من اینجاست که می‌دانید چنانچه حضرت عمر بجای حضرت علی برای آوردن آب رفته بود هم اکنون علمای رافضی چه می‌گفتند؟

سلفی: آری، بی‌شک می‌گفتند عمر در آن آب سم ریخت و جبرئیل به پیامبر ﷺ اطلاع داد و پیامبر ﷺ از شدت بزرگواری و برای اینکه عمر در انظار، خراب نشود فرمودند آن آب را بروی سرشان بریزند!! (تلنگری قوی)

رافضی: اصلاً این ابوبکر، عمر و عثمان بودند که در جنگ احد فرار کردند، در برابر این چه پاسخی دارید؟

سنی: در قدیمی ترین و موثق ترین منبع تاریخی یعنی سیره ابن اسحاق آمده که: آن‌ها همراه تعدادی دیگر با شنیدن خبر کشته شدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، غمگین گوشه‌ای نشسته بودند.

رافضی: چطور می‌شده در آن گیر و دار گوشه‌ای نشست؟!!

سنی: همانطور که هند جگر خوار می‌توانسته با فراغ بال بنشیند جگر حمزه را بخورد و با بقیه جگر حمزه، گردن‌بند درست کند و همراه بقیه زنان، بالای سر جنازه‌ها برقصد و....

سلفی: تمامی ایرادهایی که رافضیان به حضرت ابوبکر و حضرت عمر می‌گیرند در واقع صفات خودشان است، همچون اینکه: خودشان عاشق پست و مقامند، فکر می‌کنند حضرت ابوبکر و حضرت عمر نیز همینطور بوده‌اند. خودشان در قرن بیستم و در محیط شهری، اهل حقد و کینه‌اند فکر می‌کنند ۱۴۰۰ سال پیش هم همینطور بوده. خودشان برای کسب مقام با بزرگان نزدیکی می‌کند، فکر می‌کنند علت همنشینی ابوبکر با پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همین بوده است. خودشان در هوای گرم، طاقت نمی‌آورند، سؤال می‌کنند چرا در غدیر در آن گرمای شدید پیامبر اکرم مردم را نگهداشت؟! خودشان از جانشان می‌ترسند، می‌گویند پیامبر صلی الله علیه و آله در اعلام آیه ابلاغ، شک و تردید داشته!! و بالاخره روحانیونی که یک درس تاریخ و سیاست مطالعه نکرده‌اند در قرن بیستم، اعراب ۱۴۰۰ سال پیش را بهتر از مردم همان زمان می‌شناسند.

رافضی: چرا از بنی هاشم در سقیفه بنی ساعده دعوتی به عمل نیامد؟!!

سنی: مگر برای حضرت ابوبکر و حضرت عمر کارت دعوت فرستادند که بنی هاشم دلخور شوند؟! یا اینکه وزارت کشور، متصدی امر انتخابات بوده و باید جهت ثبت نام کاندیداتوری از افراد، دعوت بعمل می‌آورده؟! و فقط هم افراد بالای ۱۶ سال حق شرکت در انتخابات را داشته‌اند!! چرا شما نمی‌خواهید یاد بگیرید که وقایع هر دوره را باید طبق

شرایط همان زمان، تجزیه و تحلیل کرد؟! و با عینک همان زمان به وقایع نگاه کرد نه با عینک کور تعصب و تقلید زمان حال! (تلنگر عمیق)

رافضی: اصلاً ابوبکر، حسود و کینه‌توز بوده است!!

سنی: عجب حسود و کینه‌توزی که با وجود آن سخنان تندى که بین او و حضرت فاطمه رد و بدل می‌شود به همسرش اسماء اجازه داده که تا آخرین لحظات، کنار حضرت فاطمه باشد. پس یکاش همه حسودها اینگونه باشند.

رافضی: پیامبر ﷺ، ابوبکر و عمر را لعن کرده بخاطر سرپیچی ایشان از سپاه اسامه!! سلفی: می‌گویند دروغگو کم حافظه است، عالم رافضی وقتی می‌خواهد ثابت کند پیامبر ﷺ کسانی را که از سپاه اسامه سرپیچی کردند لعن فرمود می‌گوید: عمر و ابوبکر جزء این سپاه بودند، ولی وقتی می‌خواهد در جایی دیگر، عمر را یار ابوبکر و ابوبکر را غاصب خلافت معرفی کند می‌گوید: وقتی پیامبر ﷺ رحلت فرمود عمر با شمشیر بیرون آمد و گفت هر کس بگوید محمد مرده او را می‌کشم و اینکار را کرد تا ابوبکر از منزلش در سنج (روستایی در بیرون مدینه) به مدینه برسد تا مبادا کس دیگری خلیفه شود، آنگاه در جایی دیگری می‌گوید ابوبکر بدون اجازه رفت و در ایام بیماری پیامبر ﷺ به جای ایشان امام جماعت مسجد شد و پیامبر ﷺ آمد و او را کنار زد و . . . ما آخر نفهمیدیم آیا ابوبکر طی الارض می‌کرده؟! آخر نفهمیدیم او در آن روز دوشنبه (روز رحلت پیامبر) در سنج (خانه زن دوش) بوده یا در سپاه اسامه (بیرون مدینه) بوده یا امام جماعت مسجد (در مدینه) و البته عالم رافضی خیلی دوست دارد بگوید او در تمام این مکانها حاضر بوده تا برای هر کدام از این احادیث، محملی جداگانه جهت کوبیدن حضرت ابوبکر، سر هم کند.

سنی: لابد حضرت ابوبکر در سنج بوده و دشمنان ولایت و امامت او را توسط بی‌سیم باخبر کرده‌اند و او هم با هلی کوپتر شخصی به سرعت به مدینه آمده تا خلافت حضرت علی را غصب کند!!

سلفی: جناب رافضی لطفاً برویم بر سر پله اول و اصلاً شما بفرمائید که اهل بیت چه کسانی بوده‌اند؟

رافضی: فقط و فقط و فقط: حضرت علی، حسن، حسین و فاطمه زهرا.

سلفی: پس حدیث «سلمان منا أهل البيت» (سلمان از اهل بیت است) که خیلی مورد توجه شما می‌باشد و آن را قبول دارید، چگونه است؟ آیا شما سلمان را جزء اهل بیت می‌دانید؟ (تلنگر)

سنی: اگر این‌ها بخواهند سلمان را جزء اهل بیت حساب کنند ممکن است مجبور شوند ام المومنین عایشه و دیگر زنان پیامبر ﷺ را نیز به عنوان اهل بیت قبول کنند و البته این در مذهب رافضی محال و ناممکن است.

رافضی: نخیر، اهل بیت یعنی همانها که گفتم و پیامبر نام سلمان را برای تبرک و تیمن جزء اهل بیت آورده است. (هدیان)

سنی: یعنی پیامبر ﷺ به سی هزار نفر از مردم مدینه فرمودند که دین خود را فقط و فقط از فاطمه ۱۲ ساله و حسن و حسین ۱ و ۲ ساله و علی ۲۲ ساله فرا بگیرند؟ و هیچکس هم هیچ سؤال و اعتراضی نکرد! (اینجا دیگر تلنگر هم نمی‌خواهد)

سلفی: برای هدایت می‌بایست به قرآن مراجعه کرد و عقاید خرافی روافض، طبق قرآن مردود هستند.

رافضی: نخیر، فهم آیات قرآن کار امثال من و شما نیست چونکه آیات قرآن ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه دارد و باید این آیات را طبق احادیث رسیده از ائمه که در کتب معتبری چون بحار الانوار و اصول کافی ثبت شده‌اند تفسیر و تاویل کرد.^۱

سلفی: ای بابا، با این توصیف جنابعالی، تعدادی از آیات قرآن آیات متشابه است، تعدادی دیگر ناسخ و منسوخ، تعدادی هم آیات احکام، تعدادی مربوط به روز قیامت،

۱- البته شما بجای تفسیر و تاویل بخوانید: توجیه و تحریف.

تعدادی در مدح افرادی خاص و تعدادی دیگر در ذم افرادی خاص^۱. پس لطفاً بفرمایید ما برای هدایت و رشد و تعالی کدام آیه را باید بخوانیم؟! و بعد اگر شما اجازه دهید بفهمیم و بعد هم اگر شیطان اجازه داد عمل کنیم تا آنگاه به بهشت برویم؟

سنی: فکر می‌کنم این مشکل شما را شخصی بنام شیخ عباس قمی حل کرده است، با آوردن کلیدهای بهشت، یعنی همان کتاب مورد علاقه روافض: مفاتیح الجنان!! دیگر چه می‌خواهی؟! برو و یکی از این کلیدها را بردار و راحت و خوش به سمت بهشت برو، یکی از این کلیدها خواندن زیارت پر فیض عاشوراست که ثواب یک میلیون شهید و یک میلیون سفر حج را دارد و گناهان گذشته و آینده‌ات را پاک می‌کند و می‌توانی دوباره از نو شروع کنی به گناه کردن!!

سلفی: اصلاً چطور قرآن که کلام وحی است و برای راهنمایی و هدایت بشر در تمام طبقات نازل شده و خداوند آیات آن را مبین، نور، روشن و مفصل معرفی کرده و شیعه و سنی نیز در صحت آن ذره‌ای تردید ندارند برای سند قرار دادن آن اینهمه مقدمه لازم است^۲، آنگاه: مداحان و نویسندگان و وعاظ رافضی مطالبی را آن هم به صورت گزینشی از لابه لای متون به هم ریخته تاریخی انتخاب کرده و مطالبی ناروا به کسانی نسبت می‌دهند که نتیجه‌اش جز تفرقه در امت اسلامی و شادی انگلیس و صهیونیسم نتیجه‌ای ندارد؟ آیا فهم و بررسی متون تاریخی کار هر بیسوادی است و کارشناسی نمی‌خواهد؟! سنی: چطور برای طریقه ورود به خلا و دستشویی باید سالها درس حوزه خواند، ولی برای بررسی متون تاریخی هر ننه قمری نظریه می‌دهد!!! آن هم از کتبی چون سلیم بن قیس هلالی، بحار الانوار، کافی و

۱- مدح افرادی خاص یعنی مدح علی و ذم افرادی خاص یعنی ذم ابوبکر و عمر.

۲- شما چیزی را تفسیر می‌کنید که دارای ابهام، شبهه، ظن و شک باشد نه چیزی که در آن هیچ شک و ظنی نباشد، در ابتدای قرآن در سوره بقره/۲ می‌خوانیم: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾، یعنی «این کتابی است که در آن هیچگونه ظن و شکی نیست و راهنمای پرهزکاران است».

رافضی: اصلاً این حضرت علی بود که خیبر را فتح نمود، در صورتیکه قبل از او ابوبکر و عمر موفق به این کار نشدند و همین نشانه خلافت بلافصل و الهی حضرت علی می‌باشد!!! (پارازیت)

سلفی: وقتی شما سه روز متوالی دشمنی را زیر فشار بگذارید، خوب مسلم است که روز سوم نیروی او تحلیل رفته و ضعیف‌تر از روز اول است و اگر یک نفر به تنهایی می‌تواند سرنوشت جنگ را تعیین کند، پس چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی را به تنهایی برای فتح خیبر نمی‌فرستند؟! که سپاه مسلمین نیز کشته ندهند و اگر هم یک نفر به تنهایی چاره ساز نیست و حضرت علی با همان سپاه و افراد تحت امر ابوبکر و عمر رفته پس گناه حضرت ابوبکر و حضرت عمر چیست؟ و آیا نعوذ بالله پیامبر صلی الله علیه و آله قصد خراب کردن ابوبکر و عمر را داشته؟! یا طبق رسم آن زمان، رعایت سن آن‌ها را نموده است؟ (همان ترتیبی که در خلافت آن‌ها نیز اتفاق می‌افتد: حضرت ابوبکر - عمر - عثمان و علی رضی الله عنه).

سنی: چرا اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله ناگهان مرتد، غاصب خلافت و ظالم شدند و چرا در طول حیات نبی اکرم صلی الله علیه و آله اینگونه نبودند و چرا پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اینگونه شدند؟ رافضی: صحابه تا زنده بودن پیامبر صلی الله علیه و آله جرات مخالفت نداشته‌اند و پس از رحلت نبی اکرم بود که مخالفت‌ها شروع شد!!

سنی: آن‌ها که همیشه مطیع محض فرامین پیامبر صلی الله علیه و آله و دستورات الهی بودند، پس چرا در این یک مورد خاص (خلافت حضرت علی) مخالفت کردند؟

رافضی: نخیر، شیخ شرف‌الدین در کتاب خود، ده‌ها مورد از تخلفات آن‌ها در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله را آورده است که آن‌ها با دستورات نبی اکرم مخالفت می‌کرده‌اند!! سنی: لطفاً می‌شود تکلیف ما را روشن کنی: آن‌ها با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، جرات مخالفت پیدا کردند یا در زمان حیات ایشان هم جرات مخالفت داشتند و مخالفت می‌کردند؟!!! (تلنگر به مقدار خیلی زیاد از جهات مختلف)

رافضی: نخیر، صحابه مرتد هستند و عمر از بدترین آنهاست و روحانیون ما بطور مداوم به ظلم‌های او اشاره دارند!!

سلفی: آری، من نیز یکی از این روحانیون را دیدم که داشت روی منبر با آب و تاب فراوان و با ایماء و اشاره به حضرت عمر می‌تاخت و داستان‌های جعلی تاریخی را با شاخ و برگ تمام نقل می‌کرد و البته من در این فکر فرو رفتم که اگر ۱۴۰۰ سال قبل، حضرت عمر به ایران حمله نکرده بود و ایرانیان مسلمان نشده بودند طبق تحلیل دکتر شریعتی، تمام ایران بدون شک در همان سالها مسیحی شده بود و اکنون، همین جناب روحانی^۱ در حالیکه لباس کشیشها را به تن داشت با آب و تاب تمام داستان به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی را تعریف می‌کرد و جیغ و ضجه همه به هوا بلند می‌شد!! یا با احساس تمام می‌گفت: این مسلمین چقدر نادان و بدبختند برای اینکه قبول ندارند خدا سه‌تاست: پدر، پسر، روح‌القدس!!!

رافضی: باید دوباره برویم به سراغ سند هویت ما یعنی غدیر خم!! پیامبر ﷺ مردم را در هوای گرم غدیر خم نگاه داشت تا بگوید حضرت علی جانشین و خلیفه بلافصل از جانب خداست.

سلفی: ولی عجیب است که پیامبر ﷺ ۱۲۰ هزار نفر مسلمان را به قول شما در آن گرمای زیاد نگهداشت تا موضوع خلافت حضرت علی را اعلام کند ولی با تمام این مقدمات وقتی موقع بیان اصل مطلب فرا می‌رسد از کلمه‌ای برای بیان این موضوع مهم استفاده می‌کند که دارای ۲۷ معنی مختلف است^۲. براستی پیامبر ﷺ در ابلاغ و تفسیر

۱- جالب است که بدانیم این صنف درست از زمان صفویه و آشنایی با طبقه روحانیون مسیحی در ایران ایران شکل گرفت و کلمه روحانی دقیقاً ترجمه همان کلمه روحانی در مسیحیت است، و گرنه در قبل از آن در هیچ حدیث و یا شعری به صنفی با عنوان روحانی مواجه نمی‌شویم.

۲- کلمه مولی معانی مختلفی دارد و مانند کلمه شیر در فارسی است که چنانچه کسی بگوید: شیر، شما نمی‌فهمید منظور او شیر جنگل است یا شیر خوراکی و معنای اینگونه کلمات در جمله مشخص

کدام یک از آیات الهی در پرده و به کنایه سخن گفتند که این بار دومشان بوده باشد؟! آن هم موضوع به این مهمی!! و اگر اینچنین نیست پس این اختلاف ناشی از چیست؟! رافضی: آیات را پیامبر تفسیر می‌کرده و توضیح می‌داده‌اند و اکنون علمای ما احادیث پیامبر را تفسیر و تاویل می‌کنند و ما اینگونه متوجه می‌شویم که مراد از آیه ابلاغ طبق توضیح و تفسیر علماء از سخن پیامبر اکرم، خلافت حضرت علی بوده است؟! (آش شوربا)

سنی: تمامی اتفاقات عجیب به عقیده جناب رافضی بعد از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده است یا در روزهای آخر عمر ایشان.

سلفی: اصلاً به عقیده جناب رافضی آخرین روزهای حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اولین‌ها در اسلام است!!:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اولین بار در طول عمر گهربار خود در ابلاغ یک آیه (آیه ابلاغ) دچار شک و تردید و ترس از مردم می‌شوند!!

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله برای اولین بار پیام خدا را در پرده‌ای از ابهام و با کلمه‌ای که دارای ۲۷ معنی متفاوت است بیان می‌کنند.

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله برای اولین بار و با وجود اینکه قرآن ایشان را امی (بیسواد) معرفی کرده، درخواست قلم و کاغذ می‌کنند تا چیزی بنویسند که مردم تا قیامت گمراه نشوند.

۴- حضرت عمر برای اولین بار می‌تواند نقطه نظراتش را به کرسی بنشانند.

۵- پیامبری که قبل از آن می‌گفت اگر می‌دانستم بیش از هفتاد بار طلب آمرزش برای منافقین موثر است چنین می‌کردم برای اولین بار لعن و نفرین می‌کنند آن هم نزدیک‌ترین مسلمانان به خودش را!! (در صورتیکه پیش از این خداوند، پیامبر را در حادثه بئر معونه از لعن و نفرین حتی قاتلین صحابه منع کرده بود).

می‌شود که البته پیامبر صلی الله علیه و آله قرینه آن را در جمله بعدی می‌آورد و آن چیزی نیست جز دوستی. (خدا یا، دوست بدار هر کس او را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس او را دشمن بدارد).

۶- برای اولین بار در تمامی تاریخ بشری در فاصله بین ۲ ساعت یاران از جان گذشته تبدیل می‌شوند به مرتد، ظالم و یاور غاصب!!!

سنی: علت لعن کردن ابوبکر و عمر توسط شما چیست جناب رافضی؟

رافضی: چون در حدیث و روایات، امامان آن‌ها را لعن کرده‌اند و ما نیز برای رعایت اصل تولی و تبری باید لعن کنیم!!

سنی: ولی در برخی از احادیث، امامان از خلفاء تعریف کرده‌اند.

رافضی: خوب در آنجا امامان در حالت تقیه بوده‌اند!!

سنی: آیا خنده‌دار نیست که هرگاه موضوعی به نفع شما می‌شود امامان تقیه نکرده‌اند و هرگاه به ضررتان می‌شود تقیه کرده‌اند، مگر تمام حکومت‌های دوران امامان، سفاک و خونریز نبوده‌اند و مردم هم همان مردم پس چرا برخی اوقات تقیه کرده‌اند و تعریف و تمجید و برخی اوقات نه تنها تقیه نکرده‌اند بلکه لعن و نفرین هم کرده‌اند!!؟

رافضی: اصلاً همیشه در مورد حضرت علی ظلم شده و او همیشه ناشناخته بوده است، همچون زمانی که اهالی شام شنیدند که حضرت علی در محراب کشته شده و با تعجب سؤال کردند: مگر علی نماز هم می‌خوانده است!!؟

سلفی: ام کلثوم دختر فاطمه زهرا در زمان خلافت حضرت عمر به همسری او در می‌آید و حضرت علی او را به عمر می‌دهد که ثمره این ازدواج دو فرزند بوده است.

رافضی: جدی می‌گی، مگر حضرت فاطمه دختری بنام ام کلثوم هم داشته؟! مگر آن دختر، همسر عمر بوده؟ مگر علی با عمر دوست بوده؟ مگر دختر فاطمه با قاتل مادرش ازدواج می‌کرده؟ مگر، مگر، مگر، مگر، مگر.....(تلنگر شدید)

سنی: ای بابا، باز هم صد پله به مردم شام، که فقط فکر می‌کردند حضرت علی نماز نمی‌خواند، شما که بطور کلی فارغ از همه جا هستی.

رافضی: من هم اکنون با آخوند محله خودمان تماس گرفتم و او این شبهه را برایم برطرف کرد، بنابراین لازم است در مورد ازدواج ام کلثوم با عمر بن خطاب توضیحاتی بدهم تا این شبهه و هابیون دفع شود!!

سلفی: بله، لطفاً توضیح دهید تا تیر و هابیون به سنگ بخورد.

رافضی: جناب علامه مجلسی که خدمات بسیاری به ما نموده‌اند در کتاب خود این شبهه را چنین برطرف نموده‌اند که به دستور حضرت علی یک جن از جن‌های نجران، بجای ام کلثوم با عمر بن خطاب ازدواج کرده که پس از مدتی عمر متوجه این موضوع می‌شود و می‌خواهد آن را آشکار کند ولی همان موقع کشته می‌شود و آن زن جنی میراث عمر را برمی‌دارد و با خود به نجران می‌برد!!^۱

سلفی: من فکر می‌کنم جناب مجلسی فیلم هندی زیاد می‌دیده است.

سنی: البته این روایات جناب مجلسی برای داستان نویسان فیلم‌های هالیوودی و بالیوودی^(۲) بسیار خوب است.

سلفی: آیا خدمات و مجاهدت صحابه در راه اسلام و یاری کردن پیامبر ﷺ در نزد شما ارزشی ندارد؟

رافضی: نخیر، آن‌ها با غضب خلافت تمامی کارهای قبلی خود را محو کردند و البته آن کارها نیز از سر اخلاص نبوده بلکه آن‌ها دارای نفاق بوده‌اند و از همان ابتدا تنها هدفشان غضب خلافت حضرت علی بوده و بس!!!

سلفی: البته جناب سنی فراموش نکنید که غبار روبی حرم امام رضا برای آقایان، افتخاری بس بزرگ است و بی‌نهایت ثواب دارد که حتی اجازه آن را به هر کسی نمی‌دهند و هزار تا پارتی و نوبت می‌خواهد و خود جناب رهبر رافضیان اینکار بس

۱- افسانه فوق در بحارالانوار ج ۴۲ ص ۸۸ آمده که سلسله روایات آن به واسطه افراد مجهولی چون جذعان بن نصر و محمد بن مسعده و محمد بن حمویه مخدوش است.

۲- هالیوود (Hollywood) بالیوود (Bollywood) اشاره به شرکت‌های فیلم آمریکایی و هندی است.

بزرگ و مهم را بر عهده می‌گیرند، ولی کسانی که جزء اولین نفرات ایمان آورده به پیامبر ﷺ بوده‌اند و در راه او تحمل سختی و شکنجه کرده‌اند، از خانه و خانواده بریده و هجرت کرده‌اند، تمام دارایی خود را در راه خرید زمین مسجد و آزاد کردن برده‌ها و تدارک جنگ‌ها انفاق کرده‌اند و در نهایت در این راه شهید شده‌اند، بی‌اهمیت هستند و حتی سزاوار لعن و نفرین!! من از رویاهان حيله‌گری که مردم را فریب می‌دهند تعجب نمی‌کنم، زیرا آن‌ها سرگرم انجام وظیفه‌ای هستند که انگلیس بر عهده آن‌ها گذاشته است، تعجب من در حماقت بی‌نهایت عده‌ای از هموطنان است که ادعای هوش و نبوغ آن‌ها گوش فلک را کر کرده!! (تلنگر)

رافضی: نخیر، عمر دشمن اسلام بوده و بس!!

سلفی: ولی شما از دیگر سو می‌گویید عمر در کارهای مختلف با حضرت علی مشورت می‌کرده و بیش از هفتاد بار گفته: اگر علی نبود عمر هلاک می‌شد، یعنی علی دست کم هفتاد بار به عمر مشورت داده، در صورتیکه شما عمر را دشمن اسلام می‌دانید، مجسم کنید مانند این است که یک دزد بیاید و با شما درباره شیوه از کار انداختن دزدگیر مشورت کند و شما هم او را راهنمایی کنید!! حضرت علی برای چه به او مشورت می‌داده؟ لابد برای مصلحت اسلام!! و او چه می‌کرده؟ تحریف و تخریب اسلام!! و تحکیم پایه‌های قدرت خود!! برآستی آیا اینگونه تفکرات، زاینده ذهن‌های بیمار و مریض نیست؟!

رافضی: او همینطوری اتفاقی می‌آمده سراغ حضرت علی برای مشورت!!

سلفی: پس چرا همینطوری نمی‌رفته سراغ ابوسفیان؟ و تازه چرا علی به او کمک کرده؟ به ظالم و غاصب خلافت که نباید کمک کرد، همانطور که خود حضرت علی فرموده: مشورت به ظالم همچون شرکت در ظلم اوست. و صحبت ما بر سر عمر بود که اگر دشمن اسلام بوده پس چرا برای تکامل و پیشرفت اسلام نزد عاقل‌ترین افراد

می‌رفته؟ ای کاش اسلام همیشه از این دشمنان داشته باشد و دوستانی چون شما نداشته باشد.

رافضی: چگونه می‌شود خداوند و یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تکلیف رهبری را مشخص نکنند و امت نوپای اسلامی را به حال خود رها کنند تا دچار اختلاف و پراکندگی شوند؟! سلفی: مگر مردم مدینه با انتخاب ابوبکر دچار اختلاف شدند؟! یا برعکس، آیا حضرت ابوبکر با کمک همین مردم - که به قول حضرت عمر خود را کاملاً وقف ابوبکر کردند - نتوانست شورش اهل رده را سرکوب و وحدت و انسجام کامل را در سراسر شبه جزیره حاکم کند؟ این نیز از نوع همان فرافکنی‌های همیشگی است، مگر کسی غیر از رافضیان غالی و کذاب و شیعیان شاه عباسی جامعه اسلامی را دچار اختلاف و پراکندگی کرده و جلوی نفوذ و گسترش اسلام را در سراسر جهان گرفته و در لحظات حساسی که امپراطوری عثمانی می‌رفت طومار کلیسای مسیحی در اروپا را در هم بیچد، به قول دکتر شریعتی، ناگهان ضربه‌ای از پشت (توسط ایران ضد سنی) به او وارد شد؟ رافضی عزیز، که متأسفانه من افتخار آشنایی با شما را پیدا کرده‌ام (و به قول حضرت علی: ایکاش هیچگاه این افتخار نصیب من نمی‌شد و نه من شما را می‌شناختم و نه شما مرا) خداوند عقل را برای همین جاها به انسان داده، چرا مانند روبات و عروسک کوکی هر حرف احمقانه‌ای را قبول می‌کنی؟! آن هم از ناحیه کسانی که حماقت و دروغگو بودن آن‌ها بر شما ثابت شده؟ چرا از عقل خودت استفاده نمی‌کنی؟!

سنی: جناب رافضی یکی از مشکلات فعلی خود را بیان کنید؟

رافضی: فعلاً مهمترین مشکل ما این است که چنانچه زبانم لال اگر پس از یک میلیون سال رهبر و آقای ما، ولی مطلقه ما، آقا خامنه‌ای بخواهند رحلت بفرمایند، آنگاه ما چه کسی را به جای ایشان بگذاریم؟ سکان کشتی ولایت را به دستان چه کسی بسپاریم تا آن را از میان موج‌های سهمگین دریای وهابیت به سلامت به ساحل جزیره مهدی صاحب‌الزمان برساند؟

سلفی: من یک شخص بسیار خوب را سراغ دارم که تنها اوست که لیاقت داشتن این مقام را دارد.

رافضی: او کیست؟ زود بگو تا سربازان گمنام امام زمان را بفرستم به دنبالش!!
 سلفی: اگر بدانید به تازگی جناب آیت ... ناصری در اصفهان گفته که جناب آیت ... بهجت فرموده‌اند: من دوستی دارم که با امام زمان در ارتباط است و امام زمان به او گفته که به زودی ظهور خواهم کرد!! از نظر من همین رفیق جناب بهجت بهترین گزینه برای ولایت فقیه است!!

سنی: آری، من نیز موافقم، او بهترین شخص است، چونکه با شخص معصوم و ماینطق عن الهوی در ارتباط است و امکان ندارد خطایی بکند و حتماً توسط مهدی صاحب الزمان راهنمایی می‌شود، چونکه خود مهدی نیز مسلط به وحی الهی است و بنابراین این کشتی ولایت به خوبی هدایت می‌شود، او نایب بر حق امام زمان خواهد بود!!

سلفی: اگر فرض کنیم این دوست جناب بهجت جوانی سی ساله باشد پس باید تا حدود سی سال آینده این امام زمان شما ظهور کند چون این شخص، شصت ساله می‌شود و به مرگ نزدیک می‌شود، و برآستی اگر پس از گذشت سی یا چهل سال باز هم مهدی ظهور نکند آیا شما قبول می‌کنید که امام زمانی وجود ندارد؟

رافضی: نخیر، ممکن است بداء حاصل شود و ظهور مهدی باز به تاخیر بیفتد، یا اینکه دوست آیت ... بهجت نیز به هنگام پیری بگوید من نیز دوستی دارم که او نیز با امام زمان در ارتباط است و امام زمان به او گفته که در امر ظهور بداء رخ داده است و فعلاً ظهوری در کار نیست ولی به پیروان ما بگو تا زنده بودن این دوست دومی حتماً ظهور می‌کنم، البته اگر دوباره بداء نشود!!!^۱

۱- البته این آخوندها زرنگتر از این حرفها هستند و همیشه پس از بیان این دروغها که مثلاً دوست بهجت چنین گفته در آخر سخنان خود خطاب به مردم می‌گویند: البته فراموش نکنید که شما نیز

سنی: مگر در احادیث شما نیامده که هرکس پس از نائب چهارم و در زمان حیات خود ادعای ارتباط با مهدی را داشته باشد دروغگو و کذاب است؟ و مگر در احادیث شما نیامده که تعیین کنندگان وقت ظهور کذاب هستند؟ پس این دوست جناب بهجت چه می‌گوید؟ چرا جناب بهجت به او نمی‌گوید تو فردی کذاب هستی؟ (تلنگر برای مقلدان جناب بهجت)

سلفی: ای بابا، نمی‌شود که به او چنین سخنانی را بگوید، چون باید این دکان را گرم نگه داشت، باید مردم را امیدوار نگه داشت، باید ولی مطلقه فقیه را نگه داشت، باید این افسانه امام زمان همینطور در ذهن مردم کودک صفت باقی بماند و لحظه‌ای از اذهان خارج نشود، اینقدر ساده نباش جناب سنی.

سنی: شاید هم کسی قصد داشته با جناب بهجت شوخی کند و یا اینکه این دوست جناب بهجت نیز همچون آن سنیان خیالی هستند که در شب‌های پیشاور با جناب سلطان‌الواعظین شیرازی به مناظره نشسته‌اند!!

سلفی: به نظر من شب‌های چندش آور نام مناسب‌تری است. رافضی: ما به موضوع جانشینی خیلی علاقه مندیم و معتقدیم انتخاب ابوبکر در سقیفه باطل بوده و بصورت فلته و ناگهانی انجام شده، چون خود عمر نیز این را گفته که این انتخاب فلته و ناگهانی بوده است.

سلفی: خوب شد گفتی فلته و ناگهانی و مرا به یاد زمانی انداخت که جناب خمینی رحلت کردند و آقا یک شبه و ناگهانی و بصورت فلته مجتهد شدند و جانشین آقای خمینی و ولی امر مسلمین جهان و نائب بر حق امام زمان و ولایت مطلقه فقیه!! و البته

می‌بایست دعا کنید تا امام زمان ظهور کند و این بستگی به ما دارد و ...، البته چون امام زمانی ظهور نخواهد کرد پس سیاست اصلی نیز از ابتدا بر همین امر استوار بوده که ذهن مردم به دعا جهت فرج امام زمان، انتظار و چاه جمکران سرگرم شود تا لحظه‌ای در وجود امام زمان تردید نکنند و این خرافه در رگ و خون ایشان باقی بماند.

با طرح توطئه‌ای ناگهانی جناب منتظری برکنار شدند و ناگهانی حاج احمد آقا کشته شدند!! (همان جریان سم و کفش و . . .). این‌ها نیز همه ناگهانی و فله‌ای بوده.

رافضی: تمامی احادیث ما متواتر هستند، احادیث خلافت حضرت علی، تعمیر قبور ائمه، عصمت امامان و داشتن علم غیب و

سلفی: حتماً این احادیث متواتر نیز مانند کتاب فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الأرباب، نوشته جناب محدث نوری است که ۲۰۰۰ حدیث با تواتر معنوی را در تحریف قرآن در این کتاب جمع کرده است، چرا شما روایات تحریف را قبول ندارید؟^۱ (تلنگر تلنگر و تلنگر)

رافضی: چون خداوند در سوره حجر آیه ۹ حفظ آیات قرآن را تضمین کرده است. سلفی: چرا هر جا که قادر به جوابگویی نیستید فوراً به سراغ قرآن می‌روید؟! و آیا محدث نوری از این آیه بی‌اطلاع بوده؟! و تازه طبق برخی دیگر از احادیث کتب رافضیان، منظور از حفظ قرآن آن قرآنی است که نزد امام زمان محفوظ مانده و حفظ شده در ام‌الکتاب و لوح‌الهی!!!

سنی: عیب بزرگ رافضیان متعصب، حزب‌اللهیان و آخوندهای احمق در این است که انتظار دارند تمامی مردم جهان پشت سر ایشان حرکت کنند!! سلفی: و اینگونه آیا ترافیک نمی‌شود?!!

سنی: دلیل اینکه شما رافضیان کتب فلان نویسنده را نمی‌خوانید چیست؟ رافضی: چون آقا فرموده‌اند!!

سلفی: آری، مراقب باش مبادا گمراه شوی و به دامن شیطان بیفتی!!

۱- براسستی وقتی بشود یک موضوع دروغ را با ۲۰۰۰ حدیث ثابت کرد پس چرا هموطنان عزیز من به دنبال حدیث و قصه می‌روند، آن هم احادیثی با سندهای ضعیف و یا خبر واحد و . . .

رافضی: همه باید پیرو آقا باشیم و بس، فقط آقا، او ولی امر مسلمین جهان است!! اگر همه بیایند زیر سایه ولایت، تمامی مشکلات حل خواهد شد!! و مطمئن باشید آقا برای همه شما چفیه خواهد داشت!!^۱ الزموا السواد الأعظم! (جنون)

سلفی: ولی ظاهراً چهارتا مسلمان داخل ایران هم به زور او را قبول دارند چه برسد به مسلمین جهان!!

سنی: لابد اهل سنت کشورهای دیگر نیز باید از ولی امر خود پیروی کنند و زیارت عاشورا بخوانند!!

سلفی: واقعاً که مسلمین بدبخت جهان، عجب ولی امری دارند که اجازه نمی‌دهد در تهران که پایتخت ایران است یا در قم یا در اصفهان یا در کاشان برای آن‌ها مسجدی ساخته شود و ظاهراً ولی امر مسلمین جهان به این جمعیت کثیر مسلمین یعنی اهل سنت بی‌اعتناست و حتی در شهرهای سنی‌نشین مساجد اهل سنت را تخریب می‌کند.

سنی: شاید ولی امر مشرکین جهان است یا ولی امر روافض جهان یا ولی امر غلات جهان و به اشتباه می‌گویند: ولی امر مسلمین جهان.

رافضی: مرگ بر ضد ولایت فقیه!!^۲ اینجا باید این بیت از شاعر انقلاب جناب آقاسی را خطاب به شما بکار ببرم:

من یقین دارم مسلمان نیستید!! چون ولی را تحت فرمان نیستید!!

سلفی: به شاعر انقلابتان بگو:

من یقین دارم مسلمان نیستید چون خدا را تحت فرمان نیستید

سنی: نظر من این است که این مناظره را تمام کنیم، نظر شما چیست جناب سلفی؟

سلفی: من نیز کاملاً موافق هستم، شما چطور جناب رافضی؟

۱- فکر می‌کنم خامنه‌ای کارخانه تولید چفیه دارد، چون به هر حال تعداد گوسفندان زیاد است.

۲- حتی در بین طرفداران خامنه‌ای نیز افرادی بیشتر ولایت دارند و افرادی کمتر ولایت دارند که همیشه مورد سرزنش گروه مقابل خود هستند، البته بهتر است بگوئیم حماقت کمتری دارند.

رافضی: من فعلاً در حال ذوب شدن در ولایت هستم و نمی‌توانم پاسخ دهم!!!
 سلفی: مراقب باش در حماقت یا جهالت ذوب نشوی.
 سنی: لطفاً ذوب شدن را بگذار برای وقتی دیگر و تکلیف این مناظره را روشن کن، چون ما قصد داریم مناظره را تمام کنیم.
 رافضی: من کمی تردید دارم و نمی‌دانم چه کنم؟
 سلفی: یعنی چه؟!
 رافضی: آخر ما عقیده‌ای داریم بنام خالف عامه^۱، یعنی هرکاری که عامه مسلمین کردند ما بر عکس آن را انجام دهیم و بنابراین من، فعلاً پایان این مناظره را قبول ندارم!!!
 سلفی: پس اصلاً حالا که اینطور است، من و جناب سنی هم نمی‌خواهیم مناظره پایان یابد.
 رافضی: پس من نظرم را تغییر می‌دهم و مایلم که مناظره را تمام کنیم!!
 سنی: آفرین بر تدبیر شما جناب سلفی، بالاخره ما را نجات دادی.
 رافضی: البته قبل از پایان دادن به این مناظره من می‌بایست تلفنی ضروری به جایی بزنم، بنابراین با عرض معذرت برای چند لحظه شما را ترک می‌کنم.
 سلفی: جناب سنی، فکر می‌کنم که تلفن جناب رافضی به سربازان بدنام امام زمان در اداره اطلاعات است و به زودی این محل از این سربازان بدنام که حافظ ولایت هستند پر می‌شود.
 سنی: پس بهتر است هرچه زودتر این محل را ترک کنیم.

۱- عمر بن حنظله از امام صادق می‌پرسد اگر دو خبر از اخبار شما داشتیم که یکی موافق عامه (اهل سنت) و دیگری مخالف آنان بود، کدام یک را اخذ کنیم؟ امام می‌فرماید: خبر مخالف عامه را اخذ کنید که رشد و هدایت در آن است!! (اصول کافی جلد ۱، باب اختلاف الحدیث، حدیث دهم) و آیا حدیثی بهتر از این برای تفرقه زدن میان مسلمین وجود دارد که متأسفانه بصورتی قاعده‌ای در مذهب ایشان بکار می‌رود تا بیشتر از پیش باعث جدایی ایشان از امت اسلامی شود. (تلنگر)

سلفی: باید هر چه سریعتر برویم تا به جمع دشمنان ولایت و امامت ملحق نشویم، منظورم دشمنانی هستند که در زندان‌های سیاسی، زندان اطلاعات و یا در قبرستان‌ها خفته‌اند. (آخرین تلنگر)

و سلفی در حالی که این شعر را زیر لب زمزمه می‌کرد در کوچه پس کوچه‌ها رفت و برادر رافضی را با عقاید بیمارش و ولایتش تنها گذاشت و رفت:

خدا حافظ ای کشور لعنتی	پر آشوب بوم و بر لعنتی
خرافات می‌ریزد از کوی تو	به همراه هر باور لعنتی
تمامی بدبختی ما ز توست	تو ای نفت ای گوهر لعنتی
اگر مام میهن شود بی‌پدر	نگویم به او مادر لعنتی
ولی هر خری می‌زند دم ز تو	هزاران هزار انتر لعنتی
ز دیدار تو خون شده این دلم	تو نادان کور و کر لعنتی
چرا مثل خر می‌کنید انقلاب	شماها در این خاور لعنتی
زیاراتتان مملو از لعنت است	برای همین آخر لعنتی

خدا حافظ ای رهبر کور دل

خدا حافظ ای اکبر لعنتی^۱

پایان

پائیز ۱۳۹۰ هجری شمسی